



منزعه کوچی-ده نشین در افغانستان کنونی

داکتر انتونیو جیسنوزی

فوس ۱۳۹۸



واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

مقاله تلفیقی

منزعه کوچی-ده نشین در افغانستان کنونی

داکتر انتونیو جیستوزی

قوس ۱۳۹۸

شماره استندرد بین المللی کتاب (ISBN) ۹۷۸-۹۹۳۶-۶۴۱-۴۱-۹

کد نشریه: د ۱۹۰۷

مترجم: عزیزالله اسفندیاری

عکس روی جلد: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

© ۱۳۹۸ واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

این نشریه میتواند فقط برای اهداف غیر تجارتي و در صورت یادآوری نویسنده و منبع نقل قول، استناد و یا تکثیر گردد. نظریات ذکر شده در این نشریه مربوط به نویسنده میشود و انعکاس دهنده نظریات AREU نمیباشد. تمام حقوق ناشر محفوظ است. هرگاه این نشریه چاپ مجدد، ذخیره و یا بصورت برقی به دسترس گذاشته میشود، باید خط ارتباطی به سایت انترنتی www.areu.org.af (AREU) در آن چاپ و یا روی صفحه انترنتی گذاشته شود. برای هر گونه استفاده که در فوق مشخص نگردیده است، باید اجازه قبلی بصورت تحریری از شرکت ناشر، واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان با ارسال ایمیل به areu@areu.org.af یا با تماس گرفتن با ۱۵ ۳۴ ۲۲۱ ۲۰ (۰) +۹۳ اخذ گردد.

درباره واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان یک نهاد مستقل تحقیقاتی مستقر در کابل می باشد که در سال ۲۰۰۲ با همکاری جامعه بین المللی در افغانستان تاسیس گردید. هدف این نهاد تحقیقاتی انجام و عرضه تحقیقات با کیفیت عالی، مبنی بر شواهد، مرتبط با پالیسی و انتشار نتایج حاصله آنها و همچنان ترویج فرهنگ پژوهش و مطالعه می باشد. طبق گزارش پوهنتون پنسیلوانیا، واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان منحیث یک نهاد پژوهشی دارای جایگاه عالی در افغانستان بوده و در بین نهاد های پژوهشی در آسیای میانه در رده پنجم قرار دارد. این نهاد با پالیسی سازان، جامعه مدنی، محققان و محصلان به منظور تحقق اهداف خویش ارتباط برقرار می نماید تا استفاده از نشرات مبنی بر شواهد و کتابخانه این واحد ترویج یافته، ظرفیت تحقیقی آنها تقویت شود و فرصت ها برای بازتاب اندیشه ها، مناظره ها و تحلیل ها ایجاد گردد. واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان توسط هیأت مدیره اداره می شود که متشکل از نمایندگان ادارات تمویل کننده، سفارتخانه ها، سازمان ملل متحد و دیگر سازمان های چندجانبه، جامعه مدنی و کارشناسان مستقل می باشد.

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان برنده جایزه بهترین نهاد تحقیقاتی بین المللی سال ۲۰۱۸ مجله پراسپکت بریتانیا (Prospect Magazine) گردیده است.



تمویل کننده اساسی:

نهاد انکشافی بین المللی سویدن (Swedish International Development Cooperation Agency (SIDA)

تمویل کنندگان برنامه ها:

پروژه های مشخص واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در سال ۲۰۱۹ توسط نهاد های بین المللی ذیل تمویل گردیده است:

European Union (EU), Global Challenges Research Fund (GCRF), Norwegian Institute of International Affairs (NUPI), Central Asia Regional Economic Cooperation Institute (CAREC), The Foundation to Promote Open Society (FPOS), The French Medical Institute for mother and children (FMIC), The Royal United Services Institute (RUSI), Institute for Integrated Transitions (IFIT), UN Women and Save the Children.

همچنان این اداره عضویت شبکه های جهانی ذیل را دارا میباشد:

The RESOLVE Network, Global Challenge Research Fund (GCRF), The School of Oriental and African Studies (SOAS), Secure Livelihoods Research Consortium (SLRC), A Conflict Sensitive Unpacking of The EU Comprehensive Approach to Conflict and Crisis Mechanism (EUNPACK), ADB- Asian Think Tanks Network (ATTN) and The Regional Environmental Centre for Central Asia (CAREC).

در مورد نویسنده

داکتر انتونیو جیستوزی تحقیقات گسترده ای در زمینه های مختلف و خاصا درباره افغانستان انجام داده است. وی برای واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، تحقیقات ذیل را به رشته تحریر درآورده است:

۱. سی سال منازعه (۲۰۱۲)، ۲. انحصار کلی انعطاف پذیر: وضعیت اقتصادی - سیاسی شامل افغانستان ۲۰۰۱ و بعد از آن (۲۰۱۲)، ۳. اردوی ملی افغانستان: چالش های پایداری فراتر از مسائل مالی (۲۰۱۴)، ۴. سیاسی سازی لیبسه های افغانستان (۲۰۱۵)، ۵. رسیدن به نقطه غلیان: فعالیت گرایبی لیبسه ها در افغانستان (۲۰۱۵)، ۶. اردوی ملی افغان بعد از نیروهای کمک امنیتی بین المللی (۲۰۱۶)، ۷. نوع شناسی منازعه کوچی-ده نشین در افغانستان (۲۰۱۸) و ۸. روند اسکان کوچی ها در افغانستان و تاثیر آن بر منازعه (۲۰۱۹).

داکتر جیستوزی دوکتورای خویش را در پوهنتون اقتصاد لندن در رشته روابط بین الملل و لیسانس خود را در رشته تاریخ معاصر از پوهنتون بولونیا به دست آورده است.

پیشگفتار

خرسندیم که گزارش جدید خویش با عنوان 'منازعه کوچی-ده نشین در افغانستان کنونی' نوشته داکتر انتونیو جیستوزی را که با کمک مالی سخاوتمندانه اتحادیه اروپا تهیه شده است، منتشر می کنیم. این تحقیق بخشی از پروژه وسیع تری است که از سوی اتحادیه اروپا تمویل شده است: پروژه 'تلاش تحقیقاتی سه جانبه در بخش های اساسی مدیریت منابع طبیعی'. این گزارش بر مبنای شماری از تحقیقات 'واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان' در زمینه کوچ نشینی در افغانستان تهیه شده و به غنای تحقیقات قبلی کمک می کند.

هدف این تحقیق ارائه تصویر ابتدایی از منازعه کوچی-ده نشین در افغانستان و بررسی سرشت در حال تحول آن است. تحقیق کنونی عوامل چندگانه منازعه کوچی-ده نشین، به شمول ابهام در قانون علفچر، ضعف حکومت، یا فشار جمعیت بر زمین کمیاب قابل کشت، را بررسی می کند. پس از آن، به تلاش های گذشته برای حل منازعه و تاثیر محدود آن می پردازد، و در مرحله نهایی سفارشات را در باره راه حل های دوگانه ارائه می کند. بر اساس راه حل دوگانه، دولت تنها نقش محدود ایفا می کند.

تحقیقات ساحوی شامل ۹۸ مصاحبه با موسفیدان کوچی و جوامع ده نشین و نیز مصاحبه با مقامات دولتی، چهره های سیاسی، تحلیل گران، میانجی ها و سایر مراجع ذی دخل است. مصاحبه ها در چند بخش توزیع شد: هشت مطالعه موردی منازعه کوچی-ده نشین، چهار مطالعه موردی مناطق مسکونی کوچی ها، یک تحقیق درباره حل منازعه بین کوچی ها و ده نشین ها، و یک گزارش تعقیبی در باره همین مساله در کابل و ولایات.

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان از حمایت ارزشمند افرادی که به صورت ناشناس در امر اعتبار سنجی مقالات (peer review) کمک کردند به خاطر طرح دیدگاه و عرضه تخصص شان جهت بهتر سازی این گزارش و از داکتر انتونیو به خاطر کارهای تحقیقاتی پربار شان در افغانستان، سپاسگزاری می کند.

امیدوارم این گزارش به مثابه منبعی برای کمک به تدوین پالیسی ها و برنامه های متمرکز بر رسیدگی به منازعه کوچی-دهقان و آینده کوچ نشینی در افغانستان سودمند واقع شود.



داکتر اورخالا نعمت

رییس واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

فهرست مطالب

ا	درباره واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان
۵	مخففات
۱	چکیده
۳	۱. مقدمه
۵	۲. روش شناسی
۹	۳. ترسیم منازعه کوچی-ده نشین در افغانستان
۹	۱,۳ کوچی ها در افغانستان
۹	۱.۱.۳ اسکان پلان شده و خودانگیخته
۱۲	۲.۱.۳ دلایل اسکان
۱۳	۳.۱.۳ دوگانه سازی کوچ نشینی
۱۵	۲,۳ عوامل منازعه کوچی-ده نشین در افغانستان
۱۶	۱.۲.۳ ابهام قانونی
۲۱	۲.۲.۳ ضعف، ناکارآمدی و فساد حکومت
۲۲	۳.۲.۳ توسعه شهری
۲۳	۴.۲.۳ فشار جمعیتی
۲۵	۵.۲.۳ اسکان کوچی ها
۳۰	۶.۲.۳ ظهور زورمندان
۳۳	۷.۲.۳ محرک های سیاسی منازعه
۳۵	۴. تاثیر و اهمیت منازعه بر دولت و جامعه
۳۵	۱,۴ سوء استفاده بیرونی
۳۷	۲,۴ قومی و قبیله سازی
۳۸	۳,۴ دولت ناکارآمد و غایب پنداشته می شود
۳۹	۴,۴ پیامدهای تاثیرگذار بر مشروعیت دولتی
۴۰	۵. حل منازعه کوچی-ده نشین
۴۰	۱,۵ نقش دولت
۴۰	۱.۱.۵ در تاریخ
۴۱	۲.۱.۵ امروز
۴۳	۲,۵ نقش کنشگران غیر دولتی
۴۴	۳,۵ آیا ممکن است دولت کنار گذاشته شود؟
۴۴	۱.۳.۵ دولت کاملا غایب نیست
۴۴	۲.۳.۵ محدودیت های حل منازعه
۴۵	۳.۳.۵ چرا بدیلی برای دولت نیست
۴۵	۴.۳.۵ چرا دولت باید بی طرف باشد
۴۷	۶. در جستجوی راه حل
۴۷	۱,۶ علامت گذاری
۴۷	۲,۶ گزمه
۴۷	۳,۶ آیا می توان روند اسکان را مؤثر ساخت؟
۴۸	۱.۳.۶ امکان پذیری اقتصادی اسکان
۵۰	۲.۳.۶ آیا اسکان کوچی منازعه را کاهش می دهد؟
۵۰	۴,۶ زمانبندی
۵۲	۵,۶ نقش جدید دولت
۵۴	۷. نتیجه گیری
۵۵	۱,۷ سفارشات
۵۶	منابع

مخففات

شبکه تحلیلگران افغانستان	AAN
سروی وضعیت زندگی در افغانستان	ALCS
پولیس محلی افغانستان	ALP
پولیس ملی افغانستان	ANP
اداره اراضی افغانستان	ARAZI
اداره احصائیه مرکزی	CSO
اتحادیه اروپا	EU
ریاست عمومی مستقل کوچی ها	IGDK
وزارت زراعت، آبیاری و مالداري	MAIL
وزارت احیا و انکشاف دهات	MRRD
وزارت شهرسازی و اراضی	MUDL
مدیریت منابع طبیعی	NRM
اشتغال در چراگاه ها، سازگاری و تقویت ظرفیت	PEACE
اداره انکشاف بین المللی ایالات متحده	USAID

چکیده

این مقاله در صدد ترسیم نقشه ابتدایی منازعه کوچی و ده نشین در افغانستان است. دوره تحقیق میدانی این مقاله سال های ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۹ را در بر می گیرد. از زمانی که چند تحلیل در سال های ۲۰۰۷-۲۰۱۰ در این باره منتشر شد، ماهیت و ویژگی منازعه عمیقاً تغییر کرده است. پرسش اصلی تحقیق متمرکز بر منازعه بین کوچی ها و ده نشین ها است و ویژگی در حال تحول حل منازعات را بررسی می کند. هدف اساسی تحقیق جمع آوری اطلاعات و به روز رسانی پالیسی سازی در زمینه منازعه کوچی-ده نشین در افغانستان و نیز ایجاد مبنایی برای تحقیقات آینده است.

تحقیقات ساحوی شامل ۹۸ مصاحبه باریش سفیدان کوچی و جوامع ده نشین و نیز مصاحبه با مقامات دولتی، چهره های سیاسی، تحلیل گران، میانجی ها و سایر جوانب ذی دخل است. مصاحبه ها در چند بخش توزیع شد: هشت مطالعه موردی منازعه کوچی-ده نشین، چهار مطالعه موردی اسکان کوچی ها، یک تحقیق درباره حل منازعه بین کوچی و ده نشین، و گزارش تعقیبی در باره مسائل مرتبط در کابل و ولایات.

دست یافتن به ارقام معتبر درباره وضعیت کوچ نشینی در افغانستان ناممکن است اما ریاست کوچی ها ارقام ابتدایی را که در نتیجه یک سروی در حال اجرا به دست آمده است، در دسترس قرار داد. اگر این ارقام درست باشد، کوچ نشینی به شدت کاهش یافته است، در حدی که کوچ نشینی واقعی اصولاً منقرض شده است. اعتقاد بر آن است که تنها ۲۲۰،۰۰۰ نیمه کوچی فعال باقی مانده است و سایر جمعیت کوچی ها به صورت دائم ساکن شده اند. هرچند حکومت از چندین طرح منطقه مسکونی کوچی ها حمایت کرد که چندان موفق نبود، اسکان کوچی ها تا حد زیادی به خودی خود اتفاق افتاده است. کوچی ها گاهی به دلیل از دست دادن مواشی مجبور به اسکان شدند، و گاهی به خاطر جذابیت امکانات زندگی مدرن آن را برگزیدند. سایر نیمه کوچی ها اغلب در جوامع کوچی های ساکن، ادغام شده اند. در عمل، کوچ نشینی در افغانستان کنونی دوگانه شده است.

- به گفته منابع تحقیق، عوامل متعددی سبب منازعه کوچی-ده نشین گردیده است. به طور قطع، مسائل حقوقی مربوط به قانون علفچر باعث شکاف بین کوچی ها و ساکنین محل در باره چراگاه های روستا و چراگاه های عمومی شده است.
- ضعف حکومت در مناطق روستایی سبب شده است که مقامات دولتی، در مقایسه با زمان پیش از جنگ، بخش اعظم توانایی خویش برای مدیریت شکاف ساختاری بین کوچی و ده نشین را از دست بدهد. این وضعیت همچنان باعث شده است در صورت بروز منازعه، مقامات حکومتی از توانایی اندکی برای مداخله در آن بهره مند باشند.
- توسعه شهری قیمت زمین را در ساحات علفچر نزدیک به مناطق شهری افزایش داده است، امری که مشوق جدی را برای غصب چراگاه و تبدیل آن به شهرک ها به وجود آورده است. کوچی ها و ساکنین محل برای تملک این چراگاه ها، در برابر یکدیگر و بین همدیگر به رقابت و جنگ بر می خیزند.
- فشار جمعیتی باعث شده است جمعیت فزاینده ای بر سر زمین های قابل زراعت که هر روز کمیاب تر می شود، رقابت کنند در حالی که حداقل در برخی از مناطق ساکنین بیشتری دست به نگهداری حیوانات می زند تا درآمد اندک زراعتی شان تقویت شود. این حیوانات نیز نیازمند چراگاه است و ساکنین شروع به استفاده از چراگاه های عمومی می کنند، زمین هایی که زمانی تحت تسلط کوچی ها بود.
- اسکان کوچی ها منجر به غصب چراگاه ها برای خانه سازی می شود. این مساله باعث ایجاد حسادت میان ساکنین محلی و کوچی هایی می شود که هنوز مواشی شان را در جستجوی چراگاه به گوشه های دور افغانستان می برند.
- ظهور زورمندان یکی از ویژگی های زندگی سیاسی و اجتماعی ۲۰-۳۰ سال اخیر افغانستان است و بر منازعه کوچی-ده نشین نیز تاثیرگذار بوده است. بر اساس گزارش ها، زورمندان، کوچی و ساکنین را تشویق به غصب زمین می کنند که در نتیجه سبب می شود زورمندان برای (تنظیم) آن با حکومت مرکزی وارد تعامل شود، امری که مزایای مالی و حمایت سیاسی برای زورمندان را به همراه دارد.
- جنگ جاری با کاهش دسترسی به چراگاه ها، و تضعیف بیشتر ادارات مرکزی، بر منازعه کوچی و ده نشین تاثیرگذار است.
- توازن در حال تغییر قومی و سیاسی باعث شده است برخی از جوامع ساکن در برابر کوچی ها قاطع تر و تهاجمی تر شود، که اغلب سبب امتناع از ورود کوچی ها به کل منطقه می شود.

منازعه اغلب در مناطق دور دست رخ می دهد اما ساحات نزدیک کابل نیز از این وضعیت تاثیر پذیرفته است. ناتوانی دولت در مدیریت منازعه به مشروعیت آن آسیب می زند و منازعه ای که به تدریج شدت می یابد آتش جنگ خشونت بار کنونی را شعله ورتر می سازد.

تلاش های انجام شده برای حل منازعه تا کنون تاثیر محدودی داشته است. تلاش های مستقیم دولت هیچ گونه موفقیتی در پی نداشته است در حالی که تلاش های میانجی گری غیر دولتی در حل برخی از منازعات نسبتا سطحی، موفق بوده است. اما در جایی که زورمندان یا منافع اقتصادی قوی دخیل است، حل منازعه از سوی مراجع غیر دولتی کارآمدی چندان نداشته است.

سفارشات

- تا زمانی که جنگ در افغانستان ادامه یابد، ادارات مرکزی گزینه های محدودی برای حل منازعه کوچی و ده نشین خواهند داشت. با این حال، حکومت باید فرمان های قدیمی سلطنتی را که بخش های بزرگی از چراگاه ها را برای مدت غیر معین به جوامع خاص کوچی بخشید، با راه حل های نوین، جایگزین کند.
- راه حل های جزئی مانند علامت گذاری ساحات زراعتی، نظارت بر مسیر مهاجرت کوچی ها، زمانبندی مهاجرت ها مطابق چرخه زراعتی، تا زمانی قابل تطبیق نیست که تا صلح در افغانستان برنگردد و بسیاری این راه حل ها بسیار گران خواهد بود.
- راه حل های دوگانه، یعنی مواردی که دولت نقش محدود اما واقعا پایدار ایفا کند، راه حل درست است:
 - حمایت از اسکان خود انگیخته با ارائه خدمات و امکانات، در بدل توافق کوچی ها با اسکان در زمین هایی که از سوی مقامات حکومتی تعیین شده است.
 - دسترس پذیر ساختن زمین برای توسعه شهری، با تضعیف برخی از عوامل اصلی غصب غیرقانونی زمین.
 - ارائه مشوق در بدل تغییر شیوه زندگی کوچی ها، حداقل در حد ترک مهاجرت به مناطق دور.

۱. مقدمه

منازعه بین کوچی ها و ده نشین ها پس از ۲۰۰۱ مکررا در رسانه های افغانستان و بیرونی بازتاب یافته است اما به ندرت مطالعه منظم در مورد آن انجام شده است. در حالی که تحقیقات انسان شناسانه در مورد کوچی ها از دهه های ۱۹۷۰-۱۹۹۰ انجام می شد و بخشی از تحقیقات جامعه شناختی در اوایل دوره پس از ۲۰۰۱ اجرا شد، تحولات سال های اخیر و ادبیات مرتبط تحلیل نشده است. به خصوص، با ظهور شهرک های کوچی ها در سراسر افغانستان، این سوال پدید آمد که آیا فرایند اسکان کوچی ها بعد از ۲۰۰۷ تسریع شده است، و تاثیر آن بر ماهیت منازعه چیست. اتفاق دیگری که به ندرت در ادبیات تحقیق راه یافته است و به صورت بالقوه ارتباط قوی با بحث دارد، نقش شماری از زورمندان کوچی در منازعه است^۳. هدف یک سروی جدید درباره منازعه کوچی و ده نشین، واضحاً، آگاه ساختن پالیسی سازی درین باره است.

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، به هدف پر کردن این خلا، در دسامبر ۲۰۱۶ به کمک اتحادیه اروپا یک پروژه تحقیقاتی سه جانبه را با موضوع مدیریت منابع طبیعی به راه انداخت. منازعه کوچی-ده نشین به عنوان یکی از اضلاع این پروژه شناسایی شد. پروژه سه سال طول کشیده و در مراحل مختلف سازماندهی شده است. این مقاله پایان بخش تحقیقات مربوط به منازعه کوچی ده نشین است و حاوی همه تحقیقات و تحلیل های قبلی می باشد. هدف اساسی این مقاله آگاهی دهی و به روز رسانی پالیسی سازی موضوعات مربوط به منازعه کوچی-ده نشین در افغانستان و نیز ایجاد مبنایی برای تحقیقات آینده است. تحقیق کنونی ارزیابی دسته اول و ترسیم شده از منازعه و تلاش هایی است که در سال های ۲۰۱۷-۲۰۱۹ برای حل آن انجام شده است. این تحقیق همچنان گزینه های ممکن برای آینده و تلاش های بهتر برای حل منازعه را بررسی می کند. تحقیق حاضر بایستی به مثابه مطالعه اولیه موضوع تلقی شود که هدف آن زمینه سازی برای پلان گذاری تحقیقات متمرکزتر و عمیق تر است. لازم است کارهای تحقیقاتی جدی تری برای ترسیم جامع و مطالعه منازعه کوچی-ده نشین در افغانستان انجام شود.

از آنجایی که (در سال ۲۰۱۶ زمانی که پروژه آغاز شد) فهم موجود از منازعه کوچی ده نشین مربوط به وضعیت ۲۰۰۵-۲۰۰۷ بود و عمدتاً روی منازعه در بهسود متمرکز بود، پروژه تحقیق کنونی بدون پرسش مشخص آغاز شد. در عوض، چند هدف کلان (اکتشافی) در نظر گرفته شد.

- ارتباط با کوچی ها و جوامع ساکنی که در حال منازعه با یکدیگر پنداشته می شد، و نیز مقامات حکومتی و سپس، دریافت فهم آنها از عوامل منازعه و تلاش های مربوط به حل منازعه؛
- تلاش برای مقایسه گزارش های مختلف منازعه و تلاش های حل منازعه و بر اساس آن:
 - تدوین تحلیل ابتدایی از عوامل منازعه؛
 - تدوین تحلیل ابتدایی از تاثیرات کلان منازعه بر جامعه و دولت افغانستان؛
 - تدوین تحلیل ابتدایی از تاثیر منازعه بر تلاش های حل منازعه

۱ به خصوص: کلاوس فردیناند، کوچی های افغان: کاروان ها، منازعات و تجارت در افغانستان و هند بریتانیایی ۱۸۰۰-۱۹۸۰ (کوپنهاگ: رودوس، ۲۰۰۶)؛ برتی فریدریکسن، کاروان ها و تجارت در افغانستان: زندگی متحول کوچی های هزار بزرگ (کوپنهاگ: رودوس، ۱۹۹۵)؛ گورم پدرس، گشت و گذار کوچی های افغان: یک قرن تغییر زلالاخان خیل (کوپنهاگ: رودوس، ۱۹۹۵)؛ ریچارد تیر (ویراستار)، قبیله و دولت در ایران و افغانستان (لندن: راتلج، ۱۹۸۳)؛ تی ج. بارفیلد، عرب های آسیای مرکزی افغانستان: گشت و گذار کوچی های مراتع (استین: انتشارات پوهنتون تکراس، ۱۹۸۱).

۲ (مطالعه جمعیت کوچی در ساحه شهر نو کابل) (کابل: سامویل هال، ۲۰۱۲)؛ هاروی نیکول، "Quelle était verte ma vallée l'avenir sans terre des populations Kuchi dans le district de Deh Sabz" (Revue de Mondes Musulmans et de la Méditerranée، ۲۰۰۷)؛ شماره ۱، جلد ۱۱، شماره ۱ (۲۰۰۷): ۳۷-۹.

۳ فابریزیو فوشینی، (سرگردانی اجتماعی کوچی های افغان) برلین، شبکه تحلیلگران افغانستان، (۲۰۱۳).

- شناسایی سفارشات پالیسی ساز برای پیشرفت به سوی حل منازعه، متناسب با عوامل منازعه

روش شناسی تحقیق در بخش ۲ بررسی شده است و بخش ۳ به ترسیم ویژگی های منازعه اختصاص داده شده است. وضعیت کوچ نشینی در افغانستان امروز (بخش ۳.۱) بررسی شده و هدف آن تبیین تغییرات گسترده ای است که از سال ۲۰۰۱ به بعد رخ داده است. از این رو، بحث مفصل کوچ نشینی در افغانستان یا حتی منازعه کوچی-ده نشین در دوره قبل از ۲۰۰۱ در افغانستان، فراتر از حیطه این تحقیق است.

بخش ۳.۲ یافته های تیم تحقیق درباره عوامل مختلف منازعه کوچی-ده نشین در افغانستان کنونی را بیان می کند. فهرست عوامل جامع پنداشته نمی شود و هیچ یک از عوامل به صورت عمیق مطالعه و تحلیل نشده است. دلیل آن ویژگی ابتدایی بودن سروری است که برای این تحقیق اجرا شده است. سرانجام، تیم تحقیق تلاش هایی را که تا کنون برای حل منازعه کوچی-ده نشین انجام شده است، بررسی کرده است (بخش ۴). بخش پنجم به بررسی راه حل های ممکن اختصاص یافته است که از گفتگو با مصاحبه شوندگان به دست آمده است. بار دیگر، باید به خاطر داشت که اطلاعاتی که سفارشات این تحقیق بر اساس آن تدوین شده است از سروری اولیه به دست آمده است، نه رشته ای از مطالعات عمیق.

۲. روش شناسی

به دلیل اندک بودن اطلاعات مربوط به چگونگی تحول منازعه کوچی-ده نشین در سال های اخیر، مطالعه جغرافیای منازعه به عنوان نخستین بخش تحقیق انتخاب شد. بر اساس اطلاعات ارائه شده از سوی مقامات ریاست عمومی مستقل کوچی ها، تیم تحقیق با گفتگو با کوچی ها، ساکنین محل و مقامات حکومت، جستجو در باره عوامل منازعه از دیدگاه این سه گروه را آغاز کردند. مصاحبه ها در دوره ای بین ماه اپریل ۲۰۱۷ و می ۲۰۱۹ انجام شد. بخش کوچی-ده نشین تحقیق شامل چهار مبحث موازی بود:

ا. هشت مطالعه موردی منازعه کوچی-ده نشین، از طریق مصاحبه با مقامات حکومتی، رهبران محلی و سایر ناظرین منازعه در ولسوالی های ده سبز، خاک جبار، بهسود، مالستان، دیری، فراه، ازره و امام صاحب. برای بحث روی مطالعات موردی، به گزارش ۲۰۱۷ واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان تحت عنوان (ترسیم نقشه منازعه کوچی-ده نشین در افغانستان) که بخشی از همین پروژه بوده است، مراجعه کنید؛

ب. چهار مطالعه موردی زیستگاه های کوچی ها، که دو مورد آن در ولایت کابل و دو مورد دیگر در ولایت لوگر قرار دارد؛

ج. مطالعه حل منازعه بین کوچی ها و ده نشین ها، از طریق مصاحبه هایی که در ولایات کابل، بامیان، خوست، غزنی، فراه، لوگر و وردک انجام شد؛

د. مصاحبه های تعقیبی مربوط به همین مساله در کابل و ولایات.

در مجموع، چنانچه در جدول ۱ زیر نشان داده شده است، تیم تحقیق ۹۸ مصاحبه اجرا کردند. بخش اعظم مصاحبه ها (۷۵ مصاحبه) با موسفیدان کوچی و ده نشین انجام شد، در حالی که ۲۳ مصاحبه دیگر با مقامات حکومتی، چهره های سیاسی، تحلیل گرها، میانجی ها و سایر افراد انجام شد.



جدول ۱: خلاصه مصاحبه های انجام شده

مجموع	میانی های غیر دولتی	زورمندان	تحلیل گرها	سیاستمداران و نمایندگان	مقامات حکومت	بزرگان قریه	موسفیدان کوچی	
۷					۱	۴	۳	بهبود
۵						۲	۳	مالستان
۶					۱	۳	۳	ده سبز
۶						۳	۳	خاک جبار
۷	۱				۱	۳	۳	ازره
۸	۲				۱	۲	۴	فراه
۵		۱			۱	۲	۲	امام صاحب
۸	۲				۱	۳	۳	خوست
۳						۳		بامیان
۴							۴	شهرک حاجی جنت گل درکابل
۴							۴	کوچی آباد(کابل)
۴							۴	وزیر کاریز (خوشی)
۴							۴	دشت خاکه (برکی برک)
۲۷		۱	۲	۸	۶	۶	۴	سایر مناطق
۹۸	۵	۲	۲	۸	۶	۳۱	۴۴	مجموع

مصاحبه ها به گونه ای طراحی شده بود که اطلاعات مربوط به الگوها و علل منازعه را کشف کند. هدف اصلی مطالعات موردی این بود که چندین مصاحبه شونده برای کسب معلومات در باره هر منازعه محلی وجود داشته باشد تا نه تنها پاسخ های مربوط به اطلاعات واقعی با هم مقایسه شود بلکه هم روایت کوچی و هم ده نشین در باره عین اتفاقات به دست آید.

منازعه بین کوچی ها و دهاقین در افغانستان نه پدیده ای جدیدی است، و نه موضوعی است که در گذشته مورد توجه دانشمندان قرار نگرفته باشد. با این حال، در مطالعات قبلی، توجه روی منازعه بین هزاره ها و کوچی های پشتون در مرزهای جنوبی هزاره جات متمرکز بود، در واقع تنها منازعه ای که بیشترین (در واقع، تقریباً کل) توجه رسانه بی را به خود جلب کرده بود. تنها استثناهای عمده مطالعات پیترسن و کروتمن و شوت درباره چراگاه های شیوا در بدخشان است^۴. به دلیل این توجه و تاریخ گذشته منازعه سیاسی و قومی بین دو گروه، که در مراحل گوناگون از سوی دولت و/یا گروه های سیاسی حمایت می شد، منازعه هزاره ها و کوچی ها، تفکیک منابع اجتماعی، زراعتی، اقتصادی و جمعیتی منازعه را دشوار می سازد. پروژه مجری این تحقیق نگاه کلان تری به منازعه بین کوچی ها و ده نشین ها را انتخاب کرد ولی منازعه در هزاره جات را نیز نادیده نگرفت.

^۴ فابریزیو فوشینی، (سرگردانی اجتماعی کوچی های افغان)، (برلین، شبکه تحلیل گران افغانستان، ۲۰۱۳)؛ لیز آلدین ویلی، (جنگ بر سر چراگاه: جنگ پنهان افغانستان)، Revue des Mondes muslimans et de la Méditerranée: ۱۳۳، جون ۲۰۱۳؛ عباس فراسو، (دینامیک منازعه کوچی-ده نشین در افغانستان: رویارویی کوچی ها و هزاره ها در هزاره جات)، آرشیف انجمن جاپان برای مطالعات خاور میانه، جلد ۳۳ (۲۰۱۷) شماره ۱، ۳۷-۱؛ هرمان کروتمن و استیفان شوت، (مشترکات اختلافی- ناامنی های چندگانه چراگاه نشین ها در شمال شرق افغانستان)، اردکوندل، جلد ۶۵، شماره ۲، ۹۹-۱۱۹، ۲۰۱۱. برای نشرات قبلی واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در باره این موضوع، نگاه کنید به: لیز آلدین ویلی، (در جستجوی صلح در چراگاه ها: روابط روستایی زمین در افغانستان)، کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۰۴؛ میروین پترسن، چراگاه های شیوا، ۱۹۷۸-۲۰۰۳: تغییرات ملکیت زمین و منازعه در ولایت شمال شرقی بدخشان، کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۰۴؛ الف. جیستوزی (ترسیم منازعه کوچی-دهقان در افغانستان)، کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۱۷.

جدول ۲ و نقشه ۱ موقعیت مطالعات موردی مربوط به مبحث ۱ تحقیق را با جزئیات نشان می دهد. هرچند اکثریت کلان کوچی ها پشتون اند، ازبیک ها، پشه‌یی ها، ایماق ها، بلوچ ها، ترکمن ها و گجر ها نیز دارای جوامع کوچی اند. در حقیقت، یکی از هشت مطالعه موردی منتخب ازبیک و دیگری بلوچ است. نمونه مطالعات موردی مورد نظر نمی تواند نمایانگر کل منازعات کوچی ها و دهاقین باشد، زیرا هیچ نقشه درستی از این منازعات ترسیم نشده است. به طور مثال، مواردی از منازعات بین پشه‌یی ها و پشتون ها وجود دارد^۵. در عوض، مطالعات موردی بر اساس ملاحظات زیر از فهرستی از موارد معین منازعه که توسط چندین شورای کوچی^۶ در کابل ارائه شد، انتخاب گردید:

- تدارکات رسیدن به محل مصاحبه؛
 - شمولیت انواع گوناگون محیط های اجتماعی، قومی و اقتصادی؛
 - شمولیت ترکیبی از راه حل های موفق مذاکره و منازعات جاری؛
 - شمولیت اکثر منازعاتی که در ساحات نسبتا پرجمعیت رخ می دهد و تاثیر خشونت و اختلال بیش از موارد دیگر است.
- در کل، تیم تحقیق بدین باور بود که هشت مطالعه موردی مبنای معتبری را برای ارزیابی اولیه منازعات کوچی-ده نشین فراهم می سازد، زیرا این مطالعات بین چند ساحه اصلی افغانستان که مهاجرت کوچی ها در آن رخ می دهد، توزیع شده است.

نقشه ۱: موقعیت های مطالعه موردی



۵ گفتگو با عضو شورای کوچی، مارچ ۲۰۱۶.

۶ شورا کلمه عربی مرادف (رایزی) است که فرایند تصمیم گیری را توصیف می کند.

جدول ۲: جوامع متنازع مورد مطالعه

دهاقین هزاره در برابر کوچی های پشتون	(مالستان) غزنی
دهاقین هزاره در برابر کوچی های پشتون	(پهسود) وردک
دهاقین پشتون در برابر کوچی های پشتون	(ازره) لوگر
دهاقین پشتون در برابر کوچی های پشتون	(دیری) ولسوالی متون، خوست
دهاقین بلوچ در برابر کوچی های پشتون	فراه
دهاقین بلوچ در برابر کوچی های پشتون	فراه
دهاقین تاجیک در برابر کوچی های پشتون	ده سبز کابل
دهاقین تاجیک و پشتون در برابر کوچی های پشتون	(خاک جبار) کابل
دهاقین ازبیک در برابر کوچی های پشتون	(امام صاحب) قندز

برای مبحث دوم تحقیق، موقعیت ها به صورت آگاهانه در نزدیکی همدیگر انتخاب شدند که یکی از آنها زیستگاه خودانگیخته و دیگری زیستگاه مورد حمایت دولت در ولایت کابل است (حاجی جنت گل و کوچی آباد) و دو مطالعه موردی با ویژگی های مذکور در ولایت لوگر (وزیر کاریز و دشت خاکه) (به جدول ۳ نگاه کنید).

جدول ۳: زیستگاه های سروری شده کوچی ها

موقعیت	ولسوالی	ولایت	ترکیب قبیله‌یی
حاجی جنت گل	کابل	کابل	مختلط
کوچی آباد	کابل	کابل	(سهاک) ایدوخیل
وزیر کاریز	خوشی	لوگر	(موسی خیل) احمدزی
دشت خاکه	برکی برک	لوگر	احمدزی

مصاحبه در مناطق روستایی اکثراً توسط محققین با تجربه افغان و با استفاده از پرسشنامه های نیمه ساختاری انجام شد. پرسشنامه ها با پیشرفت تحقیق و با دریافت نظر محققین و برآیند مصاحبه ها، به مرور تعدیل شدند. نویسنده اکثر مصاحبه ها را در کابل و به صورت غیر ساختارمند انجام داده است.

۳. ترسیم منازعه کوچی-ده نشین در افغانستان

۱،۳ کوچی ها در افغانستان

در حالی که شمار واقعی کوچی ها در افغانستان نامشخص است، حضور آنها هنوز برجسته و بر اقتصاد روستایی تاثیرگذار است. ارزیابی سال ۲۰۰۴ شمار (مهاجرین فعال) کوچی را ۱.۵ میلیون نفر اعلام کرد (به شمول خانوارهای کاملاً کوچی و اعضای مهاجر خانوارهایی که بخشی از آنها ساکن شده اند). بدون توجه به درستی این رقم، تعداد کوچی ها امروزه قطعاً کمتر از آن است. به نظر می رسد حدود ۳۶۵،۰۰۰ کوچی از سال ۲۰۰۴ به بعد ساکن شده اند در حالی که حدود ۵۰۰،۰۰۰ نفر دیگر به خانوار کوچی تعلق دارند اما در فصل مهاجرت به همراه گله به سفر نمی روند. خانوارهای کاملاً کوچی که در خیمه زندگی می کنند و هیچ خانه ای ثابتی ندارند، احتمالاً امروزه به لحاظ شمار اندک است.^۷

اکثر گروه های کوچی به صورت نسبی ساکن شده اند و گونه ای از اجتماع دوگانه و نیمه ساکن را به وجود آورده اند. برخی از اعضای آنها در خانه زندگی می کنند و به صورت فصلی مهاجرت نمی کنند، در حالی که سایر اعضا هر سال همراه موآشی به چراگاه های سبزتر مهاجرت می کنند. گروه های نیمه کوچی نیز وجود دارند که دارای خانه اند اما هنوز کل خانوار را هر سال به مهاجرت های فصلی می برند.^۸

ریاست کوچی ها که در سال ۲۰۰۶ تاسیس شده است هنوز نتوانسته است سروی جدید کوچی ها را تکمیل کند، اما برآورد می کند که در سال ۲۰۱۹ حدود ۴.۵ تا ۵ میلیون کوچی، نیمه کوچی و کوچی های ساکن در کشور وجود دارد. عقیده بر آن است که ازین جمع حدود ۱۵۰،۰۰۰-۲۲۰،۰۰۰ نیمه کوچی اند، در حالی که به نظر می رسد کوچ نشینی کامل امروز منقرض شده است. این امر نشان دهنده کاهش شدید کوچ نشینی پس از ۲۰۰۱ است، حتی اگر این ارقام مبالغه آمیز تلقی شود.^۹ سروی ۲۰۱۶-۲۰۱۷ وضعیت زندگی در افغانستان (که بر اساس ارزیابی قدیمی ۲۰۰۴ نمونه گیری شده است) نشان داد که تقریباً ۹۴ درصد کسانی که خود را کوچی می نامند هیچ مسکنی به جز مسکن موقت ندارند.^{۱۰} جدول ۵ تخمین های مربوط به وضعیت اسکان کوچی ها را جمع آوری کرده است. این ارقام از سوی موسفیدان کوچی ارائه شده است و به نظر می رسد گرایش به سوی اسکان فزاینده را تایید می کند. شکل ۱ توزیع خانواده های کوچی، نیمه کوچی و کوچی های ساکن را در ۱۹ ولایت تحت سروی تا ماه می ۲۰۱۹ نشان می دهد. به علاوه، مطابق سروی ۲۰۱۶-۲۰۱۷ وضعیت زندگی در افغانستان، حتی در میان جمعیت باقی مانده نیمه کوچی، حدود ۲۰ درصد در فعالیت های غیر زراعت و مالداری مصروف اند.^{۱۱}

۳.۱.۱ اسکان پلان شده و خودانگیخته

بر اساس ماده ۱۴ قانون اساسی افغانستان، برای کوچی ها باید مطابق توانایی دولت درین زمینه، اسکان داده شود. به کوچی ها در جاهایی که می توانند ساکن شوند، زمین داده شود. یکی از این تجربه ها در شناسایی محل اسکان کوچی ها در منطقه باریک آب ده سبز بود. در حقیقت، مقامات نتوانستند تصمیم شان را عملی کنند.^{۱۲} یکی از دلایل ناکامی سایر تجربه ها، مانند دشت زرغون ولایت لوگر، فقدان طرح ریزی دقیق و ضعف انتخاب محلات اسکان بود.^{۱۳} دلیل دیگر این بود که اسکان دارای معایبی است. کوچی ها استقلال (نسبی) شان را از دست دادند و (مانند اکثر جمعیت دیگر افغانستان) سوژه هوس چهره های قدرتمند محلی قرار گرفتند.

[موسفیدان] از ما پول می گیرند و ما مجبوریم پرداخت کنیم زیرا اگر این کار را نکنیم، ما را سرزنش می کنند و تلاش می کنند در محل ما را منزوی کنند.^{۱۴}

۷ فراوکی دی ویجیر، (ارزیابی ملی چند سکتوری کوچی ها) (کابل، ۲۰۰۵)؛ فراوکی دی ویجیر، (کوچی های چراگاه نشین افغانستان: تفسیر و سازگاری) مردم کوچی، جلد ۱۱، شماره ۱ (۲۰۰۷): ۳۷-۹.

۸ ایما گراهام هریسن، (تلفات پنهان جنگ افغانستان: زارعین کوچی به زندگی ساکن رو می آورند)، گاردین، ۹ جنوری ۲۰۱۳؛ لیز آلدین ویلی، (در جستجوی صلح در چراگاه ها) (کابل، واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۰۴).

۹ مصاحبه با یکی از مسئولین ریاست کوچی ها، کابل، می ۲۰۱۹.

۱۰ اداره احصائیه مرکزی، سروی ۲۰۱۶-۲۰۱۷ وضعیت اقتصادی افغانستان، کابل، ۲۰۱۷، ص ۲۱۰.

۱۱ اداره احصائیه مرکزی، ۲۰۱۷، ص ۶۸.

۱۲ مصاحبه با موسفید کوچی قبیله تره خیل در ولسوالی ده سبز ولایت کابل، جنوری ۲۰۱۷.

۱۳ مصاحبه با کارمندان ریاست مراتع، کابل، سپتامبر ۲۰۱۷.

۱۴ مصاحبه با کوچی ساکن در زیستگاه وزیر کاریز، لوگر، ۳ اپریل ۲۰۱۹.

در حال حاضر، ریاست کوچی ها روی سه نوع زیستگاه برای کوچی ها کار می کند:

- شهرک های کوچی نشین نزدیک شهرها، جایی که کوچی ها بتوانند ساکن و شهرنشین شوند؛
 - مزرعه های کوچی در مناطق دور دست، با ۱۰ هکتار زمین که بابت یک خانه، زراعت و مالداری به هر خانواده داده می شود؛
 - مراکز خدماتی در حوالی زیستگاه های فصلی کوچی ها (صحت، معارف و غیره).
- یکی از این طرح ها در اوایل ۲۰۱۸ در ولسوالی خاش بدخشان جریان داشت و طرح های بیشتری برای بلخ، لوگر و فراه و چند ولایت دیگر پلان شده بود^{۱۵}. زیستگاه هایی که تا ماه می ۲۰۱۹ از سوی ادارات افغانستان تاسیس شده است، قرار ذیل است:
- بت خاک، واقع شرق شهر کابل، با ۱۰۰،۰۰۰-۱۳۰،۰۰۰ باشند؛
 - ولسوالی نهر شاهی، واقع ولایت بلخ، با پوشش ۳،۰۰۰ جریب^{۱۶} زمین، تعداد باشنده های آن نامشخص است؛
 - ولایت پکتیکا، با پوشش ۱،۵۰۰ جریب زمین و تعداد نامشخص ساکنین؛
 - ولایت فراه، با پوشش حدود ۲،۵۰۰ جریب زمین و تعداد نامشخص ساکنین؛
 - ولایت نیمروز، با پوشش ۲۳،۰۰۰ جریب زمین و تعداد نامشخص ساکنین؛
 - ولسوالی مارجه، ولایت هلمند، با پوشش حدود ۴۵،۰۰۰ جریب زمین و تعداد نامشخص ساکنین؛
 - زیستگاه کوچی کوه قوریغ واقع غرب شهر کابل با پوشش تقریباً ۱،۷۰۹ جریب زمین و تعداد نامشخص ساکنین؛
 - شش زیستگاه کوچی در ولایت لوگر، واقع چندین ولسوالی، با پوشش حدود ۳۰،۰۰۰ جریب زمین و تعداد نامشخص ساکنین؛
 - ولایت کاپیسا، با پوشش تقریباً ۴۰۰ جریب زمین با تعداد نامشخص ساکنین^{۱۷}.

با این حال، به صورت عموم، اسکان تحت حمایت حکومت نسبتاً محدود بوده است. سرعت اسکان کوچی ها پس از ۲۰۰۱ تا حد زیادی مستقل از تلاش های دولتی بوده، و بیشتر تحت شرایط اقتصادی، سیاسی و محیط زیستی شکل گرفته است. تحقیقی که از سوی سامویل هال انجام شده نشان می دهد که پس از ۲۰۰۱، فرایند اسکان میان کوچی های ولایت کابل به صورت قابل ملاحظه ای سرعت یافت. از جمع کسانی که مصاحبه شدند، تنها ۰.۷ درصد شان در سال های ۱۹۷۱-۱۹۸۰ و ۲.۱ درصد آنها بین سال های ۱۹۸۱-۱۹۹۰ ساکن شده بودند. نخستین جهش مهم در دهه ۱۹۹۰ رخ داد: ۱۱.۴ درصد در این دهه ساکن شدند. با این حال، شتاب واقعی از سال ۲۰۰۱ به بعد اتفاق افتاد: ۴۴.۳ درصد در سال های ۲۰۰۱-۲۰۰۶ و ۴۱.۴ درصد در سال های ۲۰۰۷-۲۰۱۱ ساکن شدند^{۱۸}. سروی ۲۰۱۵ دریافت که ۱۵ درصد کوچی ها به صورت دائم مسکن گزیده اند^{۱۹}. مصاحبه شوندهگان پروژه جاری واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان تایید کردند که گرایش به سمت اسکان شتاب گرفته است^{۲۰}. یکی از کوچی های ساکن معتقد بود که مهاجرت موقت به پاکستان در دهه ۱۹۸۰ سبب تضعیف جدی کوچ نشینی شد:

۱۵ مصاحبه با زمرد خان منگل، مسئول بخش اقتصادی و اسکان، ریاست کوچی ها، کابل، مارچ ۲۰۱۸؛ مصاحبه با انجینیر فضل احمد نوری، رئیس ریاست کوچی های ولایت فراه، فبروری ۲۰۱۸؛ مصاحبه با زمرد خان منگل، مسئول بخش اقتصادی و اسکان، ریاست کوچی ها، کابل، مارچ ۲۰۱۸؛

۱۶ واحد اندازه گیری زمین، مشابه هکتار.

۱۷ مصاحبه با یکی از مقامات ریاست کوچی ها، کابل، می ۲۰۱۹.

۱۸ (مطالعه جمعیت کوچی ها در ساحه شهر نو کابل)، کابل: سامویل هال، ۲۰۱۲، جدول ۱.۲.

۱۹ فراوکی دی ویجیر، (ارزیابی ملی چند سکتوری کوچی ها) می ۲۰۰۵.

۲۰ الف. جیستوری، (ترسیم منازعه کوچی-دهقان در افغانستان)، کابل، واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۱۸.

برخی از مردم ما در جریان تهاجم شوروی به پاکستان مهاجرت کردند و مزایای زندگی ساکن را در پاکستان چشیدند، سپس فوراً تمام مواشی شان را فروختند و به کسب و کار محلی روی آوردند.^{۲۱}

ارقام محدودی که در دسترس است این دیدگاه را تایید می کند که شمار زیادی از کوچی ها اکنون ساکن شده اند. منبعی در ریاست کوچی ها تخمین کرد که در سال ۲۰۱۹ حدود دو میلیون کوچی در محل های اسکان رسمی و غیر رسمی زندگی می کنند.^{۲۲} مصاحبه شوندهگان این پروژه واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان برآوردهای کلی را از فیصدی اعضای گروه شان که تا زمان مصاحبه به صورت کامل ساکن شده اند، ارائه کردند (جدول ۵).

جدول ۴: کوچی های ساکن بر اساس قبیله، بنا بر اطلاعات بزرگان قبیله^{۲۳}

قبیله	فیصدی تخمینی افرادی که تا ۲۰۱۷ به صورت کامل ساکن شده اند
ناصر	۳۰
کروخیل	۵۵
احمدزی	۳۰
سلیمان خیل	۴۵
ملاخیل	۲۰-۵
نیازی	۷۰-۶۵
سلطان خیل	۸۰
بابر	۵۵
اکبرخیل	۲۵-۲۰
موساخیل	۶۰
تغر	۴۰
بابکر	۴۰
علاوالدین خیل	۵۵
تره خیل	۸۰

بسیاری از سایر اعضای این قبایل، به زندگی نیمه کوچی رو آورده اند. برای نمونه، تخمیناً ۲۵ درصد قبیله علاوالدین خیل به نیمه کوچ نشینی رو آورده اند و تنها ۲۰ درصد هنوز به سبک کاملاً کوچی زندگی می کنند.^{۲۴}

۲۱ کوچی ساکن، زیستگاه وزیر کاریز، لوگر، ۲ اپریل ۲۰۱۹

۲۲ مصاحبه با یکی از مسئولین ریاست کوچی ها، کابل، می ۲۰۱۹

۲۳ مصاحبه با موسفید کوچی قبیله ناصر، منطقه سرچشمه بین چلریز و ولسوالی بهسود میدان وردک، ۲۲ نوامبر ۲۰۱۶؛ مصاحبه با موسفید کوچی قبیله کروخیل، ولایت میدان وردک، ۲۲ نوامبر ۲۰۱۶؛ مصاحبه با موسفید کوچی در حصه اول بهسود میدان وردک، ۱۹ نوامبر ۲۰۱۶؛ مصاحبه با موسفید کوچی قبیله سلیمان خیل، ۲۷ مارچ ۲۰۱۷؛ مصاحبه با موسفید کوچی قبیله ملاخیل، ۹ اپریل ۲۰۱۷؛ مصاحبه با موسفید کوچی قبیله ملاخیل، ۸ اپریل ۲۰۱۷؛ مصاحبه با موسفید کوچی قبیله ملاخیل، دیری ولایت خوست، ۷ اپریل ۲۰۱۷؛ مصاحبه با موسفید کوچی قبیله سلطان خیل، ولایت لوگر، ۲۳ نوامبر ۲۰۱۶؛ مصاحبه با موسفید کوچی قبیله بابر، ولسوالی ازره ولایت لوگر، ۲۸ جنوری ۲۰۱۷؛ مصاحبه با موسفید کوچی قبیله اکبر خیل، ۲۰ مارچ ۲۰۱۷؛ مصاحبه با موسفید کوچی، منطقه کوچی آباد بت خاک، کابل، ۹ مارچ ۲۰۱۷؛ مصاحبه با موسفید کوچی قبیله تغر در ده سبز ولایت کابل، ۱۸ جنوری ۲۰۱۷؛ مصاحبه با موسفید کوچی قبیله بابکر خیل، ولسوالی ده سبز ولایت کابل، ۲۸ جنوری ۲۰۱۷؛ مصاحبه با موسفید کوچی قبیله تره خیل، ولسوالی ده سبز ولایت کابل، ۱۳ جنوری ۲۰۱۷.

۲۴ مصاحبه با ام آر، ریش سفید قبیله علاوالدین خیل، می ۲۰۱۸.

۳.۱.۲ دلایل اسکان

- ضرورت اقتصادی، فقر و جنگ:

خشکسالی، عدم دسترسی به آب و چراگاه شایع ترین علل اسکان گفته شده است^{۲۵}. چنانچه نیکول بیان می کند، یک خانواده کوچی برای پایدار سازی کوچ نشینی، نیاز دارد حداقل ۴۰-۵۰ راس حیوان (گوسفند) داشته باشد. زمانی که شمار حیوانات به پایین تر از این رقم می رسد، تنها چند سال طول می کشد تا خانواده ای مجبور به اسکان شود. کوچی ها اغلب برای خریدن زمین باید مواشی خود را بفروشند و در نتیجه برای بقا به سایر فعالیت ها وابستگی بیشتر پیدا می کنند^{۲۶}.

منارعه کنونی دلیلی است که ۴۷ درصد مصاحبه شوندگان سامویل هال برای اسکان نام برده است^{۲۷}. مصاحبه شوندگان این پروژه تایید کرده اند که خشکسالی، منارعه با ساکنین محل، سطح فزاینده خشونت در کشور، مرگ و میر حیوانات و البته جنگ عوامل فرایند اسکان کوچی ها است. به گفته یکی از آنها:

[کوچی ها] به دلیل ترس از ماین از شاهراه ها و سرک های اصلی عبور می کنند. در زمان عبور از این مسیرها، کوچی ها با بدرفتاری، تحقیر و آزار از سوی مسافران، ساکنین محل و مامورین حکومتی روبرو اند^{۲۸}.

- دسترسی بهتر به آموزش، صحت و امکانات

مصاحبه شوندگان تایید کرده اند که ساکن شدن سبب دسترسی بیشتر به خدمات صحتی و آموزشی است، چیزی که دسترسی به آن در گذشته برای کوچی ها بسیار سخت بود^{۲۹}. این عامل احتمالاً در تلاش های ابتدایی اسکان موثر نبوده است، اما کوچی های ساکن پس از درک اهمیت این دستاوردها به دعوت از همتایان کوچی شان برای اسکان شروع کردند تا به این تسهیلات دسترسی پیدا کنند. این عامل پس از ۲۰۰۲ اهمیت پیدا کرد زیرا آثار جنگ افغانستان به مرور کاهش یافت و سیستم های آموزش و صحت شروع به بازسازی کرد و به نظر می رسد تاثیر شگرفی [بر انتخاب کوچی ها] داشته است. واقعیت آن است که بازگشت به کوچ نشینی در دهه ۱۹۹۰ شایع بود اما پس از ۲۰۰۱ بسیار اندک بوده است. در دهه ۱۹۹۰، زندگی کوچی هنوز برای کوچی هایی که مجبور به فرار از جنگ و پناهندگی به پاکستان شده بودند، جذاب بود و تعداد زیادی از آنها در دهه ۱۹۹۰ به گله داری پرداختند^{۳۰}. مصاحبه شوندگان سامویل هال جذابیت سبک زندگی ثابت را به عنوان دومین علت مهم اسکان (۴۵ درصد) نام برده است، و مشخصاً به آموزش اطفال و خدمات صحتی اشاره کرده اند^{۳۱}. به صورت خاص، دسترسی به خدمات مراقبت مادران میان کوچی ها کمبود است. موضوع رنج آور دیگر نبود آموزش است. بر اساس سروی ۲۰۱۶-۲۰۱۷ وضعیت زندگی در افغانستان، تنها ۵.۸ درصد افراد بالغ کوچی های فعال سواد دارند (۱۰.۶ درصد مردان و تنها ۰.۷ درصد زنان)^{۳۲}. حتی دسترسی کوچی های ساکن به آموزش محدود است. منبعی در ریاست کوچی ها تخمین کرد که در سال ۲۰۱۹ تنها هفت درصد کودکان کوچی ساکن به تعلیمات ابتدایی و ۴ درصد به تعلیمات ثانوی دسترسی داشته اند. تنها ۰.۴ درصد به تحصیلات عالی دسترسی داشته اند. به همین سان، تنها هشت درصد کوچی های ساکن به خدمات صحتی عمومی دسترسی دارند^{۳۳}.

در رابطه به امکانات، بر اساس سروی ۲۰۱۶-۲۰۱۷ وضعیت زندگی در افغانستان، تنها ۳.۹ درصد کوچی های فعال به آب پاک دسترسی دارند. از سوی دیگر، تقریباً ۸۰ درصد خانوارهای کوچی گفته اند به برق، اکثراً آفتابی، دسترسی دارند. تنها ۲۴.۸ درصد خانوارهای کوچی دارای تلفن موبایل اند^{۳۴}.

۲۵ (مطالعه جمعیت کوچی ها در ساحه شهر نو کابل)، کابل: سامویل هال، ص ۲۳.

۲۶ Hervé Nicolle, "Qu'elle était verte ma vallée L'avenir sans terre des populations Kuchi dans le district de Deh Sabz" (Revue de Mondes Musulmans et de la Méditerranée ۲۳۶-۲۳۵, p. ۲۰۱۳, ۱۳۳, et de la Méditerranée)

۲۷ (مطالعه جمعیت کوچی ها در ساحه شهر نو کابل)، کابل: سامویل هال، ص ۲۵-۶.

۲۸ کوچی ساکن در کوچی آباد، ۳ مارچ ۲۰۱۹.

۲۹ نیکول، 'Qu'elle était verte ma vallée' ص ۲۳۶-۲۳۵؛ مصاحبه با کوچی ساکن وزیر کاریز، لوگر، ۱ اپریل ۲۰۱۹؛ مصاحبه با کوچی ساکن وزیر کاریز، لوگر، ۲ اپریل ۲۰۱۹.

۳۰ مصاحبه با کوچی ساکن در دشت خاکه، برکی برک، ۴ می ۲۰۱۹؛ مصاحبه با کوچی ساکن در وزیر کاریز، لوگر، ۱ اپریل ۲۰۱۹؛ مصاحبه با کوچی ساکن، وزیر کاریز، لوگر، ۲ اپریل ۲۰۱۹.

۳۱ (مطالعه جمعیت کوچی ها در ساحه شهر نو کابل)، کابل: سامویل هال، ص ۲۵-۶.

۳۲ اداره احصائیه مرکزی، ۲۰۱۷، ص ۱۹۰.

۳۳ مصاحبه با یکی از مسئولین ریاست کوچی، کابل، می ۲۰۱۹.

۳۴ اداره احصائیه مرکزی، ۲۰۱۷، ص ۲۱۶، ۲۳۰، ۲۳۳.

- ایجاد اجتماع پیوسته تر

زندگی در مجاورت هم به معنای این نیز هست که کوچی های ساکن، در مقایسه با وضعیتی که در دسته های کوچک خانوادگی در مسیرهای مهاجرتی پراکنده اند، از موقعیت بهتری برای کمک به وابستگان دورتر برخوردار اند. در نتیجه، کوچی ها می توانند از زندگی غنی تر اجتماعی بهره مند شوند و مراسم و محافل را در کنار هم تجلیل کنند، و به همدیگر نیز کمک کنند.^{۳۵}

- انباشت مالی و کسب مهارت های جدید

برخی از کوچی ها موفق به انباشت مقدار هنگفت سرمایه شده اند و این مبالغ را پس از قطع جنگ ها بعد از ۲۰۰۱ به ملکیت و کسب و کار تبدیل کردند. در سایر موارد، مهاجرت به کشورهای عربی خلیج یا پاکستان به آنها فرصت داد پول به دست آورند و حداقل بخشی از آن را در افغانستان سرمایه گذاری کنند (به چوکات ۱ مراجعه کنید)^{۳۶}. به علاوه، کوچی ها توانستند از طریق اسکان، از مهارت های جدید شان به خوبی استفاده کنند یا در نتیجه جابجایی ناشی از سال های منازعه، فرصت های جدیدی را کشف کنند.

چوکات ۱: سرمایه گذاری کوچی ها در دیری

دهاقین و کوچی ها، در منطقه دیری ولایت خوست، از سال ۲۰۰۳ شروع به جنگ کردند. ده نشین ها در برابر تلاش کوچی ها برای ساکن شدن در این منطقه مقاومت کردند. یکی از اعضای قبیله تیرون می گوید:

این کوچی ها کمی زمین در زمان ظاهر شاه و داوود خان در منطقه دیری خریدند. پس از آن، با مواشی شان می آمدند و آنها را در چراگاه ها می چرانند. بعد، به پاکستان می رفتند. در زمان طالبان، پولدار شدند و در مناطق شان خانه خریدند. بقیه نیازی ها را هم از ننگرهار، پکتیا و سایر جاها آوردند. به زمین های ما حمله کردند و حیوانات شان را روی زمین های زراعتی ما رها کردند. به آنها گفتیم حیوانات شان را با خود نیاورند اما آنها موافقت نکردند. در ساعات ما شروع به خانه سازی کردند [...] ما مانع شان شدیم. به آنها گفتیم در اینجا دست به ساخت و ساز یا کشت نزنند. کوچی ها یکی از ما را با چاقو زدند و او به شدت زخمی شد. در نتیجه، جنگ شروع شد و چند نفر از سوی کوچی ها کشته شدند. کوچی ها با صبری ها نیز مشکل دارند و در جنگ بین آنها بیش از ۶۰ نفر از هر دو طرف کشته شدند.^{۳۷}

۳.۱.۳ دوگانه سازی کوچ نشینی

پس از ۲۰۰۱ و بیش از آن در ۲۰۱۹، دیگر نمی توان کوچی ها و ساکنین را به وضوح از هم تشخیص کرد. چنانچه ارقام فوق نشان می دهد سال ها است که کوچی (خالص) در بین جمعیت تخمینی سه میلیونی کوچی ها یک اقلیت است. اجتماعات دوگانه نیمه ساکن یک گروه بزرگی است که تعاریف سنتی را به چالش می کشد: در حالی که مردان بالغ و برخی از دیگر اعضای اجتماع به مهاجرت های فصلی در جستجوی علف خوب برای چاق کردن مواشی شان ادامه می دهند، نوزادان، اطفال مکتبی، افراد ناتوان و مریض در خانه های ثابتی که در یک انتهای مسیر مهاجرتی کوچی ها قرار دارند، باقی می مانند. هرچند مواشی هنوز سود اولیه اجتماع کوچی را تامین می کند، اعضای ساکن شاید حتی در برخی از فعالیت های زراعتی سهم بگیرند. بسیاری از ساکنین، کوچی های قدیمی اند که در سال های اخیر کوچ نشینی را ترک گفته اند اما شاید گله های نسبتاً بزرگی داشته باشند و وابستگان نزدیک آنها به صورت فصلی با مواشی شان مهاجرت می کنند. این تمایز نامشخص کار تحلیل الگوهای منازعات را پیچیده تر می سازد اما نویسنده تصمیم گرفت حتی موارد کمتر مشخص منازعه کوچی-ده نشین را در نمونه بگنجانند زیرا این تصویر (مبهم) واقعیتی است که سیاست گذاران و سایر جوانب دخیل در رسیدگی به وضعیت باید با آن روبرو شوند.

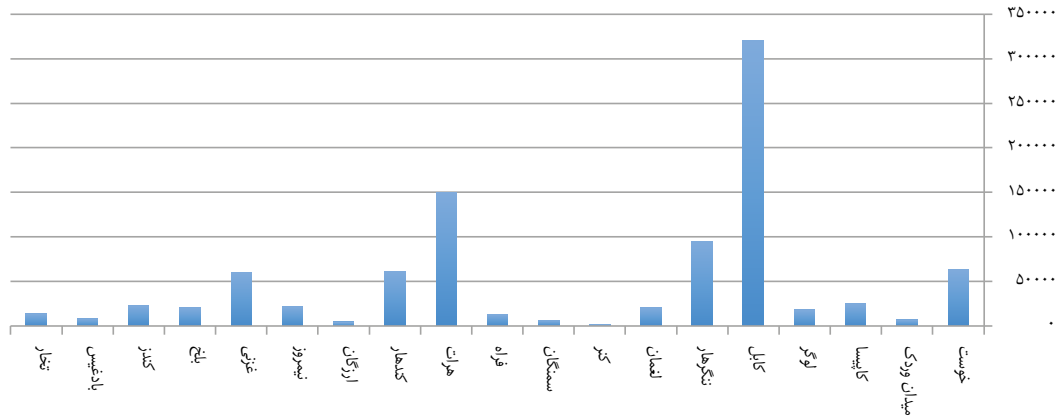
۳۵ مصاحبه با کوچی ساکن در منطقه حاجی جنت گل، ۱ فبروری ۲۰۱۹؛ مصاحبه با کوچی ساکن در حاجی جنت گل، ۲ فبروری ۲۰۱۹؛ مصاحبه با کوچی ساکن در حاجی جنت گل، ۳ مارچ ۲۰۱۹؛ م مصاحبه با کوچی ساکن در حاجی جنت گل، ۴ مارچ ۲۰۱۹

۳۶ مصاحبه با ریش سفید کوچی قبیله نیازی، دیری ولایت خوست، ۸ اپریل ۲۰۱۷.

۳۷ مصاحبه با موسفید قریه، قبیله تیرون، دیری ولایت خوست، اپریل ۲۰۱۷.

شکل ۱: توزیع خانواده های کوچی، نیمه کوچی و کوچی های ساکن بر اساس ولایت؛ اطلاعات سروری این مقاله ۱۹ ولایت از مجموع ۳۴ ولایت (می ۲۰۱۹) را پوشش می دهد

شمار خانواده های کوچی



منبع: ریاست کوچی ها

عدم دقت در شمارش بر تعداد کوچی ها در افغانستان تاثیرگذار نیست. یکی از منابع شمار مواشی را در سال ۲۰۱۷ چهار میلیون برآورد کرد، رقمی که در سال ۲۰۰۴ ۱۷ میلیون بوده است. هرچند اندازه متوسط گله ها قطعاً در جریان این سال ها کاهش یافته است، این سقوط فاحش شمار مواشی ظاهراً تایید کننده سقوط مداوم و شدید شمار کوچی ها است^{۳۸}. اما سروری جاری گله های کوچی ها توسط ریاست کوچی ها شمار مواشی را بسیار بالاتر نشان داده است، رقمی که تنها در ۱۹ ولایتی که تا ماه می ۲۰۱۹ سروری شده است به ۱۳ میلیون می رسد^{۳۹}. تفاوت بین آمار ها شاید ناشی از تفاوت در تعریف است (مواشی کوچی [در حال کوچ] در برابر مواشی متعلق به کوچی ها، به شمول کوچی های ساکن).

نقشه ۲ تازه ترین ارزیابی مسیر مهاجرت کوچی ها را نشان می دهد که توسط پروژه ای تحت حمایت اداره کمک های بین المللی ایالات متحده در سال های ۲۰۱۸-۲۰۱۹ انجام شده است. این پروژه با نام اشتغال در چراگاه ها، سازگاری و تقویت ظرفیت (PEACE) یاد می شود. نقشه آشکارا نشان می دهد که اکثریت کوچی ها در تابستان به سوی چراگاه های هزاره جات (ارتفاعات مرکزی) که کوچی ها آن را بهترین چراگاه می دانند، مهاجرت می کنند اما همیشه در مسیر راه طولانی مهاجرت شان نیز چراگاه هایی از سوی آنها استفاده می شود^{۴۰}. بنا بر این، بخش بزرگی از مناطق روستایی افغانستان تا حدی از این مهاجرت ها متاثر شده است.

روابط بین کوچی ها و ساکنین محل رابطه پیچیده ای است. قبل از جنگ، حداقل عناصری از همزیستی وجود داشت. برای مثال، کوچی ها کالاهایی را برای فروش به قریه های دور دست می بردند که دسترسی شان به این کالاها دشوار بود. همچنان، گوشت تازه و لبنیات بسیاری را برای حداقل بخشی از سال در بسیاری از مناطق فراهم می کردند. در کل، تخمین شده است که حدود دو سوم همه حیواناتی که در افغانستان فروخته می شود توسط کوچی ها پرورش داده شده است^{۴۱}. با این حال، با رشد شبکه سرک های افغانستان، فعالیت های تجاری کوچی ها هر روز برای بخش بزرگتر جمعیت روستایی غیر ضروری به حساب آمد^{۴۲}.

۳۸ مصاحبه با دکتر عصمت الله خوشحال، مشاور رییس عمومی ریاست عمومی مستقل کوچی ها، اکتوبر ۲۰۱۷.

۳۹ مصاحبه با یکی از مسئولین ریاست کوچی ها، کابل، می ۲۰۱۹.

۴۰ برای اطلاعات درباره پیشینه منازعه بین کوچی ها و دهاقین هزاره در میدان وردک، نگاه کنید به: ک. نوایی، «روابط گسسته (کابل: CPAU، ۲۰۱۰).

۴۱ کاهش خطر به مردم افغانستان، (اداره انکشاف بین المللی ایالات متحده: پروژه <http://afghanpeace.org> (PEACE)

۴۲ کلاوس فردیناند، «توسعه و تجارت کوچی در افغانستان مرکزی»، Folk ۴، ۱۹۶۲.

نقشه ۲: مسیرهای مهاجرت گروه های کوچی قبل از جنگ



منبع: Afghan Peace

۲,۳ عوامل منازعه کوچی-ده نشین در افغانستان

حتی قبل از ۲۰۰۱ تنش آشکار بین کوچی ها و ده نشین ها، به خصوص در مناطق خاص، وجود داشت. تنش اصولاً از دو منبع ریشه می گیرد:

- در زمان سلطنت، بخش های بزرگ زمین با فرمان حکومتی و به هزینه باشندگان محل، به خصوص هزاره ها، به کوچی ها داده شد. هزاره ها اعتبار دستور یعقوب خان را برای انتقال بخش های وسیعی از زمین به کوچی ها زیر سوال می برند. وی از دسامبر ۱۸۷۸ تا فبروری ۱۸۷۹ حاکم کابل بود و دستور در هنگام بی نظمی و بی ثباتی سیاسی در افغانستان صادر شد.
- گله های کوچی ها اغلب به چراگاه های (علامت گذاری نشده) روستاها و زمین های زراعتی تجاوز می کنند که باعث زیان دیدن محصولات زراعتی و مانع تلاش دهاقین برای پرورش مواشی می شود.^{۴۳}

تلاش های حکومت برای تنظیم روابط کوچی-دهقان نتایج اندکی در پی داشته است. تصور عمومی، حداقل میان هزاره ها، آن است که حکومت از کوچی ها پشتیبانی می کند و شکایت علیه تجاوز آنها به زمین های زراعتی و چراگاه های روستایی مشکلات بیشتری برای دهاقین به بار خواهد آورد.^{۴۴} اما حکومت های افغانستان همیشه به صورت کامل حامی کوچی ها نبوده است؛ قاچاقبری آنها در مسیر

۴۳ لیز آلدین ویلی، نبرد بر سر چراگاه: جنگ پنهان افغانستان، Revue des Mondes musulmans et de la Méditerranée، ص ۱۳۳، جون ۲۰۱۳؛ لیز آلدین ویلی، (در جستجوی صلح در چراگاه ها: روابط روستایی زمین در افغانستان، کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۰۴.

۴۴ همه هشت مصاحبه شونده هزاره این پروژه این حس را تایید کردند.

مرز پاکستان جمع آوری عواید را تضعیف کرده و می تواند از سوی گروه های مخالف برای انتقال اسلحه به داخل کشور استفاده شود.^{۴۵} امروزه، منابعی در ریاست کوچی ها موارد زیر را به عنوان علل منازعه کنونی کوچی ها می دانند:

- ا. منع دسترسی به چراگاه ها، خواه توسط باشندگان محل یا سایر کوچی ها؛
- ب. ورود غیر مجاز: اختلاف بر سر محدوده چراگاه های خاص روستا و چراگاه های عمومی کوچی ها یا شکایت ده نشینان از آسیب رساندن گله کوچی ها به مزارع؛
- ج. غصب و تصرف غیر قانونی زمین: ساخت و ساز کوچی ها در چراگاه ها یا تصرف چراگاه ها از سوی باشندگان برای کشت؛ منازعه بین کوچی ها و ادارات حکومتی (موضوعی که از حیث پوشش این تحقیق بیرون است).^{۴۶}

نمایندگان کوچی ها با فهرست بالا به صورت کلی موافق اند و تصرف زمین به عنوان منبع منازعه را در مقایسه با سایر انواع منازعه مهمتر می دانند.^{۴۷} ریاست کوچی ها نیز این ارزیابی را تایید می کند. به نظر می رسد تصرف زمین و تملک غیر قانونی چراگاه ها مهم ترین نوع منازعه ای است که به کوچی ها ارتباط دارد، و سایر انواع منازعه مانند اختلاف بر سر محدوده و زمانبندی را تحت شعاع قرار می دهد.^{۴۸}

می توان یادآوری کرد که این منازعات تنها بین کوچی ها و روستاییان نیست، بلکه کوچی با کوچی و کوچی با کوچی ساکن نیز منازعه دارند. ریاست کوچی ها تخمین می کند که حدود ۴۵ درصد کوچی های فعلی، نیمه کوچی و کوچی های ساکن در نوعی از منازعه درگیر اند. ازین میان، حدود ۲۰ درصد کوچی های فعال اند که در منازعه با سایر کوچی ها درگیر هستند، ۶۰-۷۰ درصد کوچی های فعال اند که با ده نشین ها درگیر منازعه اند و ۱۰-۲۰ درصد کوچی های فعال اند که با کوچی های ساکن درگیر منازعه اند.^{۴۹}

۱.۲.۳ ابهام قانونی

نشرات تحقیقاتی نشان داده اند که منازعه بین کوچی ها و ساکنین، تا اندازه ای، ناشی از ضعف (یا در برخی موارد، فقدان) اجرای حقوق مالکیت و کاربری از سوی مقامات است، آنچه که ویلی به عنوان وضعیت (مبهم) مراتع توصیف کرده است.^{۵۰}

قبل از رشته جنگ های طولانی که در سال ۱۹۷۸ آغاز شد، کوچی های افغان به صورت فصلی، و کم و بیش آرام، به سراسر افغانستان و حتی فراتر از مرز با پاکستان (به استثنای دوره هایی که مرز بسته بود) مهاجرت می کردند. چراگاه ها در قانون اساسی ۱۹۸۷ و ۱۹۹۰ تنها به عنوان (زمین دولتی) تعریف شده بود ولی هر دوی آن مورد استقبال واقع نشد. قوانین دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ چراگاه ها را به عنوان (ملکیت عامه) تعریف کرده بودند. اغلب نسبت به آن سال ها و حکومت قوی و مؤثری که به باور مردم توانایی مدیریت امور آن زمان را داشت، حس نوستالژی وجود دارد.^{۵۱} طالبان دو نوع مختلف چراگاه را در قانون علفچر و زمین های عمومی (۲۰۰۰) به رسمیت شناختند: عامه و خصوصی، و زمین های خصوصی را برای استفاده انحصاری جوامع همجوار اعلام کردند. چراگاه های خصوصی را (ساحه ای که از آن صدای بلند کسی که در انتهای روستا ایستاده است شنیده می شود) تعریف کرد.^{۵۲}

۴۵ فابریزو فوشینی، (سرگردانی اجتماعی کوچی های افغان) (برلین، شبکه تحلیگران افغانستان، ۲۰۱۳): دی ویجیر، اف. «ارزیابی ملی چند سکتری»، در ارزیابی سال ۲۰۰۵ تحت رهبری دی ویجیر، از دست رفتن مواشی، با فاصله، به عنوان مهم ترین دلیل کوچی ها برای اسکان گفته شده است.

۴۶ مصاحبه با دکتر عصمت الله خوشحال، مشاور رییس عمومی ریاست عمومی مستقل کوچی ها، اکتبر ۲۰۱۷

۴۷ مصاحبه با حاجی خان وزیر، رییس شورای خماری خیل برای ده سبز و قره باغ، پوزهی خروتی، باریک آب، اکتبر ۲۰۱۷.

۴۸ مصاحبه با دکتر عصمت الله خوشحال، مشاور رییس عمومی ریاست عمومی مستقل کوچی ها، اکتبر ۲۰۱۷

۴۹ مصاحبه با یکی از مسئولین ریاست کوچی، کابل، می ۲۰۱۹.

۵۰ لیز آلدین ویلی، «نبرد بر سر چراگاه: جنگ پنهان افغانستان»، Revue des Mondes musulmans et de la Méditerranée: ۱۳۳، جون ۲۰۱۳.

۵۱ مصاحبه با ام آی بی، رهبر قبیله ای در ولایت فراه، جون ۲۰۱۷: مصاحبه با اس ای ان. موسفید کوچی، ولایت فراه، مصاحبه با ان ان ان. موسفید قبیله نوزی، ولایت فراه، ساکن؛ مصاحبه با آی بی. موسفید قبیله و کوچی، ولایت فراه، جون ۲۰۱۷: مصاحبه با ام ک. بی. موسفید کوچی، ولایت فراه، جون ۲۰۱۷: مصاحبه با مشاور ریاست عمومی مستقل کوچی ها، اکتبر ۲۰۱۷.

۵۲ کونور فولی، رهنمود قانون ملکیت در افغانستان، شورای پناهندگان ناروی/کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد، ۲۰۰۵

اما امروز قانون به دلیل تعریف مبهم از چراگاه های روستایی به صورت گسترده مورد انتقاد است، به گونه ای که حتی برخی از مقامات حکومتی آن را می پذیرد^{۵۳}. یکی از مسئولین ارشد ریاست کوچی ها چنین اظهار داشت:

اگر چراگاه های روستایی و چراگاه های مشترک را به صورت دقیق تعریف می کردند، این منازعات کاهش می یافت و حل منازعه نیز آسان تر می شد^{۵۴}.

هرچند مقامات حکومتی آشکارا سیستم پیش از ۱۹۷۸ را زیر سوال نمی برند، این ابهام در قانون علفچر قبل از ۱۹۷۸ نیز منبع منازعه بوده است. گرچه منازعه خشونت بار بین دوره عبدالرحمان و شروع جنگ در ۱۹۷۸ به ندرت رخ می داد، ولی اختلاف وجود داشت. پس از ۱۹۸۰، ساکنین قاطع تر شدند و منازعات خشونت بار بین آنها و کوچی ها، به خصوص در هزاره جات، شروع شد.

محدودیت ناپیدای دیگر قانون علفچر ۱۹۷۱ این بود که توسعه تدریجی محلات مسکونی به دلیل رشد جمعیت، در دراز مدت، گستره چراگاه های عمومی را محدود می ساخت. تناقض بین تعریف چراگاه های عامه به عنوان (زمین عامه) و فرمان های شاهی توظیف چراگاه های خاص به گروه های کوچی در نهایت باعث درد سر برای نهادهای افغانستان شد^{۵۵}.

مصاحبه هایی که برای این مطالعه انجام شدند بیانگر آن بودند که قوانین علفچرها از دهه ۱۹۶۰ به بعد حق دهاقین بر چراگاه های شان در روستاها را به رسمیت شناخت اما این حق درست تعریف نشد و اصولاً اجرا هم نشد^{۵۶}. به نظر می رسد مقامات حکومتی در وزارت زراعت، آبیاری و مالداری قانون علفچر ۱۹۷۱ را به مثابه اساس کارشان می بینند. یکی از مسئولین گفت (مطابق قانون علفچر، علفچر به دولت تعلق دارد و هر شهروند افغانستان که دارای مواشی است می تواند از علفچر استفاده کند)^{۵۷}. در اصل، قانون علفچر افغانستان همیشه بین علفچرهای خصوصی، محل و عامه تفکیک قائل شده است، و کوچی ها دسترسی محدود به علفچر عامه دارند. در عمل، تمایز بین این موارد همیشه نامشخص بوده است: محدوده چراگاه های خاص هر قریه با فاصله صدای بلندی که از قریه شنیده می شود، تعیین می شود. این تعریف نادقیق و نبود علامت گذاری زمین های زراعتی، چراگاه های روستا و چراگاه های عامه زمینه بروز منازعات را فراهم می کند^{۵۸}. قانون علفچر ۱۹۷۱ نه تنها نادقیق بود بلکه چنان ضعیف تطبیق شد که بسیاری از دهاقین حتی نمی دانند که این قانون به آنها حق استفاده اختصاصی از چراگاه های روستا را می دهد^{۵۹}.

حتی اگر آگاهی از قانون وجود داشته باشد، واضح است که هیچ توافقی بین دهاقین و کوچی ها در باره چگونگی تفسیر آن وجود ندارد. در عمل، کوچی ها و ساکنین محل که در مصاحبه شرکت کردند چراگاه ها را مال خودشان می دانستند (نه مال دولت). در رابطه به ساکنین، این موضوع معمولاً به دلیل قرابت جغرافیایی چراگاه ها است. اما برعکس، کوچی ها چراگاه ها را، جایی که قبل از جنگ بر اساس فرمان های شاهی گله های شان را برای چراندن می بردند، نیز از خودشان می دانند^{۶۰}. کوچی ها و ده نشین ها توافق دارند که با هم اختلاف دارند. یک نیمه کوچی از بیک گفت: (هیچ توافقی با دهقان ها در مورد این چراگاه ها وجود ندارد)^{۶۱}. هرچند فقدان علامت گذاری و ضعف تعیین محدوده ها بین چراگاه های عامه و روستا هرگز به عنوان منبع اصلی منازعه یاد نشده، یکی از منابع اطلاعات تحقیق آن را به عنوان سرچشمه اختلاف مداوم بین کوچی ها و دهقان ها می خواند^{۶۲}.

۵۳ مصاحبه با یکی از مامورین ریاست کوچی ها در ولایت خوست، فیروزی ۲۰۱۸؛ مصاحبه با انجنیر فضل احمد نوزی، رئیس ریاست کوچی ها، ولایت فراه، فیروزی ۲۰۱۸؛ مصاحبه با زمرخان منگل، مسئول بخش جرگه ها، اقتصادی و مسکن در کابل، ریاست کوچی، مارچ ۲۰۱۸؛ مصاحبه با مشاور رئیس عمومی ریاست عمومی مستقل کوچی ها، اکتوبر ۲۰۱۷؛ مصاحبه با بارکزی مخلص یار، رئیس بخش کوچی ها، ولایت کندز، فیروزی ۲۰۱۸.

۵۴ مصاحبه با موسی یوپل، رئیس بخش کوچی ها در ولایت لوگر، فیروزی ۲۰۱۸.

۵۵ مصاحبه با موسفید هزاره، ولسوالی ورس ولایت بامیان، می ۲۰۱۸.

۵۶ مصاحبه با یکی از مسئولین اداره اراضی، کابل، سپتامبر ۲۰۱۷؛ مصاحبه با متخصص اداره زمین، کابل، سپتامبر ۲۰۱۷. همچنان، نگاه کنید به: م. شریف و م. ی. صفر، (اداره و مدیریت زمین در افغانستان، بلو ماوندس: انستیتوت تیرا، جون ۲۰۰۸).

۵۷ مصاحبه با کارمند ریاست علفچر.

۵۸ شریف و صفر، (اداره و مدیریت زمین).

۵۹ مصاحبه با عضو کمیسیون حل اختلاف بین کوچی ها و هزاره ها، ۱ دسامبر ۲۰۱۶.

۶۰ مصاحبه با ای ج. اوسان خیل، مو سفید کوچی از میدان وردک، ۸ می ۲۰۱۸؛ مصاحبه با موسفید قبیله ادرمزی در قریه آوازک، ۲۰ دسامبر ۲۰۱۶؛ مصاحبه با ای ج. اوسان خیل، مو سفید کوچی از میدان وردک، ۸ می ۲۰۱۸.

۶۱ مصاحبه با موسفید کوچی قبیله اوزبیک بیگ، منطقه کلم گذر، اپریل ۲۰۱۷.

۶۲ مصاحبه با موسفید قبیله الکوزی، منطقه کوه دانا، جون ۲۰۱۷.

یکی از نواقص جدی قانون علفچر این است که در دراز مدت، توسعه محلات مسکونی روستایی می تواند تاثیر شگرفی بر امتداد چراگاه های عامه داشته باشد. ساختن چند خانه در محدوده بیرونی یک قریه می تواند چراگاه های قریه را چند صد متر توسعه بخشیده و چراگاه های عامه را محدود سازد. در واقع، ده نشین های هزاره در ارتفاعات مرکزی خواست شان در مورد چراگاه ها را از زاویه اجرای حق چراگاه های روستایی مطرح کرده اند، موضوعی که از نظر آنها قبل از جنگ تا حد زیادی نادیده گرفته شده بود. از آنجایی که محلات مسکونی هزاره ها توسعه یافته و محلات جدیدی برای استفاده از زمین های محدودی که در ارتفاعات مرکزی در دسترس است به وجود آمده است، بخش اعظم زمینی که می توانست چراگاه عامه تلقی شود اکنون به لحاظ فنی چراگاه روستا محسوب می شود اما باشندگان محل از این هراس دارند که کوچی ها ممکن است مدعی شوند که چراگاه های قدیمی آنها از سوی دیگران مورد استفاده قرار خواهند گرفت. ده نشین ها اغلب مدعی اند که حتی چراگاه های عامه نزدیک به روستاهای آنها تنها برای مویشی آنها هستند، به خصوص زمانی که آنها دارای مویشی اند و حیوانات شان نیاز به علف دارند. در سال های اخیر، در برخی از مناطق افغانستان، مانند هزاره جات، دهاقین به گونه قابل ملاحظه ای شمار حیوانات شان را افزایش داده اند تا اقتصاد محلی شدیداً فقیر خویش را متنوع بسازند (همچنان، نگاه کنید به: «گسترش مالداری، در بخش پایین»^{۶۳}).

ادعای مالکیت که در بالا بحث شد منجر به این شده است که کوچی ها در شماری از مناطق به صورت غیر قانونی در چراگاه های عامه ساکن شوند یا اینکه کوچی ها و ده نشین ها از چراگاه هایی که قبلاً توسط دیگران استفاده می شدند استفاده کنند، کسانی که اغلب از دسترسی آنها با چراگاه ها جلوگیری می شود. در حالی که ساکن شدن در چراگاه های عامه به صورت واضح غیر قانونی است، ولی رقابت بر سر حقوق علفچرها مسئله پیچیده تری می باشد. چراگاه های عامه، از یک سو، قرار است در اختیار همه آنده کسانی باشند که دارای حیواناتی اند که نیازمند به تغذیه دارند. چنانچه یکی از مقامات ارشد ریاست کوچی ها بیان کرد (بر اساس قانون علفچر و مرعی، علفچرها متعلق به حکومت است و هر شهروند افغان که گوسفند دارد می تواند از چراگاه ها استفاده کند)^{۶۴}. از سوی دیگر، فرمان های متعلق به دوران سلطنت وجود دارد که بخش های خاصی از چراگاه های عامه را به قبیله های خاص کوچی می بخشد.

تجاوز به حریم مردم شاید یک مسئله کوچک تلقی شود اما می تواند تشدید یابد. به علاوه، این مساله در مقیاس بزرگ اتفاق افتاده و سبب تخریب زمین های زراعتی شده است (به چوکات ۲ نگاه کنید).

در مجموع، آنچه مصاحبه شوندگان به محققین گفته اند با چیزی که قبلاً در نشریات تقریباً ۲۰ سال نشان داده شده بود، مطابقت دارد. به علاوه، بحث در باره تعریف دقیق تر چراگاه های روستایی و عامه برای سال ها جریان داشته است؛ گزارش شده است که پیش نویس قانون جدید علفچر در سال ۲۰۱۱-۲۰۱۲ از چراگاه های روستایی نام نبرده است. این اتفاق در نتیجه لابی گری کوچی ها در نزد مقامات حکومتی رخ داده است^{۶۵}. نسخه کنونی (۲۰۱۷) این قانون دوباره چراگاه روستایی را معرفی می کند اما ذکر می کند که محدوده آن باید توسط مقررات مربوط تعریف شود (احتمالاً حدود سه کیلومتر دورتر از روستا)^{۶۶}.

یکی دیگر از عوامل اختلاف مربوط به قوانین و مقررات مبهم یا دچار ضعف اجرایی، نبود زمانبندی مهاجرت کوچی ها است. شکایت زیر که توسط یکی از ده نشین ها بیان شده، نمونه نوعی شکایاتی می باشد که از سوی دیگر ده نشین ها به محققین گفته شده است:

کوچی ها می توانند از چراگاه ها استفاده کنند و تنها بعد از برداشت محصول به زمین های ما بیایند. برعکس، اگر کوچی ها در زمان کشت به زمین های ما بیایند، قطعاً منازعه رخ خواهد داد. ما از هر قدرتی استفاده می کنیم^{۶۷}.

۶۳ مصاحبه با عضو کمیسیون حل اختلاف کوچی ها و هزاره ها، دسامبر ۲۰۱۶؛ مصاحبه با موسفید هزاره، حاجی ه الف. ولسوالی ورس ولایت بامیان، می ۲۰۱۸؛ مصاحبه با حاجی ر. الف. مو سفید، از ولایت بامیان، می ۲۰۱۸.

۶۴ مصاحبه با کارمند بخش علفچرها، کابل، سپتامبر ۲۰۱۷.

۶۵ لیز آلدین ویلی، «نبرد بر سر چراگاه: جنگ پنهان افغانستان»، *Revue des Mondes musulmans et de la Méditerranée*: ۱۳۳، جون ۲۰۱۳.

۶۶ مصاحبه با یکی از مسئولین اداره اراضی، سپتامبر ۲۰۱۷.

۶۷ مصاحبه با موسفید قریه، قبیله نورزی، قریه ننگ آب، ولایت فراه، جون ۲۰۱۷.

چوکات ۲ مطالعه موردی: تحول منازعه کوچی-ده نشین در هزاره‌جات

بهترین منبع مطالعه شده منازعه کوچی-دهقان در افغانستان رقابت روی دسترسی کوچی ها به چراگاه های هندوکش است، منطقه ای با جمعیت دهقان هزاره. منازعه دارای بینه های عمیق تاریخی بوده و ریشه دارد به استفاده دولت نوظهور افغانستان در اواخر قرن ۱۹ از کوچی ها برای سرکوب کردن هزاره ها^{۶۸}. در واقع، در جریان این تحقیق، مقامات حکومتی و مصاحبه شوندگان در کابل به صورت خودکار روی منازعه هزاره-کوچی تمرکز کردند و مدعی شدند که هزاره ها با انگیزه انتقام، مسیر مهاجرت کوچی ها به سمت ارتفاعات مرکزی در دایمیرداد، حصه اول و سایر مناطق را مسدود می سازند. بدون شک، تا زمانی که نهادهای حکومتی متکی به قانون ۱۹۷۱ باشد، هزاره ها با انسداد مسیر دسترسی به چراگاه های مناطق مرکزی افغانستان، مانع استفاده کوچی ها از اکثر چراگاه ها می شوند. بنابراین، در حال حاضر، منازعه محدود به چند مسیر مهاجرت کوچی ها است که مانع دسترسی به چراگاه های هزاره‌جات می شود. مسیرهای عبور از سوی شبه نظامیان محلی هزاره کنترل می شوند.

به نظر می رسد انسداد مسیر مهاجرت کوچی ها توسط جوامع دهقان اکثرا در مرزهای جنوبی هزاره‌جات اتفاق افتاده است، به خصوص در ولسوالی بهسود ولایت میدان وردک و نیز در بخش هایی از ولایت غزنی. بهسود یکی از مهم ترین مسیرهای دسترسی به چراگاه های مناطق مرکزی افغانستان است. هزاره ها با انسداد این مسیر مانع رسیدن کوچی ها به چراگاه های هزاره جات شده استند^{۶۹}. برخورد بین کوچی ها و ده نشین ها در مقیاس کوچی در ۲۰۰۴ شروع شد، اما منازعه‌های بزرگتر در ۲۰۰۷ شعله ور شدند. یکی از دلایل انسداد دسترسی، جلوگیری از آسیب زدن به محصولات و چراگاه های روستایی است. یکتن از موسفیدان بهسود چنین توضیح داد:

.... کوچی ها [...] تلاش کردند با هزاران مواشی به ولایات مرکزی افغانستان بیایند [...] جنگ در قریه دان باریک منطقه کجاب که بخشی از حصه دوم ولسوالی بهسود است شروع شد. زمانی که کوچی ها در قریه دان باریک با هزاران حیوان بر زمین های زراعتی رفتند و خواستند مسیر شان را به سوی بامیان ادامه دهند، از سوی دهقانی که نخواست د آنها از روی زمین اش بگذرند، ممانعت شد اما کوچی ها بر دهقان شلیک کردند و وی را کشتند. سپس، جنگ بین مردم هزاره و کوچی آغاز شد. [...] به خاطری که ولایت میدان وردک دروازه ورود کوچی ها به ولایت های بامیان و غور است، کوچی ها با هزاران راس مواشی از روی زمین های ما می گذرند و کشت ما را خراب می کنند^{۷۰}.

این منازعه دارای بینه های عمیق تاریخی است و در استفاده دولت نوظهور افغانستان در اواخر قرن نوزدهم از کوچی ها برای سرکوب هزاره ها ریشه دارد^{۷۱}. یکی از موسفیدان هزاره وضعیت را از دید هزاره ها این گونه توصیف کرد:

زمانی که یعقوب خان حاکم کابل بود، دسترسی را صادر کرد که به کوچی ها اجازه می داد از علفچرهای ولایت مرکزی افغانستان استفاده کنند. به خاطری که ما قدرت نداشتیم، [...] ما به کوچی ها اجازه دادیم در مناطق ما هر کاری کنند و ساکت ماندیم. به همین دلیل هیچ جنگی رخ نداد. نقش حکومت حبیب الله خان، ظاهر شاه و دیگران مانند نقش طالبان بود^{۷۲}.

دهاقین هزاره در بهسود احتمالاً بیشترین صدمات را از مهاجرت فصلی کوچی ها متحمل می شدند زیرا این منطقه مسیر اصلی دسترسی کوچی ها با هزاران حیوان بود. آسیب زدن به چراگاه های روستایی علامت گذاری شده و نشده و محصولات مردم بسیار بالا و شاید بیش از هر منطقه دیگر بود، زیرا کوچی ها پس از آن به چندین مسیر مختلف تقسیم می شدند^{۷۳}. در حالی که اکثر کوچی ها موضوع آسیب زدن به محصولات و چراگاه های روستایی را رد می کنند^{۷۴}، حتی یکی از مصاحبه شوندگان کوچی قبول کرد که این مشکل شاید وجود داشته باشد:

حکومت باید سلاح های این قومندان ها و هزاره ها را جمع آوری کنند و سلاح های ما را هم جمع کنند و به آنها بگویند کوچی ها را در کوه ها اجازه دهند و به کوچی ها هم بگویند به زمین های زراعتی هزاره ها تجاوز نکنند...^{۷۵}

۶۸. س. ع. موسوی، هزاره های افغانستان، لندن: کورزن، ۱۹۹۸؛ حسن کاکر، تاریخ سیاسی و دیپلماتیک افغانستان، ۱۹۰۱-۱۸۶۳، لایدن: بریل، ۲۰۱۲.
۶۹. مصاحبه با کارمند بخش علفچرها، ۲ جنوری ۲۰۱۷؛ مصاحبه با محمد همایون عزیز، ریاست کوچی ها، ولایت میدان وردک، فبروری ۲۰۱۸.
۷۰. مصاحبه با موسفید محل، قریه لته بند، منطقه کجاب ولسوالی بهسود، فبروری ۲۰۱۷.
۷۱. س. ع. موسوی، هزاره های افغانستان (لندن: کورزن، ۱۹۹۸)؛ حسن کاکر، تاریخ سیاسی و دیپلماتیک افغانستان ۱۹۰۱-۱۸۶۳ (لایدن: بریل، ۲۰۱۲)؛ مصاحبه با موسفید دهقان از لته بند قریه کجاب ولسوالی بهسود، فبروری ۲۰۱۷.
۷۲. مصاحبه با موسفید قریه، قریه کاروانی، منطقه سرچشمه، فبروری ۲۰۱۷.
۷۳. مصاحبه با موسفید دهقان، منطقه کجاب، حصه ۲ ولسوالی بهسود، قریه گنداب، فبروری ۲۰۱۷؛ مصاحبه با موسفید قریه، قریه کاروانی منطقه سرچشمه، ۱۵ فبروری ۲۰۱۷.
۷۴. مصاحبه با موسفید کوچی قبیله کروخیل در ولایت میدان وردک، ۲۲ نوامبر ۲۰۱۶.
۷۵. مصاحبه با موسفید کوچی قبیله کروخیل در ولایت میدان وردک، ۲۲ نوامبر ۲۰۱۶.

منازعه بهسود صدمات اقتصادی هنگفتی بر کوچی ها تحمیل کرد، کوچی هایی که نتوانسته اند از چراگاه های مناطق مرکزی هزارهجات استفاده کنند. در برخی از موارد، کوچی ها مهاجرت شان را به سوی سایر چراگاه ها در بخش های مختلف افغانستان تغییر جهت دادند، در بعضی از موارد برخی از مواشی شان را از دست دادند. دهاقین محلی نیز صدمات بزرگی دیدند، زیرا جنگ های مستمر مانع کشت محصولات آنها شدند.^{۷۶}

احزاب و لابی ها نیز از گروه های درگیر جنگ حمایت کردند، که منجر به سیاسی سازی فزاینده و (قومی شدن) منازعه شد، موضوعی که توجه رسانه‌یی گسترده ای جلب کرد. به مرور، علل محلی منازعه اهمیت خویش را از دست داده و تحت تاثیر درگیری های سیاسی کلان تر قرار گرفته است.^{۷۷} یکی از مسئولین وزارت زراعت، آبیاری و مالداری گفت:

این اختلاف بیشتر یک اختلاف سیاسی است تا مسئله چراگاه ها. این مشکل از طریق قانون زمین مربوط به استفاده از علفچرها حل نخواهد شد. کمیسیون مسئول رسیدگی به این اختلاف حتی یک بار به ما مراجعه نکردند و در مورد قانون علفچرها نپرسیدند. این یک موضوع سیاسی است. مقامات بسیار بلند رتبه و حتی کشورهای خارجی در این موضوع مداخله می کنند.^{۷۸}

در حالی که منازعه بهسود به یکی از خشونت بار ترین موارد منازعه کوچی هاو دهقان ها در افغانستان تبدیل شده است، احتمال دارد اگر انسداد مسیر مهاجرت کوچی ها پایان نیابد، منازعه به مناطق مرکزی گسترش خواهد یافت، هرچند در شکل خفیف تر. برای مثال، مصاحبه شوندگان در مالستان از زمان انسداد مسیر مهاجرت کوچی ها، آنها را ندیده بودند اما اشاره کردند در صورت رسیدن کوچی ها، آماده جنگ خواهند بود.^{۷۹}

در نتیجه نرسیدن کوچی های صاحب زمین در هزارهجات، رشته ای از اختلافات بر سر زمین نیز ظهور کرده است که بر رابطه کوچی-دهقان تاثیر گذار بوده است. دهاقین محلی و نیز، بر اساس ادعاها، برخی از زورمندان (معمولا تحت حمایت مقامات محلی) زمین های زراعتی برخی از کوچی ها را تصرف کرده و منفعت اندکی در بازیابی دسترسی کوچی ها به ارتفاعات مرکزی می بینند. عین دلیل می تواند باعث شود آنها از دهاقین بهسود و دایمیرداد حمایت کنند.^{۸۰} منبعی در ولایت بامیان تایید کرد که بعضی از زمین هایی که تحت مالکیت کوچی ها است، از سوی فرماندهان هزاره تصرف شده و برخی دیگر آن از سوی دهاقینی که روی آن کشت می کنند. مطابق این منبع، ۸۰ درصد زمین های کوچی ها در بامیان تصرف یا غصب شده است. فرماندهان اغلب زمین را به دهاقینی که قبلا از کوچی ها اجاره کرده بودند، اجاره می دهند.^{۸۱}

یکی از مصاحبه شوندگان کوچی توضیح داد که کوچی ها می ترسند اگر از ادعای شان نسبت به هزارهجات دست بردارند، به زودی از همه چراگاه ها در سایر بخش های کشور نیز ممنوع خواهند شد زیرا جوامع دهقان احساس خواهند کرد که در صورت مواجه با کمبود منابع، می توان کوچی ها را به چالش کشید:

ما با آنها جنگ می کنیم به خاطری که اگر این کار را نکنیم و به ما اجازه ورود به این مناطق را ندهند، فردا در شمال نیز مردم به ما اجازه نخواهند داد و در مرحله بعدی مردم جنوب نیز به ما اجازه نخواهند داد.^{۸۲}

کوچی ها اصرار دارند آنها نیازمند دسترسی به چراگاه های هزارهجات اند تا گله های بزرگ شان را تغذیه کنند. یک منبع کوچی گفت (اگر هزاره ها به ما اجازه ندهند، مجبور می شویم از خشونت استفاده کنیم زیرا راه دیگری نداریم. علفچرهای خوبی در هزاره جات وجود دارد).^{۸۳} هرچند از بهار ۲۰۱۷، این منطقه آرام بوده است، یک منبع کوچی ملاحظه مدعی شد (اگر این مشکل حل نشود، ما حاضریم از هر نوع خشونت استفاده کنیم). منبع تهدید کرد اگر مذاکره در مورد دسترسی به چراگاه ها پیشرفت نکند، با شورشیان یکجا خواهند شد.^{۸۴}

۷۶ مصاحبه با موسفید قریه، منطقه کجاب، حصه ۲ ولسوالی بهسود، قریه گنداب، فبروری ۲۰۱۷؛ مصاحبه با محمد همایون عزیز، مدیریت کوچی ها، ولایت میدان وردک، فبروری ۲۰۱۸؛ مصاحبه با موسفید قریه، قریه کاروانی منطقه سرچشمه، فبروری ۲۰۱۷.

۷۷ مصاحبه با محمد همایون عزیز، مدیریت کوچی ها، ولایت میدان وردک، فبروری ۲۰۱۸.

۷۸ مصاحبه با کارمند مدیریت علفچرها، وزارت زراعت، ۲ جنوری ۲۰۱۷.

۷۹ با سه دهقان هزاره در مالستان مصاحبه شد و همه دیدگاه مشابه داشتند.

۸۰ مصاحبه با عضو شورای کوچی های افغانستان، کابل، جون ۲۰۱۷؛ مصاحبه با موسفید کوچی، قبیله جلال خیل، ولایت میدان وردک، جون ۲۰۱۷؛ مصاحبه با موسفید کوچی، قبیله بهرام خیل، لوگر، جون ۲۰۱۷.

۸۱ مصاحبه با موسفید قریه، ولسوالی پنجاب ولایت بامیان، جولای ۲۰۱۷.

۸۲ مصاحبه با موسفید کوچی، حصه اول بهسود، ولایت میدان وردک، نوامبر ۲۰۱۶.

۸۳ مصاحبه با موسفید کوچی، قبیله سلیمان خیل، مارچ ۲۰۱۷.

۸۴ مصاحبه با موسفید کوچی، قبیله ملاخیل، ولایت غزنی، اپریل ۲۰۱۷.

۲.۲.۳. ضعف، ناکارآمدی و فساد حکومت

حکومت افغانستان از ظرفیت محدود برای مدیریت کوچ‌نشینی و جلوگیری از منازعه کوچی-ده نشین برخوردار است. ریاست کوچی‌ها حتی برای نظارت بر ساحت قابل دسترسی ترانسپورت کافی ندارد^{۸۵}. مدیریت ولایتی ریاست کوچی‌ها در خوست در سال ۲۰۱۸، دارای ۱۰۰۰ دالر بودجه عادی و تعداد انگشت شمار کارمند، به شمول کارمندان حمایوی، بود که باید به حدود ۶۰ مورد منازعه کوچک و بزرگ کوچی-ده نشین در سراسر ولایت رسیدگی می‌کردند^{۸۶}. مدیریت ولایتی ریاست کوچی‌ها در ولایت میدان وردک، علی‌رغم اینکه یکی از آسیب دیده ترین ولایت‌ها به لحاظ منازعه کوچی-ده نشین است، در اوایل سال ۲۰۱۸ تنها چهار کارمند داشت، به شمول یک محافظ^{۸۷}. مدیریت فراه در سال ۲۰۱۸ دارای ۱۴۵ دالر بودجه عادی بود و به رغم ثبت بودن ۸۲،۳۰۰ کوچی در این ولایت، هیچ وسیله ترانسپورتی نداشت^{۸۸}. مدیریت ولایتی این ریاست در کندز دارای پنج کارمند بود، به شمول یک صفاکار و محافظ، مدیریتی که قرار بود به ۲۲،۲۴۳ خانواده کوچی رسیدگی می‌نمود^{۸۹}.

ممکن است سایر ادارات حکومتی که به طرق مختلف با کوچی‌ها ارتباط دارند، به جای کمک به حل منازعه، گاهی حتی در ظهور منازعه نقش داشته باشند. برای مثال، وزارت شهرسازی و اراضی منطقه مسکونی را در وزیر کاریز (لوگر) برای کوچی‌ها شناسایی کرد. کوچی‌ها پس از اسکان شروع کردند به تبدیل این زمین به ساحه زراعتی، در نتیجه، سایر اجتماعات کوچی، خصوصاً قبیله بابر، به این منطقه جذب شدند. مقامات حکومتی لوگر این جوامع را به عنوان پناهنده به رسمیت شناخت، ریاست اراضی در کنار آنها ایستاد و شروع کرد به توزیع بخش بزرگی از زمینی که زمانی به قبیله موسی خیل داده شده بود (۳،۰۰۰ جریب) و از دادن سند زمین به موسی خیلی‌ها ابا ورزید. موسی خیلی‌ها مدعی اند در ریاست اراضی فساد وجود دارد و احساس کردند لازم است آنها نیز در بین خود پول جمع‌آوری کنند تا مطمئن شوند مدعای شان در ادارات لوگر طرفدار دارد. منازعه به صورت فوری بین بابرها و موسی خیل‌ها که از حمایت وزارت شهرسازی برخوردار بود، در گرفت. منازعه زمانی تشدید شد که موسی خیل‌ها شروع کردند به تجاوز از ساحه اصلی که از سوی مقامات تعیین شده بود و دست به تصرف زمین زدند^{۹۰}.

درگیری با (پناهنده‌ها) در سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۱۸ رخ داد، و اغلب نیازمند دخالت پولیس بود. در جریان درگیری‌های اصلی، برخی از مردم در هر دو جانب زخم برداشتند؛ با این حال، موساخیل‌ها در نبرد پیروز شدند و ۱۰ نفر از گروه رقیب را اسیر گرفتند. پولیس مداخله کرد و موسفیدان هر دو جانب را اسیر کرد. حاجی نعیم کوچی برای آزادی موسفیدان موساخیل در برابر آزادی اسیر شدگان (پناهنده‌ها) تلاش کرد اما مسئله حل نشده است. آخرین درگیری در همین تازگی در اوایل ۲۰۱۹ رخ داد^{۹۱}.

برخی از طرح‌های اسکان تحت تاثیر سوء استفاده و فساد گسترده قرار گرفته اند، مانند شهرک حاجی جنت گل^{۹۲}. در واقع، بخش زیادی از زمین این شهرک، به دلیل مداخله (رهبران قدرتمند کوچی) و/یا ناتوانی بسیاری از ذینفع‌های کوچی برای ساختن خانه در زمین‌های خویش، به ساکنین و کوچی‌هایی که هیچ حقی نسبت به آن نداشتند، (به خاطری که به صورت سنتی قبیله‌های آنها از این چراگاه‌ها استفاده نکرده اند)، یا شماری (یا مطابق برخی روایات، حتی بسیاری) از کسانی که باید زمین رایگان می‌گرفتند، فروخته شد.

برخی از پاسخ‌دهندگان معتقد بودند که هیچ‌کسی هیچ زمینی را رایگان به دست نیاورده است. برآورد می‌شود که در سال ۲۰۱۹، شاید نیمی از جمعیت شهرک جنت گل فاقد پیشینه کوچ‌نشینی است. اکنون، قیمت نمره‌های زمین در شهرک جنت گل از مبلغ اصلی ۵۰،۰۰۰ افغانی (در هر نمره ۴۰۰ متر مربع) به ۳۰۰،۰۰۰ افغانی افزایش یافته و حالا برای بسیاری از کوچی‌ها غیر قابل پرداخت است. یکی از منابع مدعی است که یک کوچی زورمند ۳۵ میلیون دالر از مجرای فروش این زمین‌ها به دست آورده است؛ وی و خانواده اش به خاطر همه معاملات

۸۵ مصاحبه با موسی پوپل، رییس مدیریت کوچی‌ها در ولایت لوگر، فبروری ۲۰۱۸.

۸۶ مصاحبه با یکی از مسئولین ریاست کوچی در ولایت خوست، فبروری ۲۰۱۸.

۸۷ مصاحبه با محمد همایون عزیززی، مدیریت کوچی‌ها، ولایت میدان وردک، فبروری ۲۰۱۸.

۸۸ مصاحبه با انجینیر فضل احمد نورزی، مسئول ریاست کوچی‌ها در ولایت فراه، فبروری ۲۰۱۸؛ مصاحبه با مولوی عبدالرحمان، شورای علمای فراه، میانجی، اپریل ۲۰۱۸.

۸۹ مصاحبه با بارکزی مخلصیار، مسئول ریاست کوچی‌ها در ولایت کندز، فبروری ۲۰۱۸.

۹۰ مصاحبه با کوچی ساکن در وزیر کاریز، لوگر، ۱ اپریل ۲۰۱۹؛ مصاحبه با کوچی ساکن در وزیر کاریز، لوگر، ۲ اپریل ۲۰۱۹؛ مصاحبه با کوچی ساکن در وزیر کاریز، لوگر، ۳ اپریل ۲۰۱۹؛ مصاحبه با کوچی ساکن در وزیر کاریز، لوگر، ۴ اپریل ۲۰۱۹؛ مصاحبه با کوچی ساکن در وزیر کاریز، لوگر، ۳ اپریل ۲۰۱۹.

۹۱ مصاحبه با کوچی ساکن در وزیر کاریز، لوگر، ۳ اپریل ۲۰۱۹؛ مصاحبه با کوچی ساکن در وزیر کاریز، لوگر، ۴ اپریل ۲۰۱۹.

۹۲ این شهرک در سال ۲۰۰۹ با مجوز رئیس جمهور حامد کرزی تاسیس شد.

زمین در این شهرک از مردم فیس می گیرند، و گروه ۵۰ نفری مسلح زیر دستور وی ساکنین محل را با ارباب وادار به پذیرش می کنند. این زورمند به خاطر کارهای عام المنفعه و خدمات عمومی که به شهرک داده می شود نیز پول می گیرد و از دوکان ها و فعالیت های اقتصادی مالیه جمع آوری می کند. ادعایی وجود دارد که یک نمره زمین همزمان به چند خریدار فروخته شده و نمره های زمین قبلا فروخته شده به زور از مالکان آن پس گرفته شده و دوباره فروخته می شوند.^{۹۳} مقامات حکومتی در هیچ یک از این مسائل مداخله نمی کنند.

نقش غاصبین زمین نه تنها تحمل می شود بلکه ممکن است از سوی مقامات ارشد حکومتی تشویق شود، مقاماتی که به زورمندان کوچی به عنوان شریک در حد اقل برخی از طرح های توزیع زمین، تکیه می کنند. یکی از مسئولین حکومتی درین باره چنین گفت:

اگر چنین طرح هایی (توزیع زمین) به یک شخص سپرده شود، پس این خطا است. توزیع زمین به غصب زمین و سود شخصی بدل می شود.^{۹۴}

گذشته از فساد و سوء استفاده، قدرتی که زورمندان از پروسه های اسکان کسب می کنند می تواند آنها را به بازیگران قدرتمندتر منازعه بدل کند. در نبود برنامه حکومتی برای اسکان کوچی ها در ساحات مشخص، کوچی ها یا در شهرها ساکن می شوند یا هرچقدر زمینی را که پیدا کردند غصب می کنند. شمار اندک کوچی منابع کافی برای خریدن زمین دارد، بنابراین یک گزینه بدیل برای آنها اشغال چراگاه هایی است که می توانند تصرف کنند. اقدام ضعیف، نامنسجم و کند دولت در برخورد با موضوع اسکان فضای بیشتری را برای اقدام زورمندانی فراهم کرد که در تلاش ایجاد حوزه های حمایت شخصی و کسب منافع شخصی هستند.

۳.۲.۳ توسعه شهری

واضح است که یکی دیگر از علل اصلی بروز منازعات بر سر چراگاه ها، گسترش محلات مسکونی شهری و حاشیه شهرها است. مصاحبه شوندهگان اتفاق نظر دارند که در برخی از موارد این جریان ارزش علفچرایی را که قبلا توسط کوچی ها استفاده می شدند بیشتر ساخته و در نتیجه سبب می شود روستایی های محلی، بازگشت کنندگان از پاکستان و زورمندان برای تصرف و کنترل این چراگاه ها به هدف ساختن یا فروختن آن تلاش کنند.^{۹۵} مناطق نزدیک به شهرهای بزرگ مانند ده سبز و خاک جبار (ولایت کابل، به چوکات ۲ نگاه کنید) ناگزیر بیشتر متاثر شدند.^{۹۶} خوست یکی دیگر از مثال های ما است.^{۹۷} یکی از موسفیدان کوچی دیری در نزدیکی شهر خوست، چنین بیان داشت:

زمین بسیار گران است و مردم خوست می خواهند ما را بترسانند و زمین را از ما بگیرند. یک هکتار زمین ۱۰۰،۰۰۰ دالر آمریکایی ارزش دارد.^{۹۸}

این مشکل تنها به کابل یا سایر شهرهای کلان مربوط نیست. برای مثال، منابعی این موضوع را در ولایت فراه و امام صاحب (کندهز) گزارش داده اند.^{۹۹} بر اساس گفته های یک موسفید، در ولسوالی ازره نیز با افزایش قیمت زمین، پتانسیل منازعه به شدت افزایش یافت:

منازعه ما در خلیل آباد شروع شد، زمانی که قبیله استانکزی چراگاه های ما در خلیل آباد را تصرف کردند. این منازعه قبل از آن وجود نداشت زیرا قیمت خیلی بلند نبود. اما وقتی زمین گران شد، زورمندان تمام ساحات را تصرف کردند و چراگاه های ما را نیز می خواهند.^{۱۰۰}

۹۳ مصاحبه با کوچی ساکن در حاجی جنت گل، ۱ فبروری ۲۰۱۹؛ مصاحبه با کوچی ساکن در حاجی جنت گل، ۲ فبروری ۲۰۱۹؛ مصاحبه با کوچی ساکن در حاجی جنت گل، ۳ مارچ ۲۰۱۹؛ مصاحبه با کوچی ساکن در حاجی جنت گل، ۴ مارچ ۲۰۱۹

۹۴ مصاحبه با یکی از مسئولین وزارت امور قباایل، کابل، ۷ می ۲۰۱۸.

۹۵ مصاحبه با موسفید کوچی بلوچ، ولایت فراه، جون ۲۰۱۷؛ مصاحبه با داکتر عصمت الله خوشحال، مشاور رییس عمومی ریاست عمومی مستقل کوچی ها، اکتوبر ۲۰۱۷.

۹۶ مصاحبه با موسفید قریه، ده سبز ولایت کابل، جنوری ۲۰۱۷.

۹۷ مصاحبه با موسفید قریه، قبیله پیری، منطقه شمال دیری، ولایت خوست، اپریل ۲۰۱۷.

۹۸ مصاحبه با موسفید کوچی، قبیله نیازی، دیری ولایت خوست، اپریل ۲۰۱۷.

۹۹ مصاحبه با موسفید قریه، قبیله نورزی، قریه ننگ آب ولایت فراه، جون ۲۰۱۷؛ مصاحبه با موسفید کوچی بلوچ، ولایت فراه، جون ۲۰۱۷؛ مصاحبه با موسفید قریه، منطقه کول آکاخیل امام صاحب، ولایت کندهز، اپریل ۲۰۱۷.

۱۰۰ مصاحبه با موسفید، قبیله نعیم خیل، منطقه خلیل آباد ولایت لوگر، نوامبر ۲۰۱۶.

اگر مقامات در تغییر مسیر توسعه شهری از چراگاه ها و زمین های زراعتی به سوی مناطق خشک، نقش مؤثر ایفا نکنند، وضعیت بهتر نخواهد شد.^{۱۰۱}

در حالی که ده نشین ها و کوچی ها یکدیگر را مایه شر می خوانند، ظاهرا هر دو برای هدف مشترکی می کوشند: تخصیص بخشی از چراگاه ها برای توسعه شهری. از آنجایی که طرح های حکومتی برای تامین زمین برای توسعه شهری اندک است، اجتماعات مترکم به جز اقدام غیر قانونی یا همکاری با غاصبین زمین، گزینه های اندکی دارند. در این جریان، با سایر اجتماعاتی که در اشغال یا غصب زمین سهم ندارند ولی شاهد نابودی چراگاه های شان اند، نیز اختلاف ایجاد می شود. قیمت فزاینده زمین و افزایش تقاضا برای مسکن نتیجه رشد اقتصاد افغانستان از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۴ است. این وضعیت در عوض سبب ایجاد فرصت های کاری شد، وضعیتی که به سرعت از سوی گروه خاصی از کارآفرینان (غاصبین زمین) سوء استفاده شد. اما تقاضا واقعی است، به صورت مصنوعی از سوی غاصبین زمین ایجاد نشده و باید برآورده شود. به علاوه سایر عوامل، ناکامی در ایجاد فضایی برای رشد شهرها هر نوع رشد اقتصادی آینده را خنثی می سازد.

چوکات ۳: تاثیر توسعه شهری بر محیط اطراف کابل

موسفید یک قریه زراعت پیشه در ده سبز انکشافات سال های اخیر را این گونه توضیح داد:

در ۱۵ سال، تغییرات زیادی به وجود آمد. برای مثال، قبلا جمعیت ما کوچک تر بود و هیچ درگیری در سایر ولایات وجود نداشت، لذا ساحات آزادی برای تئذیه گله های کوچی ها وجود داشت. اما اکنون جمعیت به شدت افزایش یافته و بسیاری از مردم به خاطر فرار از جنگ به کابل آمده اند. در نتیجه، چراگاه ها به شرکت و خانه تبدیل می شوند. حالا کوچی ها نیز در صدد یافتن مکانی برای زندگی اند و ارزش زمین را می دانند. همین مساله دلیل بدتر شدن روابط کوچی ها و ده نشین ها در همه جا است.^{۱۰۲}

ظاهرا چیزی که اتفاق خواهد افتاد، حداقل در ده سبز، این است که هم ساکنین محل و هم کوچی ها در تلاش کنترل بخش هایی از چراگاه های قدیمی هستند و در نتیجه برای کسب آن به رقابت می پردازند. دیدگاهی که توسط یک موسفید کوچی بیان شد عین نظری است که در بالا از سوی یک ساکن محل ارائه شد.

نزاع ما با تاجیک ها شش سال پیش شروع شد. تاجیک ها نمی خواهند ما اینجا زندگی کنیم. به ما می گویند این منطقه ما نیست، حکومت در باریک آب به ما زمین داده و باید آنجا زندگی کنیم. اما ما به حرف آنها اعتنا نمی کنیم زیرا این منطقه چراگاه ما است [...] امروزه قیمت زمین بسیار بالا است، لذا آنها کل ساحات را تصرف کردند و شهرک ساختند. اکنون که کل مناطق پر شده است، در صدد تصرف چراگاه های ما اند. دلیل منازعه ای که بین دو طرف رخ داد همین بود.^{۱۰۳}

عین توضیحات از سوی یک موسفید ده نشین دیگر در خاک جبار (ولایت کابل) بیان شد:

در ۱۵ سال گذشته تغییرات زیادی در قریه ما آمده است. بازسازی صورت گرفت، جمعیت ما افزایش یافت و ارتباطات جاده ای از شهر کابل به قریه ما دوباره احیا شد. بلی، این تغییرات روی روابط ما با کوچی ها تاثیر گذاشت. قبل از آن، ما از دشت چارنگی استفاده نمی کردیم ولی اکنون به آن نیاز داریم، لذا این موضوع علت منازعه بین کوچی ها و مردم ما است.^{۱۰۴}

۴.۲.۳ فشار جمعیتی

کمیابی زمین کشت و فرسایش چراگاه

کاهش منابع آبی و خشکسالی های مکرر، همراه با فرسایش چراگاه در نتیجه توسعه شهری و تملک چراگاه ها از سوی ساکنین منجر به کمیابی زمین قابل کشت شده است. سروی ۲۰۱۶-۲۰۱۷ وضعیت زندگی در افغانستان گزارش داد که تنها ۶۰ درصد کوچی های فعال

۱۰۱ مصاحبه با حاجی خان وزیر، رییس شورای خماری خیل برای ده سبز و قره باغ، پوزه ای خروتی، باریک آب، اکتوبر ۲۰۱۷.

۱۰۲ مصاحبه با موسفید و دهقان در ده سبز ولایت کابل، ۱ جنوری ۲۰۱۷.

۱۰۳ مصاحبه با موسفید کوچی، قبیله کوچی تفر، ولسوالی ده سبز، ولایت کابل، جنوری ۲۰۱۷.

۱۰۴ مصاحبه با موسفید و دهقان قریه ملنگ، ۲۸ فبروری ۲۰۱۷.

به چراگاه دسترسی دارند و تنها ۳۲ درصد آنها به میزان کافی به چراگاه دسترسی دارند^{۱۰۵}. کوچی ها شروع به بردن حیوانات به چراگاه های روستایی و زمین های زراعتی کردند. زمین زیر کشت در حال حاضر ۲.۳ میلیون هکتار تخمین شده است، رقمی که قبل از جنگ ۳.۴ میلیون هکتار بود. در عین حال، جمعیت دو برابر شده است^{۱۰۶}. با وجود این، شمار رو به کاهش حیوانات در افغانستان (در بالا به بخش ۲: کوچی ها در افغانستان، نگاه کنید) می تواند به معنی فشار کمتر بر چراگاه ها باشد، هرچند ارزیابی شمار دقیق حیوانات به دلیل تخمین های متضاد، دشوار است. اگر بالاترین رقم تخمینی شمار حیوانات کوچی و کوچی های قدیمی درست باشد (که نشان دهنده کاهش اندک در شمار حیوانات است)، در مقایسه با تخمین های قبل از جنگ، فشار بر چراگاه ها به گونه قابل ملاحظه ای بالا خواهد رفت.

موسفیدی از قریه ای در لوگر توضیح داد که چگونه ساکنین در حال تصرف چراگاه ها است:

ما به کوچی ها اجازه نمی دهیم، خواه در صدد چراندن مواشی یا ساختن خانه باشند زیرا می خواهیم این زمین را برای کشت آماده کنیم. می خواهیم در این دشت ها پمپ آب نصب کنیم و زراعت کنیم به خاطر این که تعداد مردم ما هر روز رو به افزایش است. ما می خواهیم در این ساحات خانه بسازیم. [...] لازم نیست این مناطق برای همیشه محل کوچی ها باشد، از آن به عنوان چراگاه استفاده کنند و روی آن خانه اعمار کنند^{۱۰۷}.

این نوعی از منازعه بر سر منابع رو به کاهش است که باید میان جمعیت دائما در حال افزایش تقسیم شود، کاری که پرهیز از آن دشوار است، حتی اگر مردم صلاحیت داشته باشند در باره چگونگی استفاده از چراگاه ها بین خودشان تصمیم بگیرند. موسفید دیگری از ولایت لوگر توضیح داد که چگونه به دلیل بازگشت شمار زیاد مردم از پاکستان، رشد جمعیت در سال های اخیر سرعت یافته است^{۱۰۸}.

گسترش مالداری

در حالی که بخش زیادی از چراگاه های نزدیک شهر و شهرک ها به دلیل توسعه شهری از بین رفته است و بخشی از زمین های علفچر برای زراعت استفاده شده است، اتفاق دوم نباید بیش از اندازه واقعی برآورد شود. به خصوص، موسفیدان در هزاره جات اهمیت این اتفاق را رد کردند^{۱۰۹}. یکی از موسفیدان ورس (بامیان) گفت:

چراگاه ها هیچ وقت به زمین زراعتی بدل نشده است زیرا چراگاه ها آب ندارند و آب آنها از باران تامین می شود. زمین های زراعتی همیشه نیازمند آب است. [...] ما هیچ گاهی چراگاه ها را به زمین زراعتی تبدیل نکرده ایم^{۱۱۰}.

چنانچه موسفیدی از مالستان گفته است، تنها در نواحی مرزی هزاره جات نمونه هایی از کشت روی زمین های علفچر وجود دارد:

تنها در دشت ناهور اتفاق افتاده است، دشت بسیار وسیعی است، مردم چراگاه را به زمین زراعتی بدل کرده اند. خیلی خوب کار می دهد [...] در سایر ولسوالی های غزنی، این اتفاق رخ نداده و همه چراگاه ها به جای خود باقی مانده اند^{۱۱۱}.

در عوض، حد اقل در هزاره جات، آنچه واقعا اتفاق افتاد این بود که باشندگان محل شروع کردند به پرورش شمار بیشتر حیوانات و در نتیجه هر روز بیشتر به استفاده از چراگاه های عمومی وابسته شدند (به چوکات ۴ مراجعه کنید)^{۱۱۲}. تیم تحقیق شواهدی را مبنی بر تصرف چراگاه های عامه توسط ساکنین به خاطر مواشی خود شان در خارج از هزاره جات نیز کشف کرده اند. بر اساس گفته های موسفیدان کوچی و ساکنین محلی در منطقه کلم گذر ولایت کندز، باشندگان پشتون قبیله خروتی، علاخیل و اندر تلاش کرده اند کوچی های اوزبیک را از رسیدن به چراگاه هایی که

۱۰۵ اداره احصائیه مرکزی، ۲۰۱۷، ص ۹۴

۱۰۶ مصاحبه با انجنیر میرخیل، متخصص آب، وزارت احیا و انکشاف دهات، کابل، ۹ اکتوبر ۲۰۱۷.

۱۰۷ مصاحبه با موسفید کوچی، قبیله احمدزی، قریه آب بازک، ۲۰ دسامبر ۲۰۱۶.

۱۰۸ مصاحبه با موسفید، قبیله نعیم خیل، منطقه خلیل آباد ولایت لوگر، نوامبر ۲۰۱۶.

۱۰۹ مصاحبه با ج. ح. موسفید از ولسوالی اشتراکی ولایت دایکندی، جون ۲۰۱۸؛ مصاحبه با ج. ح. الف. موسفید هزاره، ولسوالی ورس ولایت بامیان، جون ۲۰۱۸.

۱۱۰ مصاحبه با ج. ح. الف. موسفید هزاره، ولسوالی ورس ولایت بامیان، جون ۲۰۱۸.

۱۱۱ مصاحبه با ج. ح. م. موسفیدی از ولسوالی مالستان ولایت غزنی، جون ۲۰۱۸.

۱۱۲ مصاحبه با ج. ح. ر. الف. موسفیدی از ولسوالی پنجاب ولایت بامیان، جون ۲۰۱۸؛ مصاحبه ج. ح. ک. موسفیدی از ولایت دایکندی، جون ۲۰۱۸؛ مصاحبه با ج. ح. م. موسفیدی از ولسوالی مالستان ولایت غزنی، جون ۲۰۱۸؛ مصاحبه با ج. ح. الف. موسفیدی از ولسوالی ناهور ولایت غزنی، جون ۲۰۱۸؛ مصاحبه با گروهی از موسفیدان هزاره از بهسود، ولایت میدان وردک، ۹ می ۲۰۱۸.

تا سال ۲۰۱۳ از آن استفاده می کردند، منع کنند. دهاقین مدعی شده اند که به خاطر حیوانات خودشان نیازمند چراگاه اند. در این مورد نیز الگوی معمول که هر دو طرف برای کمک و حمایت به سیاستمداران و زورمندان اوزبیک و پشتون متوسل می شود، تکرار شده است. باشندگان پشتون نیز شکایت کرده اند کوچی ها به کشت آنها آسیب زده و آب آشامیدنی شان را آلوده کرده و قصد داشته در آنجا محل مسکونی ایجاد کنند^{۱۱۳}.

چوکات ۴: دهقان ها و مالداری در هزاره جات

شماری از موسفیدان بامیان تغییر را این گونه توضیح می دهند:

در مقایسه با قبل از جنگ، شمار حیوانات ما بیشتر است. در حال حاضر در هر خانه در بامیان ۱۰-۱۵ راس حیوان وجود دارد و برخی از خانواده ها ۲۰۰-۲۵۰ راس مواشی دارند. تنها درآمد مردم بامیان زراعت و نگهداری حیوانات برای فروش محصولات آن است. [...] خانواده هایی را می شناسم که حیوانات شان را برای تغذیه به سایر ولایات افغانستان می فرستند زیرا ما علفچر کافی نداریم. در چنین شرایطی، چطور می توانیم کوچی ها را هم بپذیریم؟ [...] دیگر حتی بسیار دور از قریه علفچری نمانده است که به یکی از آنها تعلق نداشته باشد^{۱۱۴}.

اگر با دوره ظاهر شاه یا امان الله خان مقایسه کنیم، تعداد مواشی در قریه ما بیش از ده برابر شده است زیرا نگهداری حیوانات و فروش شیر، ماست و سایر محصولات آنها تنها درآمد روستایی های بامیان است. به همین دلیل ما قدرت این را نداریم که کوچی ها را در علفچرهای خود بپذیریم؛ به خاطری که جمعیت ما افزایش یافته و حیوانات بیشتری نگهداری می کنیم. [...] این چراگاه ها برای خود ما هم کافی نیست. برخی از افراد ثروتمند در بامیان، به دلیل نبود علفچر، مواشی شان را برای چراندن به ولایت سمنگان می فرستند^{۱۱۵}.

در دایکندی و غزنی با تفاوت کم یا زیاد وضعیت مشابهی وجود دارد. چنانچه دو موسفید محلی بیان داشته است:

من حدود ۱۵۰ راس حیوان دارم، به شمول گوسفند و گاو. افراد زیادی در دایکندی هستند که بیش از ۱۰۰ راس حیوان دارند. ولایات مرکزی افغانستان هیچ کسب و کار دیگری به جز پرورش مواشی و فروش محصولات حیوانات و زراعتی ندارند. در هر خانه ای در ولایت دایکندی، بیش از ۱۰ راس حیوان وجود دارد. در مقایسه با قبل از زمان جنگ، خانوارها قطعاً حیوانات بیشتری دارند و جمعیت نیز بالا رفته است. خانوارهای بیشتری وجود دارد و هر کدام مواشی بیشتری دارند^{۱۱۶}.

اکنون حدوداً ۶،۰۰۰ حیوان تنها در قریه ما (در مالستان) وجود دارد. چراگاه هایی که مربوط به قریه ما است برای حیوانات کافی نیست و ما گاهی روی زمین های زراعتی علف کشت می کنیم تا در زمستان جان حیوانات را نجات دهیم^{۱۱۷}.

۳.۲. ۵ اسکان کوچی ها

وقتی اسکان در مقیاس بزرگ شروع شد، منازعات دیگری را به همراه آورد. داستان هایی که مردم محل شامل مطالعه موردی ده سبز، خاک جبار، آزره و خوست گفته اند، همیشه به زمان قبل از جنگ اشاره می کند، زمانی که کوچی ها مواشی شان را تنها به چراگاه های عامه در کوه ها می بردند و به باشندگان کاری نداشتند. بعد از ۲۰۰۱، اوضاع عوض شد (به چوکات ۵ مراجعه کنید). بر اساس گفته های یک موسفید مردمی باشندده سبز:

قبلاً، کوچی ها برای مدت محدودی اینجا می آمدند و حیوانات شان را برای چراندن می آوردند و بعداً به ولایات شمال می رفتند. اما حالا کوچی ها زمین و ملکیت های ما را قبضه می کنند. روی زمین ما خانه می سازند، به خاطری که این زمین ها نزدیک کابل است^{۱۱۸}.

۱۱۳ مصاحبه با موسفید کوچی، قبیله اوزبیک بیگ در ساحه کلم گذر، اپریل ۲۰۱۷؛ مصاحبه با موسفید کوچی، قبیله اندر، ولسوالی امام صاحب ولایت کندز، اپریل ۲۰۱۷؛ مصاحبه با موسفید قریه، منطقه کول علاخیل، امام صاحب، اپریل ۲۰۱۷.

۱۱۴ مصاحبه با ج. ح. الف. موسفید هزاره، ولسوالی ورس ولایت بامیان، جون ۲۰۱۸.

۱۱۵ مصاحبه با ج. ر. الف. موسفید از ولسوالی پنجاب ولایت بامیان، جون ۲۰۱۸.

۱۱۶ مصاحبه با ج. ح. موسفیدی از ولسوالی اشتیری ولایت دایکندی، جون ۲۰۱۸.

۱۱۷ مصاحبه با ج. م. م. از ولسوالی مالستان ولایت غزنی، جون ۲۰۱۸.

۱۱۸ مصاحبه با موسفید قریه، ده سبز ولایت کابل، جنوری ۲۰۱۷.

داستان مشابهی توسط یک باشنده خاک جبار بیان شد:

در گذشته، کوچی‌ها تنها در این مناطق خیمه می‌زدند و حیوانات شان را برای چراندن می‌آوردند. اما حالا اینجا می‌آیند و می‌خواهند زمین‌های ما را برای خانه سازی تصرف کنند؛ در نتیجه، جنگ اتفاق افتاد^{۱۱۹}.

از سوی دیگر، کوچی‌ها این موضوع را که زمین محل سکونت آنها به باشندگان محلی تعلق دارد، رد می‌کنند. چنانچه یک موسفید تره خیل گفت:

اینها زمین‌های اجدادی ما است. آنها مدعی اند این زمین‌ها به آنها تعلق دارد. ما به آنها اجازه نمی‌دهیم این زمین‌ها را از ما بگیرند. [...] گفته اند کوچی‌ها باید در کوه‌ها زندگی کنند، نه در مناطقی مانند شهرک‌ها. آنها خانه‌ها، خیمه‌ها و سایر اموال ما را تخریب می‌کنند^{۱۲۰}.

برخی از گروه‌های کوچی مایل به تصرف چراگاه‌های قدیمی شان برای اسکان در آن‌اند. این ادعاها از سوی مردم محل مطرح شده^{۱۲۱} اما گاهی کوچی‌ها نیز چنین می‌گویند^{۱۲۲}. یکی از موسفیدان کوچی، ساکن در کوچی آباد، چنین اعتراف کرد:

کوچی‌های ما در بسیاری از مناطق با مشکل روبرو اند [...] این منازعات در ۲۰۰۷ با مردم بت خاک زمانی شروع شد که ما در این مناطق خانه می‌ساختیم. در سال ۲۰۰۹، منازعه ما با قریه چنار شروع شد. ما خواستیم آن مناطق را نیز تصرف کنیم. در سال ۲۰۱۳، منازعه ما با مردم گوسپند دره و ملنگی شروع شد. در سال ۲۰۱۵، با مردم خاک جبار در چارزگی جنگیدیم زیرا این منطقه اجداد ما است. [...] این‌ها دشت‌های پدر کلان‌های ما است^{۱۲۳}.

به همین صورت، منطقه مسکونی کوچی آباد شاید مانع ظهور منازعه بین آنها و مردم ساکن در مسیر قدیمی مهاجرت آنها شده باشد اما قطعاً منازعات جدید را با جوامع ده‌نشین هزاره در غرب کابل ایجاد کرده و منازعاتی را با سایر کوچی‌هایی مانند ملاخیل و کاکر زنده کرده است (در سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۱۲). دو قبیله اخیر نیز در صدد اسکان در همین منطقه است^{۱۲۴}.

کوچی‌های ساکن دشت خاکه^{۱۲۵} به زودی اختلاف با ساکنین فعلی و نیز سایر کوچی‌ها را تجربه کردند، به خصوص به دلیل آنکه شمار کوچی‌ها شروع به ازدیاد کرد. در سال ۲۰۰۴، روابط آنها با باشندگان تاجیک شاه مزاری به تیرگی گرایید و خانه‌های کوچی‌های ساکن مورد تهاجم قرار گرفت و حتی به آتش کشیده شد. به نظر می‌رسید میانجی‌گری از سوی حکومت محلی و میانجی‌های محلی مشکل را حل کرده است اما در سال ۲۰۰۶ منازعه با استانکزی‌ها شعله‌ور شد. این نزاع دوباره در سال ۲۰۰۹ در دشت خاکه پایان تکرار شد و این بار طرف مخالف کوچی‌ها شامل ساکنان محلی از قوم پشتون (استانکزی) و تاجیک بودند. در سال ۲۰۱۳ نزاع تازه ای با مردم محلی پادوان و باغ قلا در گرفت. در این نزاع، ۳۴ تن از هر دو طرف به قتل رسیدند. میانجی‌گری تازه موفق بود اما در سال ۲۰۱۸ نزاع بالای بعضی زمین‌های کوهستانی با قوم غازی خیل دوباره آغاز شد و هنوز حل و فصل نشده است^{۱۲۶}.

۱۱۹ مصاحبه با موسفید قریه، قریه چکری، ولسوالی خاک جبار، ولایت کابل، فبروری ۲۰۱۷.

۱۲۰ مصاحبه با موسفید کوچی، قبیله تره خیل، ده سبز ولایت کابل، ۱۳ جنوری ۲۰۱۷.

۱۲۱ مصاحبه با موسفید قریه، قبیله پیری، منطقه شمال دیری ولایت خوست، اپریل ۲۰۱۷.

۱۲۲ مصاحبه با موسفید کوچی، قبیله تره خیل، ولسوالی ده سبز ولایت کابل، ۱۳ جنوری ۲۰۱۷.

۱۲۳ مصاحبه با موسفید کوچی، کوچی آباد بت خاک، کابل، مارچ ۲۰۱۷.

۱۲۴ مصاحبه با کوچی ساکن، منطقه کوچی آباد، ۳ مارچ ۲۰۱۹؛ مصاحبه با کوچی ساکن، منطقه کوچی آباد، ۱ مارچ ۲۰۱۹؛ مصاحبه با کوچی ساکن، منطقه کوچی آباد، ۴ مارچ ۲۰۱۹.

۱۲۵ این منطقه با مجوز حکومت در سال ۲۰۰۳ توسط کوچی‌های احمدزی در ولسوالی برکی برک تاسیس شد.

۱۲۶ مصاحبه با کوچی ساکن در دشت خاکه در برکی برک، ۱ اپریل ۲۰۱۹؛ مصاحبه با کوچی ساکن در دشت خاکه در برکی برک، ۲ اپریل ۲۰۱۹؛ مصاحبه با کوچی ساکن در دشت خاکه در برکی برک، ۳ اپریل ۲۰۱۹؛ مصاحبه با کوچی ساکن در دشت خاکه در برکی برک، ۴ می ۲۰۱۹.

چوکات ۵: تاثیر اسکان در دشت سرخاب، ازره

دشت سرخاب ولسوالی ازره ولایت لوگر مورد نزاع کوچی ها و کوچی های سابق است که در چراگاه های قدیمی شان ساکن شده اند. گزارش کوتاه زیر توسط یکی از موسفیدان محلی بیان شده است:

منازعه ما با کوچی ها سه سال پیش در منطقه پادخواست شاهانه زمانی شروع شد که رئیس این کوچی ها خواست این منطقه را برای اعمار خانه تصرف کند. ما به آنها اجازه ندادیم. قبل از آن، آنها حیوانات شان را برای چراندن می آوردند و بعدا به سمت ولایت های شمالی می رفتند. اما سه سال پیش ما دیدیم که آنها دست به خانه سازی زدند و جنگ بین ما و آنها در گرفت. این کوچی ها متعلق به قبیله های نعیم خیل، بابر و سلطان خیل اند. از بخش های مختلف آمده و می خواهند مناطق زراعتی ما را تصرف کنند هرچند ما اسناد قانونی این مناطق را داریم. منازعه در ۲۰۱۳ شروع شد و هنوز ادامه دارد. هنوز حل نشده^{۱۲۷}.

چهار گروه کوچی سال های قبل در این منطقه ساکن شدند و روی چگونگی تقسیم چراگاه ها و تبدیل آن به روستا و زمین های زراعتی بین هم توافق کردند. دیدگاه آنها در سخنان یکی از موسفیدان شان به خوبی بازتاب یافته است:

این بیش از ۲۰۰۰ هکتار زمین است و همه روستاها و قبیله ها، مانند عیسی خیل، ادرم زی، افضل خیل و استانکزی در آن سهم دارد. همه این قبایل در این زمین حق دارند. اینجا چراگاه کوچی ها است، این ا مال ما است زیرا قبلا ما نیز کوچی بودیم و حیوانات خود را آنجا می بردیم، اما اکنون زندگی کوچ نشینی را متوقف کرده ایم^{۱۲۸}.

موسفید دیگر توضیح داد که چگونه زمانی که قبایل دیگر کوچی مانند بابر، سلطان خیل و سلام خیل تلاش کردند در همین منطقه ساکن شوند، قبایل کوچی ساکن تصمیم گرفتند از ورود آنها جلوگیری کنند^{۱۲۹}:

ما به کوچی ها اجازه نمی دهیم روی زمین های ما حیوانات شان را بچرانند یا خانه بسازند به خاطر این که ما می خواهیم این زمین را برای کشت آماده کنیم. می خواهیم در این دشت ها پمپ آب نصب کنیم و زراعت کنیم به خاطر این که تعداد مردم ما هر روز رو به افزایش است. ما می خواهیم در این ساحات خانه بسازیم. ما دیگر به کوچی ها اجازه نمی دهیم. لازم نیست این مناطق برای همیشه محل کوچی ها باشد، از آن به عنوان چراگاه استفاده کنند و روی آن زندگی کنند. [..] نزاع قوم ما با کوچی های بابر است؛ این کوچی ها اینجا آمدند و روی زمین های ما خیمه زدند و زمین ما را تصرف کردند و مدعی اند که زمین ها به آنها تعلق دارد. کوچی های سلام خیل از قریه رود ولایت پکتیا آمدند. زمین های ما را قبضه کردند و می گویند پدر کلان های شما این زمین را به ما فروخته اند. این منازعات دو و نیم سال پیش شروع شد. [..] زمین ما بسیار خوب است. نسیم خوب و باد ملایم دارد و بسیار هموار است. این منطقه برای حیوانات آنها بسیار خوب است چون علف زیاد دارد. این منطقه نزدیک شهر هم هست^{۱۳۰}.

توافق بین چهار قبیله برای اسکان در چراگاه با سایر قبیله های کوچی در میان گذاشته نشد. به مرور بین سال های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۴ منازعه شکل گرفت^{۱۳۱}. موج دوم کوچی ها از اینکه شامل نبودند، شکایت کردند. گفتار یکی از این موسفیدان:

ما با دهقان های منطقه خلیل آباد، نزدیک کلنگار منطقه پل علم ولایت لوگر نزاع داریم. منازعات ما با قبیله استانکزی است زیرا آنها زمین های چراگاه های ما را تصرف کرده اند. این منازعات بین ما و آنها سه سال پیش شروع شد و هنوز ختم نشده است. آنها قصد دارند اینجا شهرک بسازند و چراگاه های ما را بگیرند اما ما به آنها اجازه نخواهیم داد^{۱۳۲}.

تضاد بین کوچی های ساکن و سایر قبایلی که خواستار سکونت در عین مناطق اند سبب بروز منازعه شد که ناگزیر فعالیت های زراعتی را مختل کرد:

ما در دشت پادخواست شانه چیزهای زیادی کشت کردیم و زمین های زراعتی زیادی در آنجا وجود دارد. ما در گذشته، از جمله گندم کشت می کردیم اما در سه سال گذشته همه کارها به دلیل خشونت متوقف شده است. به علاوه، خانه های زیادی در این مناطق ساخته شد و زمین های زراعتی ما به خانه تبدیل شد^{۱۳۳}.

۱۲۷ مصاحبه با موسفید قریه، منطقه الیاس خان، ولایت لوگر، دسامبر ۲۰۱۶.

۱۲۸ مصاحبه با موسفید قریه، قبیله عیسی خیل، قریه پل کندهار، دسامبر ۲۰۱۶.

۱۲۹ مصاحبه با موسفید قبیله سلطان خیل در ولایت لوگر، نوامبر ۲۰۱۶.

۱۳۰ مصاحبه با موسفید قریه، قبیله ادرم زی، قریه آب بازک، دسامبر ۲۰۱۶.

۱۳۱ مصاحبه با موسفید کوچی، قبیله بابر، نوامبر ۲۰۱۶.

۱۳۲ مصاحبه با موسفید قبیله نعیم خیل، منطقه خلیل آباد ولایت لوگر، نوامبر ۲۰۱۶.

۱۳۳ مصاحبه با موسفید قریه، منطقه الیاس خان ولایت لوگر، دسامبر ۲۰۱۶.

پیامدهای موجی (Ripple Effects)

مجبوریت کوچی ها به تملک زمین

با تشدید رقابت بر سر چراگاه ها، کوچی هایی که از دسترسی به چراگاه های سنتی شان در ارتفاعات مرکزی محروم اند و در جاهای دیگر گزینه های محدود دارند، مشخصا:

- به سایر چراگاه ها روی می آورند، که سبب افزایش فشار جمعیتی در مناطقی می شوند که قبلا درگیر منازعه نبوده است^{۱۳۴}؛
- در شهرها ساکن می شوند؛
- هر قطعه زمینی را که پیدا می کنند تصرف می کنند، با سایر کوچی ها و باشندگان محلی وارد منازعه می شوند.

با دشوار شدن زندگی کوچی، بسیاری از کوچی ها ساکن شدند و به عنوان کارگران غیر ماهر ارزان در شهرها مشغول به کار شدند. کسانی که خواستند از این سرنوشت ناخوشایند پرهیز کنند اکثرا کوشیدند زمینی را تصرف کنند.

تعداد محدود کوچی ها دارای منابع لازم برای خرید زمین اند، بنابراین یکی از گزینه های آنها اشغال مراتع در نقاطی است که می توانند این کار را بکنند. هم مصاحبه شوندگان کوچی و هم ده نشین وقوع این اتفاق را تایید کرده اند. برای نمونه:

قبلا، کوچی ها به سبک کوچی زندگی می کردند و از یک محل به محل دیگر مسافرت می کردند. اکنون این سبک زندگی را متوقف کرده و کل زمین های افغانستان را قبضه می کنند: شمال، جنوب، شرق، غرب. اکنون خواستار زندگی ثابت اند؛ بنا بر این، نیازمند زمین اند و دست به اشغال زمین می زنند^{۱۳۵}.

قبلا ما به ولایات شمال می رفتیم اما اکنون از رفتن ما به چراگاه ها و جاهایی که خانه ساخته بودیم جلوگیری می کنند. این مردم به ما اجازه نمی دهند. بلدوزر آورند و خانه های ما را خراب کردند. در یکی از خانه ها، دو کودک کشته شد. جنگ های زیادی بین تاجیک ها و تره خیلی ها رخ داد^{۱۳۶}.

در نتیجه رقابت برای استفاده از چراگاه ها، قبیله هایی که قبلا هیچ گاه مخالف دسترسی کوچی ها به علفچرها نبودند علیه آنها برخاستند. یکی از باشندگان محل توضیح داد که چگونه مردم وی تصمیم گرفتند کوچی ها را از محل دور نگه دارند:

قبلا، کوچی ها برای مدت کوتاهی می آمدند و بر می گشتند. نمی خواستند زمین قبضه کنند، به همین دلیل هیچ جنگی رخ نمی داد. اما اکنون کوچی ها می آیند و زمین های ما را می گیرند و روی آن خانه می سازند^{۱۳۷}.

رقابت فزاینده روی چراگاه ها اغلب کوچی ها را به جنگ علیه سایر کوچی یا کوچی های قدیمی وادار می کند (به چوکات ۶ نگاه کنید). مثال هایی از این منازعات در بخش های قبلی بحث شد. منازعه بین کوچی ها و کوچی های قدیمی نشان دهنده آن است که کمیابی منابع بیشتر از گذشته به منازعه می انجامد، و عوامل قدیمی و بنیادین اختلافات را زیر شعاع قرار می دهد. این موضوع همچنان حاکی از آن است که کمیابی منابع، بر خلاف شکاف های ناشی از اختلاف در سبک های زندگی، یک عامل اصلی منازعه است.

۱۳۴ مصاحبه با موسفید کوچی، قبیله ناصر، ولایت فراه، جون ۲۰۱۷؛ مصاحبه با موسفید قریه، قریه ننگ آب، ولایت فراه، جون ۲۰۱۷.

۱۳۵ مصاحبه با موسفید قریه، قریه ملنگ، فبروری ۲۰۱۷.

۱۳۶ مصاحبه با موسفید کوچی قبیله تره خیل در ده سبز ولایت کابل، جنوری ۲۰۱۷.

۱۳۷ مصاحبه با موسفید قریه پای منار، ده سبز، ولایت کابل، جنوری ۲۰۱۷.

چوکات ۶: کوچی ها مانع دسترسی سایر کوچی ها در فراه

یکی از موضوعات خاصی که کوچی ها در دسترسی به چراگاه ها محدودیت دارند مربوط به زمانی است که کوچی های که نتوانسته اند به هزاره جات بروند مسیر شان را تغییر می دهند و با سایر کوچی ها بر سر چراگاه وارد رقابت می شوند. این قضیه در مورد چراگاه نزدیک مرکز ولایت فراه صدق می کند. بر اساس اظهارات یک مو سفید بلوچی، کوچی های بلوچ که قبلاً زمستان را آنجا می گذراندند ناگهان با رقابت کوچی های ناصر (پشتون) از ولایت زابل مواجه شدند. در سال ۲۰۰۷، قبیله ناصر مانع قصد بلوچ ها برای آوردن گله های شان به هزاره جات شدند. زمانی که ناصری ها که خود دیگر نمی توانند به هزاره جات دسترسی داشته باشند، تلاش کردند موآشی شان را به فراه بیاورند، این بار نوبت بلوچ ها بود که مانع دسترسی آنها شوند^{۱۳۸}.

یک مو سفید قبیله ناصر موضوع را این گونه روایت کرد:

منازعه ما با کوچی های بلوچ در ۲۰۱۵ زمانی رخ داد که آنها جلوی رفتن ما به دشت خرم لوک را گرفتند. [...] ما به آنها گفتیم ما هم کوچی هستیم، آنها هم کوچی اند، لذا آنها هم موآشی شان را برای چراندن به این چراگاه ها ببرند، و ما هم این کار را کنیم. کوچی های بلوچ گفتند آنها با قبایل نورزی و الکوژی توافق دارند، لذا آنها از این چراگاه ها استفاده می کنند و به ما اجازه نمی دهند. ما [کوچی های ناصر] به کوچی های بلوچ گفتیم [...] موآشیتان نمی تواند مانع رفتن ما به این چراگاه ها شود، [...] چند بار مانع ما شدند؛ بعد از آن، جنگ بین ما و آنها شروع شد^{۱۳۹}.

با توجه به دینامیک وجود و تقاضای کمک بیرونی از احزاب، گروه های شورشی و زورمندان توسط گروه های مختلف کوچی، این وضعیت کاملاً مشابه منازعه کوچی-دهقان است که در بالا تشریح شد. در حالی که کوچی های ناصر مدعی اند بلوچ ها از سوی قاچاقبران و شورای کویته طالبان حمایت می شوند، یک کوچی بلوچ پذیرفت که خواستار حمایت از احزاب گوناگون شده است اما موفقیت چندانی نداشته است^{۱۴۰}:

قبل از همه، ما در حال تلاش برای حل منازعه از سوی حکومت ایم. اگر حکومت منازعه ما را حل نمی کند ما مجبوریم به مردم محل مراجعه کنیم. اگر مردم محل منازعه را حل نکنند، درین صورت ما برای حل منازعه به طالبان مراجعه خواهیم کرد. اگر طالبان در حل منازعه به ما کمک نکنند، به داعش مراجعه خواهیم کرد زیرا این روزها داعش هم در افغانستان حضور دارد. اصولاً، ما خواستار حل منازعه ایم. برای ما مهم نیست کدام گروه منازعه را حل می کند^{۱۴۱}.

موسفیدی از قبیله ناصر نیز پذیرفت که خواستار حمایت فرماندهان حزب اسلامی، شورای طالبان به رهبری رسول و یکی از زورمندان کوچی شده اند^{۱۴۲}.

همه کوچی ها مظنون می شوند

پس از آنکه مشخص شد کوچی ها در صدد اسکان در محل خاص اند، در برخی از موارد، دهاقین بدون تمایز مانع دسترسی همه کوچی ها شدند، حتی آنها را از چراندن موآشی منع کردند. تیم تحقیق مواردی از این قبیل را در خاک جبار، نزدیک به شهر کابل، یافتند (به چوکات ۷ مراجعه کنید). در خوست نیز در یک مورد به دلیل منازعه بین یک قبیله کوچی و قبیله دیگر ساکن، کوچی ها از دسترسی منع شده بودند. یک مو سفید کوچی جزئیات را چنین بیان کرد:

قبیله دولت زی ما با مردم خوست جنگ ندارد؛ کوچی های نیازی با مردم خوست جنگ دارد. اما [...] مردم خوست بعد از ۲۰۰۳ به ما هم اجازه ندادند حیوانات مان را به چراگاه های دیری ببریم. ما به مردم خوست گفتیم نزاع آنها با کوچی های نیازی است و ما تنها خواستار چراندن حیوانات خویش در این مناطق هستیم. در سال ۲۰۰۵، آنها بر ما حمله کردند و مردم ما را زدند. یک نفر ما کشته و دو نفر ما زخمی شدند. ۲۰۰ راس حیوان ما را هم دزدیدند. یک سال پیش، منازعه ما با مردم خوست حل شد. [...] در گذشته، اگر دولت زی ها هر کجا می رفتند، مانند لکنده، چینو، شمال خاور، دیری یا سایر جاها، هیچ مشکلی نبود، اما وقتی نیازی ها خواستند در این مناطق گندم، جواری و دیگر چیزها کشت کنند و خانه بسازند، جنگ شروع شد^{۱۴۳}.

۱۳۸ مصاحبه با موسفید قبیله براهوی، ولایت فراه، جون ۲۰۱۷.

۱۳۹ مصاحبه با موسفید کوچی، قبیله ناصر، ولایت فراه، جون ۲۰۱۷.

۱۴۰ مصاحبه با موسفید قبیله براهوی، ولایت فراه، جون ۲۰۱۷؛ مصاحبه با موسفید قبیله براهوی، ولایت فراه، جون ۲۰۱۷.

۱۴۱ مصاحبه با موسفید قبیله براهوی، ولایت فراه، جون ۲۰۱۷.

۱۴۲ مصاحبه با موسفید قبیله ناصر، ولایت فراه، جون ۲۰۱۷.

۱۴۳ مصاحبه با موسفید کوچی، قبیله دولت زی، منطقه دبری ولایت خوست، اپریل ۲۰۱۷.

نمونه دیگر ممانعت دهقان ها از دسترسی کوچی ها در ولایت فراه نزدیک قریه های کوه دانک، قلعه غلام سخی، کاریزک و قلعه شورآباد پیدا شد، جایی که دهاقین الکوزی تلاش کردند مانند رسیدن کوچی های بلوچ به چراگاه های محلی شوند^{۱۴۴}. مصاحبه شندگان موارد ممانعت از چراگاه ها را در مناطق دیگر نیز گزارش کردند، حتی اگر سروی این گزارش شامل آن مناطق نبود:

به همین صورت، مردم سروبی به ما و حیوانات ما در کوه ها اجازه نمی دهند. ما در ولایات شمالی با مشکلات زیادی مواجه شدیم. حیوانات ما کشته شدند و حتی مریض های ما را در شفاخانه ها قبول نمی کردند^{۱۴۵}.

ما تنها در فراه مشکل نداریم؛ ما در جاهای زیادی مانند میدان وردک، غزنی و شمال افغانستان مشکل داریم^{۱۴۶}.

به طور خلاصه، به نظر می رسد انسداد دسترسی کوچی ها به چراگاه ها به یک استراتژی شایع و روز افزون در میان جوامع ساکن بدل می شود، امری که شاید از قضیه اصلی در بهسود الهام گرفته باشد. شاید حرف کوچی هایی که مدعی اند دست برداشتن از چراگاه های هزاره جات سایر جوامع را تشویق خواهند کرد مانع دسترسی کوچی ها شوند، درست باشد.

چوکات ۷: حذف بی ملاحظه کوچی ها از چراگاه های خاک جبار

بر اساس گفته های مصاحبه شندگان کوچی و ساکن در خاک جبار (ولایت کابل)، پس از آنکه شماری از کوچی ها شروع به اسکان در چراگاه های قدیمی شان کردند، ساکنین محل تلاش کردند در مقابل، تمام کوچی ها را بدون تمایز از ورود به منطقه منع کنند:

قبلا، ما در چاربرگی للمی کشت می کردیم، اما فعلا کشت نمی کنیم، این کار سبب خسارت مالی شده است. [...] پس از این نمی خواهیم به کوچی ها اجازه دهیم، حتی اگر بخواهند تنها حیوانات شان را برای چراندن بیاورند. می خواهند ما را فریب دهند: پیش از همه، می گویند تنها مواشی شان را برای چراندن می آورند، اما بعدا مدعی می شوند که این منطقه به آنها تعلق دارد. اگر برای آنها جای بدهیم، خیمه می زند و زمین های ما را از ما می گیرند^{۱۴۷}.

این شهرک علت مشکلات ما و مردم خاک جبار است. آنها می گویند چنین شهرک هایی را در دشت چاربرگی نیز خواهند ساخت. ما در چاربرگی شهرک و خانه نمی سازیم؛ ما تنها حیوانات را برای چراندن می آوریم. غیر عادلانه است که به خاطر مشکل شان با [نام حذف شد] بر کوچی ها سخت می گیرند و به هیچ کوچی اجازه نمی دهند^{۱۴۸}.

به ما شک دارند که شاید این منطقه را تصرف کنیم اما واقعیت ندارد. ما تنها می خواهیم مواشی خود را در چراگاه ها ببریم^{۱۴۹}.

۶.۲.۳ ظهور زورمندان

بدون شک، پروسه های معلومات طبقاتی میان کوچی ها از دهه ۱۹۵۰ به بعد وجود داشته اما به نظر می رسد این روند بعد از ۲۰۰۱ سرعت یافته باشد. چنانچه ویلی می گوید (مالداران ثروتمندتر از هر دو گروه مرتع نشین و ساکن خواستار مالکیت، دسترسی و کنترل چراگاه هایی است که خود به آنجا نمی روند. در عوض، گله داران اجیر را به این مناطق دور دست می فرستند، حتی حیوانات را با موترهای لاری به چراگاه های بهاری و تابستانی انتقال می دهند. رهبران کوچی همچنان در زمین های زراعتی در دره ها سرمایه گذاری کرده اند، به شمول سرمایه گذاری به هدف نهایی فروش پر سود به سایر کوچی ها)^{۱۵۰}. رهبران کوچی از دهه ۱۹۹۰ به بعد توانستند به زمین های دولتی برای منفعت خانواده یا هم پیمانان شان تجاوز کنند. خانواده های کوچی که گله های شان را از دست دادند و نیازمند اسکان در جایی بودند، به شدت به این رهبران و توانایی شان برای ارائه راه حل مشکلات آنها و حمایت سیاسی آنها، وابسته شدند.

۱۴۴ مصاحبه با موسفید کوچی، بلوچی، فراه، جون ۲۰۱۷.

۱۴۵ مصاحبه با موسفید کوچی، قبیله اکبرخیل، مارچ ۲۰۱۷.

۱۴۶ مصاحبه با موسفید کوچی، قبیله ناصر، ولایت فراه، جون ۲۰۱۷.

۱۴۷ مصاحبه با موسفید قریه، قریه ملنگ، فبروری ۲۰۱۷.

۱۴۸ مصاحبه با موسفید کوچی، قبیله اکبرخیل، مارچ ۲۰۱۷.

۱۴۹ مصاحبه با موسفید کوچی، قبیله بابر، ولسوالی آزره، لوگر جنوری ۲۰۱۷.

۱۵۰ لیز آلدین، ویلی، (نبرد بر سر چراگاه: جنگ پنهان افغانستان)، Revue des Mondes musulmans et de la Méditerranée: ۱۲۳، جون ۲۰۱۳.

حمایت سیاسی بسیار ضروری است زیرا زمین ها اغلب به صورت غیر قانونی توسط رهبران کوچی غصب شده است و می تواند در نبود حمایت سیاسی به آسانی از آنها گرفته شود.^{۱۵۱}

انباشت سرمایه و تاسیس روابط سیاسی تا سطح بالای دولت افغانستان سبب ظهور زورمندان کوچی شد: یعنی رهبران کوچی که به قدر کافی سرمایه دار و قدرتمند اند تا بر سیاست ملی تاثیر مهمی بگذارد (به چوکات ۸ مراجعه کنید). در مصاحبه هایی که برای این پروژه انجام شد، مدام از نقش زورمندان کوچی در منازعات بین کوچی ها و ده نشین ها و خصوصا در موضوع اسکان کوچی ها نام برده شد. البته، ظهور زورمندان کوچی همراه شد با ظهور گسترده تر زورمندان به مثابه بازیگران اصلی در همه زمینه های زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی افغانستان. بسیار عادی است که طرف های جنگ همدیگر را متهم به دریافت کمک از بیرون کنند. تقریبا همه مصاحبه شوندهگان پروژه این موضوع را یادآوری کردند. اظهارات زیر که توسط یک مو سفید قریه در ده سبز ارائه شده است تنها یک مثال است:

منازعه ما با کوچی ها زمانی آغاز شد که آنها تصمیم گرفتند مناطق ما را تصرف و زمین های ما را غصب کنند؛ مافیا پشت آنها بود، طوری که بت خاک را گرفتند. خواستند ده سبز را نیز بگیرند، لذا ما مانع شان شدیم. همین دلیل بود که منازعه با کوچی ها شروع شد.^{۱۵۲}

اما در برخی از موارد، مصاحبه شوندهگان اعتراف کردند که خودشان هم از حمایت زورمندان بهره گرفته اند. یک مو سفید کوچی وقتی وضعیت در منطقه از ره (لوگر) را توضیح می داد، دوبار از زورمندان به عنوان دشمن و حامی نام برد:

منازعه ما در خلیل آباد وقتی شروع شد که قبیله استانکزی چراگاه های ما در خلیل آباد را تصرف کردند. در گذشته، این منازعات وجود نداشت زیرا ارزش زمین خیلی بلند نبود اما وقتی زمین گران شد، زورمندان همه منطقه را تصرف کردند و به چراگاه های ما حمله کردند. دلیل دیگر رشد جمعیت به دلیل برگشت شمار زیادی از مردم از پاکستان است. [نام حذف شد] که عضو پارلمان است و [نام حذف شد] به هر خانواده زمین می دهند و از آنها پول می گیرند.^{۱۵۳}

یک مو سفید تره خیل نیز به صراحت درباره تشویق قبیله شان از سوی یک زورمند کوچی سخن گفت:

قبیله تره خیل ما را تشویق می کند با گروه مقابل بجنگیم. اما پشت گروه مقابل مردم زورمند و مافیا و قوماندان ها است.^{۱۵۴}

یک میانجی بین کوچی ها و ده نشین ها در لوگر، زورمندان را به عنوان عامل منازعه بین کوچی ها و ده نشین ها می داند (به بخش ۴.۱ نیز نگاه کنید):

در این منازعه، بعضی از بازیگران بیرونی نیز دخیل اند. وقتی حکومت زمین را توزیع کرد، قیمت افزایش یافت. در نتیجه بعضی از بازیگران کلان کوچی مانند [نام حذف شد] آمد و برخی از کوچی ها را تشویق کرد که با ساکنین وارد جنگ شوند، ازین طریق خود شان از وضعیت سود می برند.^{۱۵۵}

یک نماینده کوچی در ده سبز نقش زورمندان کوچی در غصب زمین در کنار سایر زورمندان را تایید کرد. وی با اصرار تاکید کرد که اغلب کوچی ها در میان قربانیان زورمندان کوچی است، زیرا دسترسی به چراگاه را از دست می دهند.^{۱۵۶} نماینده دیگر در از ره قبول کرد که حداقل از دو زورمند کوچی حمایت دریافت کرده است.^{۱۵۷} موسفیدی گفت:

قبلا، وقتی این قومندان ها و مافیا نبود، هیچ منازعه ای نبود و هیچ کسی زمینی را غصب نمی کرد.^{۱۵۸}

۱۵۱ فابریزیو فوشینی، سرگردانی اجتماعی کوچی های افغانستان، برلین: شبکه تحلیلگران افغانستان، ۲۰۱۳.

۱۵۲ مصاحبه با موسفید قریه، منطقه خواجه چشت، ولسوالی ده سبز ولایت کابل، جنوری ۲۰۱۷.

۱۵۳ مصاحبه با موسفید کوچی قبیله نعیم خیل در منطقه خلیل آباد، ولایت لوگر، ۲۴ نوامبر ۲۰۱۶.

۱۵۴ مصاحبه با موسفید کوچی، قبیله بابکر خیل، ولسوالی ده سبز ولایت کابل، جنوری ۲۰۱۷.

۱۵۵ مصاحبه با میانجی قبیله بتوخیل در لوگر در مورد منازعه بین نیازی و عیسی خیل، اپریل ۲۰۱۸.

۱۵۶ مصاحبه با حاجی خان وزیر، رییس شورای خماری خیل، ده سبز و قره باغ، پوزه ای خروتی، باریک آب، اکتوبر ۲۰۱۷.

۱۵۷ مصاحبه با موسفید کوچی، قبیله بابر، نوامبر ۲۰۱۶.

۱۵۸ مصاحبه با موسفید، قبیله اندر، ولسوالی امام صاحب ولایت کندز، اپریل ۲۰۱۷.

سوال واقعی (که سزاوار تحقیق بیشتر است) این است که آیا این زورمندان تنها منازعات خاموش را فعال می سازند یا نقش شان بیشتر از آن است. به خصوص در مورد مناطق نزدیک شهرهای بزرگ، ادعاهایی وجود دارد که غاصبین زمین از مردم به عنوان (لشکر) برای غصب زمین به خاطر منافع تجاری شان استفاده می کنند. این ادعاها نه تنها توسط طرف های رقیب در منازعه بلکه توسط یکی از مسئولین ریاست کوچی نیز مطرح شد:

این جنگ سالاران در همه منازعات و تنش ها دخیل اند زیرا از تنش ها سود می برند. موسفیدان کوچی نیز در این منازعات دخیل اند و به اعضای قبیله شان می گویند مواشی شان را نگه دارند و زمین را نیز غصب و اشغال کنند. [نام حذف شد] در این منازعات دخیل است و به نحوی به غصب زمین توسط کوچی ها کمک می کند. جنگ سالاران نیز زمین را غصب می کنند زیرا چراگاه تیرا و چراگاه تامور را غصب کردند و شروع کردند به ساختن خانه های مسکونی.^{۱۵۹}

یک میانجی اختلافات در لوگر نیز دیدگاه مشابهی را مطرح کرد، و گفت زورمندان پشت ۸۰ فیصد این قضایا است و تلاش می کنند از تنش ها برای کسب منفعت استفاده کنند.^{۱۶۰} از آنجایی که مناطق مسکونی خودسر و فاقد مجوز باعث تنش است، رهبران کوچی ها باید با زورمندان کوچی و سیاستمداران کشور رابطه برقرار کنند تا از حمایت آنها برخوردار شده و به مرور در منازعات کلان تر سهیم می شوند. برخی از گروه ها در این کار موفق تر از دیگران اند.^{۱۶۱} حتی موسی خیل های وزیر کاریز^{۱۶۲} خود شان را را زیر حمایت زورمندان کوچی قرار داده اند، زورمندانی که می کوشند از روابط شان در درون حکومت استفاده کنند. از کوچی های ساکن خواسته شده بود به خاطر دریافت (کمک) مقامات حکومتی، هزینه بپردازند. همچنان از آنها خواسته شده بود در زمان بحران از رهبران کوچی حمایت کنند.^{۱۶۳}



۱۵۹ مصاحبه با یکی از مسئولین ریاست کوچی ها، ولایت لوگر، فبروری ۲۰۱۸.

۱۶۰ مصاحبه با میانجی قبیله بتوخیل در لوگر در مورد منازعه بین نیازی و عیسی خیل، اپریل ۲۰۱۸.

۱۶۱ کوچی ساکن، منطقه کوچی آباد، ۲ مارچ ۲۰۱۹؛ کوچی ساکن، منطقه کوچی آباد، ۳ مارچ ۲۰۱۹؛ کوچی ساکن، منطقه کوچی آباد، ۴ مارچ ۲۰۱۹؛

۱۶۲ منطقه مسکونی وزیر کاریز در سال ۲۰۱۳ با مجوز حکومت در ولسوالی خوشی لوگر تاسیس شد.

۱۶۳ کوچی ساکن، منطقه وزیر کاریز، لوگر، ۱ اپریل ۲۰۱۹؛ کوچی ساکن، منطقه وزیر کاریز، لوگر، ۲ اپریل ۲۰۱۹؛ کوچی ساکن، منطقه وزیر کاریز، لوگر، ۳ اپریل ۲۰۱۹؛

چوکات ۸: زورمند کوچی چگونه نقش خویش را تحکیم می کند

زورمندی که شهرک حاجی جنت گل را کنترل می کند، به کسانی که از وی زمین خریده اند، خودش (قباله زمین) صادر می کند اما خریداران هیچ سندی از مراجع دولتی نگرفته اند. برخی از این افراد معتقدند این زورمند مانع مقامات دولتی برای صدور اسناد رسمی زمین می شود تا مردم را در انقیاد خود نگه دارد^{۱۶۴}. موسفید دیگر به خاطر حمایتی که وی و قبیله اش دریافت کرده است، اظهار قدردانی کرد:

در این جریان، ما با [نام حذف شد] ملاقات کردیم و از وی تقاضا کردیم قبیله نصیر را در توزیع نمره ها و زمین ها در محله مذکور مد نظر بگیرد. وی قبول کرد و گفت برای هر خانواده‌ی قبیله ما دو نمره زمین می دهد اما این معامله مشروط به آن است که قبیله نصیر بپذیرد در زمان ضرورت از وی حمایت و به وی کمک کند. ما پذیرفتیم [...] پس از نقشه برداری منطقه توسط افراد وی، وی برای ۲۰ خانواده از قبیله نصیر، ۴۰ نمره زمین داد، که هر کدام شامل ۴۰۰ متر مربع زمین برای اعمار خانه است^{۱۶۵}.

زورمند شهرک جنت گل به ساکنین محل می گوید وی از آنها در برابر هرگونه تهدید محافظت می کند و شهرداری کابل را مجبور می سازد به آنها خدمات ارائه کند^{۱۶۶}. در حقیقت، وی شاید در تلاش است مردم را وابسته به محافظت توسط خود بسازد. یکی از افراد گفت:

[نام حذف شد] به ما می گوید وی از ما در برابر هر نوع مشکل محافظت می کند. وی اغلب در مورد نفوذ خویش در حکومت سخن می گوید و معتقد است هر رییس جمهور برای انتخاب شدن نیازمند حمایت اوست و ادعای دیگری نیز دارد. [...] اگر روزی فرا برسد که [نام حذف شد] نباشد، ما قطعا دچار مشکل می شویم زیرا او مدیریت همه امور داخل و بیرون شهرک را در اختیار دارد^{۱۶۷}.

این زورمند از اهرمی که در اختیار دارد برای بسیج مردم برای حمایت از خود استفاده می کند - آخرین مورد در فبروری ۲۰۱۹ اتفاق افتاد، زمانی که وی مردم را مجبور کرد در تظاهراتی که وی علیه حکومت مرکزی سازماندهی کرده بود، شرکت کنند. این زورمند به صورت مداوم با سایر زورمندان محلی و مردم درگیر است، مردمی که وی علیه آنها کار می کند. احتمالا، اسکان کوچی ها این پایگاه قدرت را ایجاد کرده است که این ریش سفید کوچی را به یک زورمند تبدیل کرده است^{۱۶۸}.

۳.۲. ۷ محرک های سیاسی منازعه

منازعه کلان تر

شرایط سیاسی کنونی تاثیر بزرگی بر منازعه کوچی-ده نشین دارد. مثال به وضوح نشان می دهد که منازعه جاری دسترسی کوچی به مناطق خاصی را که بر اثر عواملی مانند خشونت یا مابین متاثر شده است، محدود می سازد و در نتیجه آنها را مجبور می کند توجه شان را روی شمار محدود چراگاه های امن متمرکز سازند^{۱۶۹}. این وضعیت توافق از طریق مذاکره را دشوارتر می سازد، چنانچه یکی از مسئولین ریاست کوچی ها توضیح داد:

فکر می کنم اگر نظم و امنیت در افغانستان برقرار نشود، توافق میان ساکنین و کوچی ها برای مدت طولانی ثابت نخواهد ماند. برای مثال، در ولسوالی برکی برک بین کوچی ها و ساکنین محل توافق وجود داشت. در آن زمان، امنیت خوب بود و هرکس [از توافق] اطاعت می کرد اما وقتی وضعیت امنیتی خراب شد، هیچ یک از طرفین به توافقنامه احترام نگذاشتند. اگر امنیت خوب باشد، توافقنامه تطبیق می شود. اگر نه، هیچ کسی را نمی بینیم که به توافقنامه احترام کند^{۱۷۰}.

۱۶۴ مصاحبه با کوچی ساکن در حاجی جنت گل، ۱ فبروری ۲۰۱۹؛ مصاحبه با کوچی ساکن در حاجی جنت گل، ۳ مارچ ۲۰۱۹

۱۶۵ مصاحبه با کوچی ساکن در حاجی جنت گل، ۴ مارچ ۲۰۱۹

۱۶۶ مصاحبه با کوچی ساکن در حاجی جنت گل، ۴ مارچ ۲۰۱۹

۱۶۷ مصاحبه با کوچی ساکن در حاجی جنت گل، ۳ مارچ ۲۰۱۹

۱۶۸ مصاحبه با کوچی ساکن در حاجی جنت گل، ۱ فبروری ۲۰۱۹؛ مصاحبه با کوچی ساکن در حاجی جنت گل، ۲ فبروری ۲۰۱۹؛ مصاحبه با کوچی ساکن در حاجی جنت گل، ۳ مارچ ۲۰۱۹؛ مصاحبه با کوچی ساکن در حاجی جنت گل، ۴ مارچ ۲۰۱۹؛ مصاحبه با کوچی ساکن در حاجی جنت گل، ۳ مارچ ۲۰۱۹.

۱۶۹ مصاحبه با داکتر عصمت الله خوشحال، مشاور رییس عمومی ریاست عمومی مستقل کوچی ها، اکتوبر ۲۰۱۷.

۱۷۰ مصاحبه با موسی پوپل، رییس ریاست کوچی ها، ولایت لوگر، فبروری ۲۰۱۸.

تغییر موازنه قدرت

موازنه در حال تغییر قدرت بین گروه های اجتماعی عامل دیگری است که به بروز سطوحی از منازعه کمک می کند. نظم کهن اجتماعی قبل از جنگ توسط دهه ها جنگ تضعیف شد، به گونه ای که هر اجتماع یا خودشان مسلح شدند یا با گروه های مسلح رابطه برقرار کردند. در شرایط جدید، مردمی که در گذشته به کوچی ها تعظیم می کردند، قاطع تر شدند، وضعیتی که منازعه بیشتری را رقم زد. آشکار ترین مثال این وضعیت در هزاره جات دیده شد (به چوکات ۹ مراجعه کنید)، زمانی که هزاره ها توانستند در دهه ۱۹۸۰ و دوباره در ۲۰۰۱ مسلح شوند، زمانی که در نهادهای سیاسی مرکزی نیز سهم گرفتند، چیزی که قبلا هرگز اتفاق نیفتاده بود. اما این رخدادی بی مانند نیست. یکی از پشتون های اندر در امام صاحب (کندز) گفت:

قبلا، پدر کلان ها ما و بدران ما با اوزبیک ها خوب زندگی می کردند و هیچ مشکلی نبود. وقتی انقلاب شروع شد، بعضی از مردم اسلحه گرفتند و قدرتمند شدند. همین وضعیت باعث این منازعات شد. قبلا، اوزبیک ها زمین های ما را نمی گرفتند؛ وقتی قدرت گرفتند، شروع کردند به تجاوز بر زمین های ما^{۱۷۱}.

چوکات ۹: جابجایی قدرت در هزاره جات

عادی ترین مثال جابجایی قدرت که بر کوچی در افغانستان تاثیر گذاشت، نمونه هزاره جات بود. هزاره ها از وضعیت ستمدیدی، در دهه ۱۹۸۰ و اوایل ۱۹۹۰ و دوباره در نظام بعد از ۲۰۰۱ به شرکای برابر بدل شدند. بسیار شایع است که از ده نشین های هزاره بشنومیم که در دهه ۱۹۸۰ و نیمه نخست ۱۹۹۰، هزاره جات تحت کنترل احزاب و سازمان های شبه نظامی هزاره بود. از اوایل دهه ۱۹۸۰ به بعد، این سازمان ها مانع ورود کوچی ها به هزاره جات شدند. این زمانی بود که مراحل نخست منازعه خشونت آمیز شروع شد. بعداً، توانمند شدن کوچی ها در زمان امارت اسلامی طالبان (۱۹۹۶-۲۰۰۱) سبب شد کوچی ها نه تنها دوباره به هزاره جات دسترسی پیدا کنند بلکه در زمان مهاجرت ها به گونه لجام گسیخته تر رفتار کنند، و هزاره هایی که اکنون شکست خورده بودند و خلع سلاح بودند نمی توانستند با آنها مخالفت کنند. به گفته باشندگان محل، بعد از سقوط امارت، کوچی ها تلاش کردند مهاجرت های کنترل نشده شان را ادامه دهند اما با واکنش مردم و سازمان های هزاره روبرو شدند^{۱۷۲}. یک مو سفید هزاره بهسود تغییرات را این گونه به صورت کوتاه بیان کرد:

پیش از طالبان، زمان مجاهدین بود و مردم هزاره در ولایات مرکزی افغانستان به قدر کافی قدرت داشتند که کوچی ها نتوانستند بعد از سال ۱۳۸۵ (۱۹۷۹) به منطقه بیایند. [...] جنگ در اوایل حکومت کرزی شروع شد چون در زمان طالبان کوچی ها قدرت زیادی داشتند و مردم هزاره محروم از قدرت. [...] وقتی حکومت کرزی تاسیس شد، کوچی ها دوباره فکر کردند که مثل دوران طالبان قدرت دارند و می توانند هزاران راس مواشی را از طریق روستاهای ولسوالی های بهسود و دایمیرداد بیاورند و به ولایات مرکزی افغانستان مانند بامیان و غور بروند. اما ما [هزاره ها] مثل دوران طالبان ناتوان نبودیم و [...] ما در برابر کوچی ها ایستادیم^{۱۷۳}.

قابل تعجب نیست که دیدگاه کوچی ها در مورد این تحولات کاملاً منفی است، مثلاً یک مو سفید مالاخیل چنین گفت:

حکومت های قبل از جنگ خیلی خوب بود. در آن زمان هزاره ها تنها می توانستند سرباز باشند، نه افسر. در حکومت های گذشته، کوچی ها همه جا می رفتند و هیچ مشکلی برای ما وجود نداشت. حکومت فعلی خوب نیست؛ کوچی ها را محدود می سازد اما به هزاره ها اجازه می دهد از اسلحه شان استفاده کنند^{۱۷۴}.

۱۷۱ مصاحبه با موسفید، قبیله اندر، ولسوالی امام صاحب ولایت کندز، اپریل ۲۰۱۷.

۱۷۲ مصاحبه با موسفید قریه، قریه کاروانی، منطقه سرچشمه، فبروری ۲۰۱۷.

۱۷۳ مصاحبه با موسفید قریه، قریه کاروانی منطقه سرچشمه، ۱۵ فبروری ۲۰۱۷.

۱۷۴ مصاحبه با موسفید کوچی، قبیله مالاخیل، ولایت غزنی، اپریل ۲۰۱۷.

۴. تأثیر و اهمیت منازعه بر دولت و جامعه

۱،۴ سوء استفاده بیرونی

چنانچه در بخش ۱.۲.۳ بیان شد، هر دو طرف همدیگر را متهم به دریافت حمایت از زورمندان و (مافیا) می کنند. اما گاهی ادعاهایی نیز در باره حمایت توسط یکی از گروه های شورشی نیز وجود دارد^{۱۷۵}. بر اساس گفته موسفید یکی از گروه های مردمی دهقان، سراج الدین حقانی به دهقان ها مکتوب فرستاد و از آنها خواست به کوچی ها، به خصوص نیازی ها، کاری نداشته باشند^{۱۷۶}.

دو طرف این اختلافات اغلب همدیگر را به داشتن حمایت حکومتی متهم می کند. برای مثال، در منطقه دیری، یکی از موسفیدان کوچی رقبای شان را به داشتن حمایت مقامات حکومتی متهم کرد:

ما تلاش می کنیم مشکلات دیگر را نیز حل کنیم اما یک خانواده دگروال در خوست است. در حکومت قدرت دارد و نمی خواهد مشکلات حل شود. [...] این افراد قدرتمند مرتکب جنایت می شوند و حکومت از آنها پشتیبانی می کند. [...] راه حل این موضوع، خاتمه دادن به گروه های قدرتمند و مافیا است. اگر ما مشکلات را از طریق شورای قبیله ای حل کردیم این افراد زورمند دوباره زمین را می گیرند به خاطری که مقامات حکومتی به آنها کمک می کنند^{۱۷۷}.

روستا نشین دیگری عین اتهامات را متوجه کوچی ها ساخت:

نه تنها کوچی ها، بلکه در هر ولایت، افراد قدرتمند زمین ها را غصب می کنند. [...] اینها گروه های مافیایی اند. مثلاً، پشت سر قبیله نیازی [نام حذف شد] قرار دارد و به آنها می گوید که او از ایشان حمایت می کند^{۱۷۸}.

این اتهامات معمولاً محل اختلاف است. برای مثال، باشندگان هزاره ولسوالی بهسود دریافت کمک از سایر مناطق هزاره جات و احزاب و گروه های هزاره را رد می کنند؛ در عوض، چنانچه در بالا نقل شد، آنها مدعی اند که حیوانات شان را فروخته اند تا اسلحه بخرند (به چوکات ۲ نیز مراجعه کنید)^{۱۷۹}. اما ظاهراً احتمال نمی رود که دهاقین محلی هزاره توانسته باشند بدون حمایت احزاب و فرماندهان سابق شبه نظامی هزاره، در برابر کوچی ها مقاومت کرده باشند. بر اساس گزارش ها، فرماندهان شبه نظامی صدها نفر را برای حمایت از هزاره های بهسود بسیج کرده اند.

به همین صورت، مصاحبه شوندهگان کوچی درگیر در بهسود دریافت کمک بیرونی را رد می کنند هرچند همواره متهم به همکاری با طالبان و گاهی با زورمندان کوچی است، که منجر به درگیری های خشونت بار بین کوچی ها و هزاره ها شده و هر ساله چندین قربانی گرفته است^{۱۸۰}. اما باز هم بعضی از منابع کوچی حد اقل می پذیرند که در بهسود از شورای قبیله ای شان کمک گرفته اند، هم پول نقد و هم داوطلبانی که از قبایل دیگر فرستاده شده اند^{۱۸۱}. بعضی از مصاحبه شوندهگان کوچی حتی می پذیرند که از سیاست مداران ملی پشتون غیر کوچی کمک دریافت کرده اند^{۱۸۲}. حداقل دو مصاحبه شونده پذیرفت که از یکی یا بیشتر زورمندان کوچی کمک دریافت کرده اند^{۱۸۳}. تنها یک مصاحبه شونده پذیرفت که یک سازمان شورشی به آنها اسلحه داده اند^{۱۸۴}. مصاحبه شونده دیگری اذعان کرد که گاهی طالبان

۱۷۵ مصاحبه با موسفید قریه، قریه چکری، ولسوالی خاک جبار، ولایت کابل، فبروری ۲۰۱۷؛ مصاحبه با موسفید قریه، قریه ملنگ، فبروری ۲۰۱۷؛ مصاحبه با موسفید کوچی، محله باغی، ولسوالی خاک جبار ولایت کابل، مارچ ۲۰۱۷؛ مصاحبه با موسفید قریه در منطقه الیاس خان ولایت لوگر، دسامبر ۲۰۱۶.

۱۷۶ مصاحبه با موسفید قریه، قبیله تیرون، ولایت خوست (دیری)، اپریل ۲۰۱۷.

۱۷۷ مصاحبه با موسفید کوچی، قبیله مرک خیل در منطقه دیری ولایت خوست، ۷ اپریل ۲۰۱۷.

۱۷۸ مصاحبه با موسفید دهقان، منطقه متونوال در دیری ولایت خوست، ۸ اپریل ۲۰۱۷.

۱۷۹ مصاحبه با موسفید قریه، قریه کاروانی منطقه سرچشمه، ۱۵ فبروری ۲۰۱۷؛ مصاحبه با موسفید جامعه دهقان، قریه لته بند، منطقه کجاب ولسوالی بهسود، فبروری ۲۰۱۷.

۱۸۰ مصاحبه با موسفید جامعه دهقان، قریه لته بند، منطقه کجاب ولسوالی بهسود، فبروری ۲۰۱۷؛ مصاحبه با عضو شورای کوچی های افغانستان، کابل، جون ۲۰۱۷؛ مصاحبه با محمد همایون عزیزی، ریاست کوچی ها، ولایت میدان وردک، فبروری ۲۰۱۸.

۱۸۱ مصاحبه با عضو شورای کوچی های افغانستان، کابل، جون ۲۰۱۷؛ مصاحبه با موسفید کوچی، قبیله کروخیل، ولایت میدان وردک، نوامبر ۲۰۱۶.

۱۸۲ مصاحبه با موسفید کوچی، قبیله کروخیل، ولایت میدان وردک، نوامبر ۲۰۱۶؛ مصاحبه با موسفید کوچی، قبیله ناصر، منطقه سرچشمه ولایت میدان وردک، نوامبر ۲۰۱۶.

۱۸۳ مصاحبه با موسفید کوچی، قبیله ناصر، منطقه سرچشمه ولایت میدان وردک، نوامبر ۲۰۱۶؛ مصاحبه با عضو شورای کوچی های افغانستان، کابل، جون ۲۰۱۷.

۱۸۴ مصاحبه با موسفید کوچی، قبیله ناصر، منطقه سرچشمه ولایت میدان وردک، نوامبر ۲۰۱۶.

به کوچی ها کمک کرده اند، قبل از اینکه آنها را تنها بگذارند^{۱۸۵}.

دو دهقان و کوچی در ده سبز نیز، وقتی به جدیت از آنها پرسیده شد، پذیرفتند که آنها نه تنها از زورمندان بلکه از سیاستمداران کابل نشین و شوراهای قبیله‌یی و محلی نیز کمک درخواست کرده اند یا گرفته اند^{۱۸۶}. یک منبع کوچی قبول کرد که از طالبان اسلحه دریافت کرده اند:

تشکر از طالبان به خاطر مسلح کردن کوچی ها، به خاطری که هر کس با کوچی ها بد رفتاری می کرد و فعلا کوچی ها می توانند از خودشان دفاع کنند. [...] طالبان با دادن اسلحه و دیگر چیزها به ما کمک کردند و ما کمک بیشتری از آنها می خواهیم. اگر حکومت به حرف ما گوش ندهد، ما راه دیگری نداریم؛ ما از طالبان کمک خواهیم گرفت^{۱۸۷}.

جوامع رقیب در ازره نیز می پذیرند که خواستار کمک بیرونی از سیاستمداران و مقامات حکومتی شده اند، تقاضاهایی که حداقل به صورت نسبی موفق بوده است.^{۱۸۸} حداقل یک کوچی پذیرفت که از حزب اسلامی حمایت دریافت کرده است^{۱۸۹}.

بنا بر این، واضح است که حداقل بخشی از ادعاهای حمایت بیرونی درست است. روشن است که زورمندان و گروه های سیاسی گاهی، اگر نه همیشه، در شماری از منازعات نقش دارند.

اما آیا این کافی است که ادعای تکراری که احزاب، سیاستمداران و شورشی ها یکی از نیروهای محرک برای منازعه کوچی دهقان است، اثبات شود^{۱۹۰}؟ ادعای دست داشتن بیرونی چنان شایع است که هیچ کس کاری نمی تواند به جز اینکه فکر کنند آیا قربانی این وضعیت ناممکن شده است، به خصوص در فضای رشد سریع جمعیتی و رشد منفی اقتصادی. بنابراین، هرچند ادعاها احتمالا مبالغه آمیز است، ورود به منازعه های دوامدار برای جوامع کوچی و دهقان بدون داشتن حمایت چنین بازیگرانی، بسیار دشوار خواهد بود. به نظر می رسد مناسب است در مورد کنشگران بیرونی که می توانند در نهایت به عنوان عامل بذر کینه در میان جوامع عمل کنند، تحقیق شود.

به صورت فشرده، مدتی است که منازعه کنشگران بیرونی را جلب کرده است. زورمندان، احزاب و سیاستمداران همگی منابع بزرگ تر از کوچی ها یا جوامع مستقر در اختیار دارند و به صورت بالقوه می توانند این منازعات محلی را با منازعات کلان تر پیوند دهند. در نتیجه، آنچه در ابتدا یک منازعه ساده کوچی-ده نشین بود امکان دارد به انواع دیگر منازعه تبدیل و در آن ادغام شود.

۱۸۵ مصاحبه با عضو شورای کوچی های افغانستان، کابل، جون ۲۰۱۷

۱۸۶ مصاحبه با موسفید قریه، ده سبز ولایت کابل، جنوری ۲۰۱۷؛ مصاحبه با موسفید قریه، منطقه خواجه چشت، ده سبز ولایت کابل، جنوری ۲۰۱۷؛ مصاحبه با موسفید قریه، قریه پای منار، ده سبز ولایت کابل، جنوری ۲۰۱۷؛ مصاحبه با موسفید کوچی، قبیله تره خیل، ولسوالی ده سبز ولایت کابل، جنوری ۲۰۱۷؛ مصاحبه با موسفید کوچی، قبیله تتر، ولسوالی ده سبز ولایت کابل، جنوری ۲۰۱۷؛ مصاحبه با موسفید قریه، محله باغگی، ولسوالی خاک جبار ولایت کابل، مارچ ۲۰۱۷؛ مصاحبه با موسفید کوچی، قبیله اکبرخیل، مارچ ۲۰۱۷.

۱۸۷ مصاحبه با موسفید کوچی، قبیله اکبرخیل، مارچ ۲۰۱۷.

۱۸۸ مصاحبه با موسفید قبیله سلطان خیل در ولایت لوگر، نوامبر ۲۰۱۶؛ مصاحبه با موسفید قریه، قبیله ادرم زی، قریه آب بازک، دسامبر ۲۰۱۶؛ مصاحبه با موسفید قبیله نعیم خیل در منطقه خلیل آباد ولایت لوگر، نوامبر ۲۰۱۶.

۱۸۹ مصاحبه با موسفید کوچی، قبیله بابر، نوامبر ۲۰۱۶.

۱۹۰ مصاحبه با موسفید قبیله سلطان خیل در ولایت لوگر، نوامبر ۲۰۱۶؛ مصاحبه با موسفید قریه، قبیله ادرم زی، قریه آب بازک، دسامبر ۲۰۱۶؛ مصاحبه با موسفید قبیله نعیم خیل در منطقه خلیل آباد ولایت لوگر، نوامبر ۲۰۱۶.

۲,۴ قومی و قبیله سازی

لازم است به عنوان مثال دیگری برای پروسه تحول منازعه اشاره شود که برخی از مصاحبه‌هایی که توسط تیم تحقیق انجام شده به وضوح نشان دهنده تمایل به قومی سازی منازعه است. برای نمونه، در ده سبز، یک موسفید تاجیک اشاره کرد که ساکنین محلی پشتون به صورت خودکار پشتیان کوچی‌های هم تبار پشتون خویش اند:

در قلعه حاجی محمد افضل خان پشتون‌ها زندگی می‌کنند و به کوچی‌ها کمک می‌کنند. مردم زرین قلعه نیز پشتون‌اند و برای گرفتن زمین‌های ما و تقسیم آن بین خودشان و کوچی‌ها، به کوچی‌ها کمک می‌کنند.^{۱۹۱}

یک مصاحبه‌شونده کوچی دیدگاه مشابهی بیان کرد، و گفت چندین شورای قبیله‌یی و سیاستمداران پشتون به آنها مراجعه کرده و وعده کمک داده، وی گفت: (این بازی پشتو و دری است. نباید خود را ضعیف نشان داد)^{۱۹۲}.

فرضیه موسفید دیگری در ولسوالی امام صاحب این بود که باشندگان محل بر اساس تعلقات قومی به طرفداری از کوچی‌ها یا مخالفت با آنها تقسیم شده‌اند.

اینجا رقابت بین پشتون‌ها و اوزبیک‌ها است، در نتیجه همه قریه‌های پشتون و اوزبیک در منازعه درگیر اند.^{۱۹۳}

یک دهقان پشتون در خاک جبار تشریح کرد که چگونه سیاستمداری متعلق به قوم ایشان تلاش کرد زورمندان کوچی را که در غصب زمین در منطقه دست دارند قانع کنند که به آنها کاری نداشته باشند، با این استدلال که آنها هم پشتون‌اند، نه تاجیک.^{۱۹۴}

در مناطق دارای تجانس قومی، نشانه‌هایی از قبیله‌سازی وجود دارد. برای مثال، در خوست، جمعیت محلی به لحاظ گونه‌شناسی قبیله‌یی کرلانی است، در حالی که کوچی‌هایی که زمستان را در آنجا سپری می‌کنند غلزی است. یک کوچی نیازی گفت، (می‌گویند شما نباید اینجا بیایید به خاطر این که شما غلزایی هستید)^{۱۹۵}. یکی از موسفیدان مستقر محلی با این گفته موافق بود:

سایر روستاها نیز در این منازعه با کوچی‌ها دخیل‌اند، مانند متونوال، پیری و تیرون. در مورد نیازی هم همین مسئله است: قبایل دیگری وجود دارد که در این منازعات دست دارند، مانند عیسی خیل، ناصر، و دولت زی. این قبایل به نیازی کمک می‌کنند. این یک منازعه بزرگ بین غلزی و کارلا است.^{۱۹۶}

بسیار شتاب زده خواهد بود اگر منازعه کوچی-ده نشین از زاویه قومی یا قبیله‌یی توصیف شود اما تمایلی به سوی قومی سازی/قبیله‌یی سازی وجود دارد که به پروسه‌های کلان تر قطبی سازی قومی در افغانستان کمک می‌کند. تهدید به تشدید جنگ به تکرار در مصاحبه‌ها شنیده شد، حتی در مجاورت پایتخت:

ما از این چراگاه‌های مورد منازعه استفاده خواهیم کرد و به آنهایی که برای ما مشکل ایجاد می‌کنند، اجازه نخواهیم داد. ما در کوچی آباد خانه ساختیم و می‌خواهیم در خاک جبار و چارنیزی نیز خانه بسازیم. اگر [نام حذف شد] و [نام حذف شد] به ما اجازه نمی‌دهند ما هم به آنها اجازه نخواهیم داد وارد کابل شوند و سرک را به روی آنها می‌بندیم. اگر کسی در برابر ما بایستد، ما با آنها خواهیم جنگید و راه دیگری نداریم.^{۱۹۷}

اینجا مذاکره کار نمی‌کند [...] ما چند موسفید را پیش وی فرستادیم ولی [نام حذف شد] آنها را در زندان انداختند [...]. ما می‌خواهیم مشکل از طریق مذاکره حل شود اما آنها گوش نمی‌دهند. پس باید قدرت نشان بدهیم.^{۱۹۸}

- ۱۹۱ مصاحبه با موسفید تاجیک قریه پای منار ولسوالی ده سبز، ولایت کابل، جنوری ۲۰۱۷.
- ۱۹۲ مصاحبه با موسفید کوچی، قبیله نغر، ولسوالی ده سبز ولایت کابل، جنوری ۲۰۱۷.
- ۱۹۳ مصاحبه با موسفید قریه، منطقه کول علاخیل، امام صاحب، اپریل ۲۰۱۷.
- ۱۹۴ مصاحبه با موسفید قریه، محله باغگی، ولسوالی خاک جبار، ولایت کابل، مارچ ۲۰۱۷.
- ۱۹۵ مصاحبه با موسفید کوچی، قبیله نیازی، منطقه دیری ولایت خوست، اپریل ۲۰۱۷.
- ۱۹۶ مصاحبه با موسفید قریه، قبیله متونوال، منطقه دیری ولایت خوست، اپریل ۲۰۱۷.
- ۱۹۷ مصاحبه با موسفید کوچی، کوچی آباد بت خاک، کابل، مارچ ۲۰۱۷.
- ۱۹۸ مصاحبه با موسفید قریه، منطقه خواجه چشت، ولسوالی ده سبز، کابل، جنوری ۲۰۱۷.

۳،۴ دولت ناکارآمد و غایب پنداشته می شود

کاهش سلطه دولت تنها یک بعد مساله است. چنانچه در بخش ۱.۵ گفته شد، حتی قبل از جنگ قوانین متعددی که از سوی دولت افغانستان تصویب شده بودند، اغلب توسط مقامات محلی و مردم نادیده گرفته می شد. در حال حاضر، چنانچه یک مقام حکومتی گفت، حتی در ساحات تحت نفوذ حکومت، نهادهای دولتی معمولاً توانایی یا اراده کمک را ندارند. ممکن است در برخی از موارد زورمندان محلی آشکارا مقامات حکومتی را به چالش بکشند^{۱۹۹}. تقریباً همه مصاحبه شوندهگان کوچی و مستقر در مطالعات موردی حکومت و حتی دولت را به عنوان دسته ای نامنسجم از جناح های رقیب خواندند که توانایی اقدام منسجم در هیچ زمینه را ندارد.

بنا بر این، قابل تعجب نیست که مردم درگیر در منازعه از دخالت دولت استقبال نمی کنند. نمونه محدودی از کوچی ها و ده نشین ها (در مجموع، ۴۰) که برای مطالعات موردی این پروژه با آنها مصاحبه شد، درباره دخالت مقامات دولتی در منازعه و حل اختلاف پاسخ های بسیار مشابه دادند (به جدول نگاه کنید). حدود ۴۰ مصاحبه کوچی و مستقر گفتند برای کمک به مقامات حکومتی مراجعه کرده اند؛ هیچ یک از مصاحبه شوندهگان نگفتند مقامات حکومتی کمک کرده اند. برخی از مسئولین حکومتی مدعی موفقیت شان در حل منازعه و اختلافات مربوط به کوچی ها است، البته همیشه به صورت غیر مستقیم (از طریق اتکا به میانجی گری جانب سوم؛ به بخش زیر نگاه کنید)^{۲۰۰}. اما تصویر غم انگیز مقامات حکومتی اکثراً ضعف شدید دولت را تایید می کند؛ مقامات معمولاً تنها می توانند اختلافات کوچک در مورد تصرف حیوانات و آسیب محدود به محصولات را حل کنند^{۲۰۱}. کنشگران بیرونی نیز مایل اند نقش ناچیز مقامات حکومتی را تایید کنند^{۲۰۲}.

بین دو گروه مصاحبه شوندهگان مطالعه موردی درباره دفعات تقاضای میانجی گری بیرونی (از منابع غیر دولتی) اختلافاتی وجود دارد. در ۸۰ درصد موارد، کوچی ها گفته اند که آنها تقاضای میانجی گری کرده اند، هرچند موفقیت اندکی داشته اند (تنها یک چهارم کسانی که پاسخ مثبت دادند تایید کردند که میانجی گری نتیجه مثبت داشته است). در عوض، ۶۰ درصد ده نشین ها به این سوال که آیا خواستار میانجی گری غیر دولتی شده اند، پاسخ مثبت داده اند اما به نظر می رسد، به صورت متوسط، در حصول نتیجه از طریق میانجی گری موفق تر از کوچی ها بوده اند. بیش از نیمی از کسانی که پاسخ مثبت داده اند نتیجه مثبت میانجی گری را تایید کرده اند.

۱۹۹ مصاحبه با موسی پوپل، رییس ریاست کوچی ها، ولایت لوگر، فبروری ۲۰۱۸؛ مصاحبه با یکی از مسئولین ریاست کوچی در ولایت خوست، فبروری ۲۰۱۸؛ مصاحبه با محمد همایون عزیزی، رییس ریاست کوچی ها، ولایت میدان وردک.

۲۰۰ مصاحبه با انجینیر فضل احمد نورزی، رئیس ریاست کوچی ها، ولایت فراه.

۲۰۱ مصاحبه با موسی پوپل، رییس دفتر ریاست کوچی ها در ولایت لوگر، فبروری ۲۰۱۸؛ مصاحبه با مشاور رییس عمومی ریاست عمومی مستقل کوچی ها، اکتوبر ۲۰۱۷.

۲۰۲ مصاحبه با حاجی محمد رحیم تره خیل، یکی از وابستگان نزدیک ملا تره خیل، مصاحبه با عبدالمبین بیگ، وابسته نزدیک و سرکتر عبدالروف ابراهیمی.

۴،۴ پیامدهای تاثیرگذار بر مشروعیت دولتی

منفعت مقامات حکومتی در آن است که تلاش بیشتر دولت برای حذف منابع منازعه و حل اختلاف را تایید کند^{۲۰۳}. در بعضی از موارد، این مقامات خواستار استقرار نیروهای مسلح برای پایان دادن به منازعه شدند^{۲۰۴}. اما بدون توجه به دیدگاه‌های شخصی آنها، سروی نشان داده است که از نگاه دولت، مشکل اتکا به کنشگران غیر دولتی برای میانجی‌گری منازعات این است که طرف‌های درگیر در اختلاف شاید نقش دولت را نپذیرند. به عبارت دیگر، در چنین مواردی، هیچ دستاورد مثبتی برای دولت به لحاظ تقویت مشروعیت وجود ندارد.

یکی از ابزارهای سنخ بحران مشروعیت دولت میزان اعتراف کوچی‌ها و ده‌نشین‌های دخیل در منازعه با یکدیگر به درخواست از (سیاستمداران) و زورمندان برای کمک است (به ترتیب ۷۰ درصد و ۷۵ درصد)، که در نتیجه ادارات مرکزی دور زده می‌شوند. مصاحبه‌شوندگان به دلیل ناکامی دولت در حل اختلافات و منازعات، اغلب به امکان درخواست کمک از طالبان اشاره کردند^{۲۰۵}. ممکن است سخن بیهوده‌ای به نظر برسد اما چنانچه در بخش ۱.۴ گفته شد، جوامع درگیر منازعه محلی گاهی به گروه‌های شورشی مراجعه کرده‌اند. یک موسفید قبیله‌اندز گفت:

حکومت توانایی تطبیق تصمیم خود و توانایی حمایت از حق جامعه ما را ندارد. محاکم سه بار به نفع ما تصمیم گرفتند، پس چرا حکومت نمی‌تواند آن را تطبیق کند؟ مردم بسیار قدرتمند اند و حکومت نمی‌تواند علیه آنها اقدام کند. در حال حاضر تنها طالبان مانده‌اند که در مورد ما تصمیم بگیرند اما طالبان نیز از ما پول می‌خواهند. ما گنج شده ایم که به کدام طرف برویم. تنها داعش مانده است^{۲۰۶}.

ادعاهایی مبنی بر درخواست یکسان کوچی‌ها و باشندگان محل برای حمایت از عناصر ضد حکومتی چندین بار در جریان پروژه مطرح شد. در برخی از موارد، خود مصاحبه‌شوندگان مدعی شدند در گذشته از شورشیان درخواست کمک کرده‌اند، خواه برای میانجی‌گری در اختلاف یا طرفداری از آنها. در حقیقت، به نظر می‌رسد طالبان تمایلی به درگیر شدن در این نوع اختلافات ندارد، شاید با اطلاع از اینکه این کار به همان اندازه که برای آنها دوست ایجاد کند، می‌تواند دشمن خلق کند و اینکه آنها فاقد منابع لازم برای از بین بردن ریشه‌های منازعات است. سطح واقعی بهره‌برداری طالبان از شکاف بین دولت و مردم به دلیل منازعه کوچی-ده‌نشین هرچه باشد، آسیبی که به دلیل ناکامی دولت در رسیدگی به منازعه کوچی-ده‌نشین به مشروعیت دولت وارد می‌شود، آشکار است. تقریباً همه مصاحبه‌شوندگان از ناتوانی ادارات دولتی برای حل این نوع منازعات به شدت انتقاد کردند. اظهارات زیر توسط یک موسفید قبیله ناصر از ولایت فراه، دیدگاه معمول است:

حکومت‌هایی که قبل از جنگ وجود داشتند، واقعی بودند؛ اما حکومت‌های فعلی واقعی نیست. [...] حکومت‌های فعلی نمی‌توانند در حل منازعات و مشکلات نقش ایفا کنند. در حکومت‌های گذشته، اگر منازعه و مشکلی به وجود می‌آمد، حکومت‌ها می‌توانستند منازعات و مشکلات را فوراً حل کنند^{۲۰۷}.

۲۰۳ مصاحبه با موسی پویل، رییس ریاست کوچی‌ها، ولایت لوگر، فروری ۲۰۱۸؛ مصاحبه با مسئول ریاست کوچی‌ها در ولایت خوست، فروری ۲۰۱۸.

۲۰۴ مصاحبه با محمد همایون عزیززی، ریاست کوچی‌ها، ولایت میدان وردک، فروری ۲۰۱۸.

۲۰۵ مصاحبه با م. ی. ب. موسفید قبیله‌ی در ولایت فراه، جون ۲۰۱۷؛ مصاحبه با س. الف. ن. موسفید کوچی، ولایت فراه، جون ۲۰۱۷؛ مصاحبه با ن. ن. موسفید، قبیله نوزری، ولایت فراه، ده‌نشین، جون ۲۰۱۷؛ مصاحبه ی. ب. موسفید قبیله و کوچی، ولایت فراه، جون ۲۰۱۷؛ مصاحبه با م. ک. ب. کوچی ولایت فراه، جون ۲۰۱۷؛ مصاحبه با الف. ح. ن. موسفید قوم کوچی، ولایت خوست، منطق لکنه، می ۲۰۱۸؛ مصاحبه با موسفید کوچی اوزبیک، قبیله اوزبیک بیگ، منطقه کلم گنر، اپریل ۲۰۱۷؛ مصاحبه با موسفید قریه، منطقه کول علاخیل، امام صاحب، اپریل ۲۰۱۷.

۲۰۶ مصاحبه با موسفید قبیله اندر، امام صاحب ولایت کندز، اپریل ۲۰۱۷.

۲۰۷ مصاحبه با موسفید کوچی، قبیله ناصر، ولایت فراه، جون ۲۰۱۷.

۵. ۲.۱. امروز

یک تفاوت اصلی بین دوره قبل از ۱۹۷۸ و بعد از ۲۰۰۱ این است که در بعد از ۲۰۰۱، حتی حضور از راه دور دولت و نیروی قهریه آن اصولاً از بسیاری از ساحات روستایی ناپدید شده، که سبب ایجاد وضعیتی شده است که در آن منازعاتی که اکثراً پنهان بود، به صورت لجام گسیخته ظهور می کند. جالب است که برخی از این اختلافات برای چندین سال بدون حل ادامه یافته است، و هر دو طرف مدعی اند که آنها حق دارند از عین زمین استفاده کنند، اغلب به گونه انحصاری^{۲۱۴}.

ساختار دولتی فعلی برای مدیریت مسائل مرتبط به کوچی ها از این لحاظ از ساختار قبل از جنگ متفاوت است که (ریاست مستقل عمومی کوچی ها) در سال ۲۰۰۶ تاسیس شد، و از جمله، موظف است منازعه یا اختلاف را ارزیابی کرده و دوسیه را به والی ها و سایر ریاست ها و وزارت های حکومتی تحویل دهد. خود ریاست کوچی ها منابع لازم برای کار بیشتر از ملاقات با کوچی ها و ده نشین ها و صحبت با آنها را در اختیار ندارد^{۲۱۵}. ریاست کوچی ها تا اوایل ۲۰۱۸، در مجموع ۳۷۳ کارمند در سراسر کشور داشت. این ریاست از طریق دفاتر ولایتی شان و ۳۰۰۰ سرخیلی که میان کوچی ها تعیین کرده است، با کوچی ها در ارتباط است. سرخیل ها موسفیدانی اند که می توانند ۲۰۰ جلد تذکره از کوچی ها جمع آوری کنند و در نتیجه، هر سال در انتخابات سرخیل شدن شرکت کنند^{۲۱۶}. یک منبع در ریاست کوچی ها نقش آنها را این گونه بیان کرد:

ما برای هر گروه یا قبیله یک سرخیل [رئیس مجموعه ای از کوچی ها] داریم. سرخیل ها نماینده و مسئول رهبری گروه اند. سرخیل ها از سوی جوامع کوچی انتخاب می شوند و بعد از آوردن اثر انگشت و کاپی تذکره حد اقل ۲۰۰ خانواده از قبیله خویش، ما اسم وی را به عنوان سرخیل همان گروه یا قبیله ثبت می کنیم و برای وی کارت هویت و مهر می دهیم. سرخیل شخص ارتباطی و رابط بین حکومت و کوچی ها است و مسئولیت گروه یا قبیله را در رابطه به مهاجرت و هر چیز دیگر، به عهده دارد. ما به خاطر دوسیه ای با وی تماس می گیریم یا او در صورت لزوم با ما یا ریاست های ولایتی ما تماس می گیرد. بنا بر این، نشان می دهد که طرزالعمل ها و زمانبندی های واضح برای مهاجرت کوچی ها از یکجا به جای دیگر، وجود دارد^{۲۱۷}.

علاوه بر ریاست کوچی ها، وزارت زراعت، آبیاری و مالداری نیز دخیل است. این وزارت مسئول علفچرها است و یک ریاست برای کوچی ها ایجاد کرده است^{۲۱۸}. مقامات دولتی در وزارت زراعت قانون علفچر ۱۹۷۱ را به عنوان مبنای عملیات های شان مد نظر می گیرند^{۲۱۹}.

از یک سو، بعد از ۲۰۰۱، حکومت مرکزی قانونی را وضع کرد که در روی کاغذ به نفع کوچی ها بود و از آن برای کسب حمایت سیاسی آنها استفاده کرد. از سوی دیگر، اجازه داد حقوق کوچی ها و ساکنین محل مورد تجاوز قرار گیرد و چراگاه ها تصرف شوند. نمی توان باور کرد که این الگوی منظم بر اساس تضاد رخ داده است^{۲۲۰}. حکومت بعد از ۲۰۰۱ افغانستان ایده تفکیک واضح تر بین چراگاه های خصوصی، محلی و عامه را به بازی گرفته است. با این حال، گاهی در حدود سال ۲۰۱۰ ساکنین محل و برخی از ناظرین بیرونی، احساس می کردند که لابی کوچی ها هنوز بر پالیسی سازی نفوذ دارد و در صدد است که قانون جدید علفچر منافع اصلی کوچی ها را انعکاس دهد^{۲۲۱}. البته قانون جدید اراضی در مرحله تسوید گیر مانده است زیرا لابی های مختلف نسبت به بخش های مشخصی از آن اعتراض دارند^{۲۲۲}.

۲۱۴ مصاحبه با موسفید قبیله ادرم زی در قریه آب بازک، از ره (لوگر)، دسامبر ۲۰۱۶.

۲۱۵ مصاحبه با موسی پوپل، رییس ریاست کوچی ها، ولایت لوگر، فبروری ۲۰۱۸.

۲۱۶ مصاحبه با زمردخان منگل، رئیس/مسئول بخش جرگه ها، اقتصادی و مسکن در کابل، ریاست کوچی ها، مارچ ۲۰۱۸؛ مصاحبه با مشاور رییس عمومی ریاست مستقل کوچی ها، اکتوبر ۲۰۱۷.

۲۱۷ مصاحبه با داکتر عصمت الله خوشحال، مشاور رییس عمومی ریاست مستقل کوچی ها، اکتوبر ۲۰۱۷.

۲۱۸ مصاحبه با انجینیر میرخیل، متخصص آب، وزارت احیا و انکشاف دهات، ۹ اکتوبر ۲۰۱۷.

۲۱۹ مصاحبه با کارمند ریاست علفچرها، کابل، سپتامبر ۲۰۱۷.

۲۲۰ لیز آلدین ویلی، (نبرد بر سر چراگاه: جنگ پنهان افغانستان)، Revue des Mondes musulmans et de la Méditerranée، ۱۳۳، جون ۲۰۱۳.

۲۲۱ لیز آلدین ویلی، (نبرد بر سر چراگاه: جنگ پنهان افغانستان)، Revue des Mondes musulmans et de la Méditerranée، ۱۳۳، جون ۲۰۱۳.

۲۲۲ مصاحبه با آقای فیضان، رییس ریاست کوچی ها، کابل، می ۲۰۱۸.

چارچوب قدیمی قانونی و عرفی که قبل از جنگ برقرار بود در حال نابود شدن است و احتمال ندارد دوباره احیا شود، و تنها کافی است یک جنگ داخلی دیگر صحنه سیاسی و نظامی را بار دیگر تغییر دهد. چنانچه در بخش زیر گفته شده است، این چارچوب باید تعویض شود. بحث دیگر بین هواداران مدیریت دولتی و مدیریت مردمی علفچرها است.^{۲۲۳}

نبود نیروی پولیس در بسیاری از مناطق روستایی مانند این، سبب حادثات نسبتاً کوچک می شود که به سرعت به منازعه تبدیل می شود. در یک موردی که یکی از مصاحبه شوندهگان در دیری (خوست) یادآوری کرد، در سال ۲۰۰۳، برخی از کوچی ها پسر یک زمیندار محلی را که از آنها به دلیل کشت گندم بر روی زمین های وی شکایت کرده بود، کشتند. کوچی ها مدعی بودند که مالکین آن زمین اند که در گذشته خریده بودند. بعداً، دگروال به محل سکونت کوچی ها هجوم برد و هفت نفر را کشت. دشمنی خونی که این گونه آغاز شد هنوز ادامه دارد و در برابر تلاش های موسفیدان هر دو گروه برای پایان دادن به آن، مقاومت کرده اند، حتی اگر موسفیدان توافق کنند که کوچی ها از زمین های اشغالی بیرون می روند.^{۲۲۴} منازعه زمانی گسترش یافت که روستایی های محلی، نه تنها بر نیازی ها که در ابتدا درگیر بودند، بلکه بدون ملاحظه بر سایر کوچی ها حمله کردند.^{۲۲۵}

مثال دیگر غیبت دولت این است که حتی زمانی که حکومت برای شناسایی محلات اسکان کوچی ها اقدام می کند، مانند منطقه باریک آب در ده سبز، در واقعیت نتوانسته است تصمیم اش را اجرا کند.^{۲۲۶}

یک شکل از مداخله دولت در حل منازعه/اختلاف بعد از ۲۰۰۱ اعزام هیئت و کمیسیون از مرکز بوده است که معمولاً متشکل از نمایندگان سیاسی (یا چنین تلقی می شوند) جوامع مختلف درگیر منازعه است. مصاحبه شوندهگان کوچی و مستقر در مورد تکرار (تعداد دفعات) مداخله کمیسیون هایی که از سوی حکومت مرکزی برای تحقیق موضوع فرستاده شده اند، کاملاً با هم موافق بوده اند (۲۵ فیصد پاسخ های مثبت هر دو گروه). اما در ارزیابی کار این کمیسیون تفاوت اندکی وجود داشت. ۴۰ درصد ساکنین و ۲۰ درصد کوچی ها (از جمع کسانی که به سوال مربوط به مداخله کمیسیون ها پاسخ بلی داده بودند) می گویند شاهد نتایجی بوده اند. در نتیجه، تاثیر کلی این کمیسیون ها و هیات ها تقریباً ناچیز است. یک موسفید مستاصل هزاره چنین گفت:

حکومت هیات هایی را یکی پی دیگری می فرستد اما تصامیم و توافقاتنامه ها تطبیق نمی شوند.^{۲۲۷}

۲۲۳ دیوید استانیفیلد و دیگران، «اداره علفچرها در شرایط (پس از) منازعه: مطالعه موردی افغانستان»، نوآوری در شناسایی، اداره و تنظیم حقوق زمین، ویراستار: کلاوس داینینگر و دیگران، بانک جهانی، ۲۰۱۰.

۲۲۴ مصاحبه با موسفید قبیله پیری در شمال دیری، ولایت خوست، ۱۰ اپریل ۲۰۱۷؛ مصاحبه با موسفید قبیله مرک خیل در دیری، ولایت خوست، ۷ اپریل ۲۰۱۷؛ مصاحبه با موسفید قبیله تیرون، در دیری، ولایت خوست، ۶ اپریل ۲۰۱۷.

۲۲۵ مصاحبه با موسفید کوچی قبیله دولت زی در دیری ولایت خوست، ۹ اپریل ۲۰۱۷؛ مصاحبه با موسفید کوچی قبیله نیازی، دیری ولایت خوست، ۸ اپریل ۲۰۱۷.

۲۲۶ مصاحبه با موسفید کوچی قبیله تره خیل در ولسوالی ده سبز ولایت کابل، ۱۳ جنوری ۲۰۱۷.

۲۲۷ مصاحبه با عضو هزاره شورای اختلافات هزاره-کوچی، می ۲۰۱۸.

۲,۵ نقش کنشگران غیر دولتی

یک مسئول در ریاست کوچی ها در خوست پذیرفت که سهیم شدن میانجی های غیر دولتی اغلب یک استراتژی موفق است. این وضعیت ناشی از رویه های طولانی محلی است و در حقیقت ریاست کوچی ها بیشتر اوقات آن را تشویق و از آن حمایت می کند. وی حتی ازین فراتر رفت و گفت میانجی های غیر دولتی بسیار مؤثرتر از میانجی های دولتی است:

من فکر می کنم نقش این گروه های مردمی بسیار مفید است. با مقامات دولتی قابل مقایسه نیست. چنانچه می دانید، اداره محلی حکومت به شدت فاسد است. هیچ کسی علاقمند ارجاع منازعه شان به دوائر حکومتی نیست. کسانی که می خواهند منازعه از طریق حکومت حل شود باید بسیار منتظر بمانند و پروسه های طولانی را طی کنند. میانجی مردمی نقش مهمی را در حل منازعات ایفا می کند.^{۲۲۸}

میانجی های غیر دولتی، که نوعا به قیایل همسایه یا مالاها تعلق دارد، نیز بسیار بیشتر از میانجی های دولتی دسترسی دارند زیرا آنها می توانند به آسانی در مناطق تحت کنترل طالبان وارد شوند.^{۲۲۹}

یکی از نقیصه های ممکن برای جوامع درگیر منازعه این است که وارد کردن میانجی های غیر دولتی مستلزم هزینه است زیرا مصارف آنها باید پرداخت شود. مثلا، یک میانجی گری در فراه ۴۸۰,۰۰۰ دالر امریکایی) هزینه برداشت که به صورت مساوی بین دو گروه درگیر منازعه تقسیم شد.^{۲۳۰}

میانجی های غیر دولتی نوعا در ابتدا با دو طرف منازعه جداگانه ملاقات می کنند، بعد یک جلسه جمعی برگزار می کند. در برخی از موارد، میانجی ها از طرف های منازعه می خواهند مبلغی را نزد آنها امانت بگذارند که در صورت نپذیرفتن تصامیم میانجی ها، مبلغ را از دست خواهند داد. در موارد دیگر، میانجی ها تلاش می کنند طرف ها با همدیگر به توافق برسند.^{۲۳۱}

گاهی کنشگران غیر دولتی که برای میانجی گری چنین منازعات دعوت می شوند می توانند سازمان های شورشی باشند. جوامع (به شمول هزاره ها) به میانجی گری طالبان برای رسیدن به توافق متکی اند، هرچند، بر اساس گفته یک مو سفید کوچی که این نوع میانجی گری را در ۲۰۱۵ تجربه کرده است، ظاهرا خیلی موفق نبوده است.^{۲۳۲}



۲۲۸ مصاحبه با مامور ریاست کوچی ها در ولایت خوست، فبروری ۲۰۱۸.

۲۲۹ مصاحبه با انجنیر فضل احمد نوزی، رئیس ریاست کوچی ها در ولایت فراه، فبروری ۲۰۱۸.

۲۳۰ مصاحبه با م. د. ب. ربیس و موسفید (ملک) قبیله بارکزی در ولایت فراه، اپریل ۲۰۱۸.

۲۳۱ مصاحبه با م. د. ب. ربیس و موسفید (ملک) قبیله بارکزی در ولایت فراه، اپریل ۲۰۱۸؛ مصاحبه با میانجی قبیله بتوخیل در لوگر در مورد منازعه بین نیازی و عیسی خیل، اپریل ۲۰۱۸.

۲۳۲ مصاحبه با موسفید کوچی، ولسوالی حصارک ولایت ننگرهار، ۲۲ نوامبر ۲۰۱۶.

۳،۵ آیا ممکن است دولت کنار گذاشته شود؟

۱.۳.۵ دولت کاملا غایب نیست

از سال ۲۰۰۶ به بعد، ریاست کوچی ها فعالترین اداره حکومتی در رسیدگی به منازعه کوچی-ده نشین بوده است، اما نقش آن اصولاً نظارت، گزارش دهی، و بسیج کردن سایر ادارات حکومتی برای پیگیری است. اما مقامات ریاست کوچی ها اغلب از سایر ریاست های حکومت (مانند زراعت، پولیس اراضی و معارف) به خاطر پاسخ ندادن به تقاضاهای کمک، شکایت دارد^{۲۳۳}.

با این حال، مصاحبه شوندهگان کوچی و ده نشین ممکن است، در حقیقت، نقش کنشگران دولتی که واقعا در حل منازعات وجود دارد را دست کم بگیرند. میانجی گری از سوی طرف های سوم مانند جوامع همسایه اغلب از سوی نهادهای حکومتی مانند ریاست کوچی ها بسیج می شود. ریاست کوچی ها اغلب از ورود مستقیم به قضیه پرهیز می کند زیرا باشندگان محل نسبت به طرفداری آن از کوچی ها مشکوک اند^{۲۳۴}. یکی از میانجی ها نقش ریاست کوچی ها را به خاطر پشتیبانی از روند ستایش کرد^{۲۳۵}.

حتی اگر میانجی گری توسط جوامع همسایه صورت بگیرد، مقامات محلی نیز به عنوان ضامن در تطبیق توافقنامه نقش ایفا می کند^{۲۳۶}.

۲.۳.۵ محدودیت های حل منازعه

حل منازعه از مجرای غیر دولتی توسط میانجی های قبیله‌یی و مذهبی می تواند زمانی مؤثر واقع شود که همه طرف های منازعه اراده واقعی برای حل آن را داشته باشند. موسفیدی از قبیله بارکزی فراه چنین می گوید:

به راستی، اگر جوامع درگیری منازعه خواستار حل منازعه است، یافتن راه حل ساده و آسان است اما اگر آنها نخواهند کمک و همکاری کنند، حل منازعه و رسیدن به نتیجه کار سختی است. منازعه در کوه دانک و سایر قریه ها عمدتاً از طریق کمک جوامع درگیر حل شد زیرا از منازعه با همدیگر خوشحال نبودند. نمی خواستند همدیگر را بکشند و خصومت شان بر سر زمین ادامه یابد. به همین دلیل، فکر می کنم بسیار هوشیار بودند که حاضر شدند منازعه پایان یابد^{۲۳۷}.

زمانی که منازعه از اختلاف بین کوچی و دهقان به دلیل اطاعت نکردن قواعد و محدوده ها به وجود می آید، می توان راه حل های محلی پیدا کرد و مشکل را حل کرد. در واقع، مصاحبه شوندهگان چندین نمونه را شناسایی کردند که از طریق میانجی گری توسط سایر جوامع توافق حاصل شده و منازعه پایان یافته است.

موسفید بارکزی که سخن وی در بالا نقل شد، نیز گفت که در مواردی که منازعه کوچی-ده نشین ناشی از رشد جمعیتی یا محدودیت های محیط زیستی باشد، یافتن راه حل محلی بسیار سخت تر خواهد بود. زمانی که منازعه ناشی از منابع کمیابی باشد که قرار است بین جمعیت در حال افزایش تقسیم شود، اجتناب از منازعه دشوار خواهد بود، حتی اگر جوامع توانایی تصمیم گیری در بین خودشان در مورد چگونگی استفاده از چراگاه ها را داشته باشند^{۲۳۸}. حتی بدتر از آن، میانجی ها و مقامات مدعی اند که دست داشتن طرف های بیرونی در منازعه و بازیگرانی مانند جنگ سالاران و زورمندان که از منازعه سود می برند حل منازعه را تقریباً ناممکن می سازد. یکی از میانجی ها این موضوع را تایید کرد^{۲۳۹}. یک مقام حکومتی چنین اظهار داشت:

۲۳۳ مصاحبه با یکی از مسئولین ریاست کوچی در ولایت خوست، فبروری ۲۰۱۸؛ مصاحبه با انجنیر فضل احمد نوری، رئیس ریاست کوچی ها در ولایت فراه؛ مصاحبه با بارکزی مخلص یار، رئیس ریاست کوچی ها در ولایت کندز.

۲۳۴ مصاحبه با موسی پوپل، رئیس ریاست کوچی ها در ولایت لوگر، فبروری ۲۰۱۸؛ مصاحبه با مامور ریاست کوچی ها در ولایت خوست؛ فبروری ۲۰۱۸؛ مصاحبه با انجنیر فضل احمد نوری، رئیس ریاست کوچی ها، ولایت فراه، فبروری ۲۰۱۸؛ مصاحبه با بارکزی مخلص یار، رئیس ریاست کوچی ها، ولایت کندز، فبروری ۲۰۱۸؛ مصاحبه با زمرخان منگل، رئیس جرگه ها، بخش اقتصادی و مسکن ریاست کوچی ها در کابل، مارچ ۲۰۱۸؛ مصاحبه با م. د. ب. ربیس و موسفید (ملک) قبیله بارکزی در ولایت هرات؛ مصاحبه با مولوی عبدالرحمان، شورای علمای فراه، میانجی، اپریل ۲۰۱۸.

۲۳۵ مصاحبه با مولوی عبدالرحمان، شورای علمای فراه، میانجی، اپریل ۲۰۱۸.

۲۳۶ مصاحبه با آقای امیری، وزارت قبایل و اقوام، کابل، می ۲۰۱۸. در رابطه به توافق در ولایت خوست.

۲۳۷ مصاحبه با م. د. ب. ربیس و موسفید (ملک) قبیله بارکزی در ولایت فراه، اپریل ۲۰۱۸.

۲۳۸ مصاحبه با م. د. ب. ربیس و موسفید (ملک) قبیله بارکزی در ولایت فراه، اپریل ۲۰۱۸.

۲۳۹ مصاحبه با ملک حیدرگل منگل، ولایت خوست، میانجی، اپریل ۲۰۱۸؛ مصاحبه با مامور ریاست کوچی ها در ولایت خوست، فبروری ۲۰۱۸.

تفاوت بین منازعات حل شده و حل نشده برای ما واضح است: منازعاتی که در آن جنگ سالاران و مقامات حکومتی دخیل اند، حل نشده است؛ اما منازعاتی که جنگ سالاران و مقامات حکومتی درگیر نیست، به آرامی توسط جانب سوم (مانند قبیله دیگر) حل می شود.^{۲۴۰}

۳.۳.۵ چرا بدیلی برای دولت نیست

بحث بین طرفداران مدیریت دولتی و مدیریت مردمی علفچرها از یک نگاه بحث نادرستی است.^{۲۴۱} علی رغم فقدان اعتماد به دولت که در بالا بحث شد، این موسفید هنوز مقامات دولتی را در زمان ظهور منازعه و اختلاف به عنوان نخستین مرجع تماس برای کمک می داند:

پیش از همه، ما با حکومت در تلاش هستیم منازعه خویش را حل کنیم؛ اگر حکومت منازعه ما را حل نکند، ما مجبوریم به مردم محل مراجعه کنیم.^{۲۴۲}

در واقع، هر نوع توافق به دست آمده در غیبت حمایت دولتی/انهادی شاید دیر دوام نکند. چنانچه یکی از میانجی ها در خوست اعتراف کرد:

ما، همراه سایر شوراهای قبیله‌یی، زمانی به توافق مشروط بین طرف های منازعه رسیده بودیم اما ثبات نداشت و توافق بعد از یک ماه از بین رفت و هیچ یک از طرف ها دیگر آن را نپذیرفتند. [...] دلیل اصلی نرسیدن به یک توافق پایدار در این منازعه این بود که دست هایی برخی از بازیگران بیرونی و مقامات حکومتی پشت منازعه / بودند.^{۲۴۳}

علی رغم همه انتقادات از دولت و نفوذ لابی ها و جناح ها بر آن، (نه تنها بین کوچی ها) این توقع نیز وجود دارد که مقامات دولتی باید برای کوچی ها چراگاه پیدا کنند و آنها را محافظت/مدیریت کنند و جدول زمانی را تنظیم کنند.^{۲۴۴}

۴.۳.۵ چرا دولت باید بی طرف باشد

از آنجایی که اکثر مصاحبه شوندگان نتایج اندکی از اقدام دولت برای حل اختلافات و منازعات دیده اند، این افراد اصولاً هیچ دیدگاهی در باره بی طرفی دولت نداشتند. حدود ۲۰ درصد ساکنین محل و ۱۵ درصد کوچی ها معتقد بودند که دولت طرفدار جانب مقابل است. اما مصاحبه های انجام شده واضح می سازد که در دستگاه دولت نیز تبعیض شدیدی نسبت به هر دو طرف، هم کوچی و هم حد اقل بخشی از ساکنین، مانند هزاره ها، وجود دارد. یک مقام حکومتی پذیرفت که پولیس ملی و پولیس محلی افغانستان نسبت به کوچی ها قویا مظنون اند زیرا باور وجود دارد که آنها با شورش ها ارتباط دارند. این ادعا که هزاره ها در اختلاف با کوچی ها از سوی جمهوری اسلامی ایران حمایت می شود، نیز اغلب شنیده می شود. تصور می شود هزاره های دارای موقف های حکومتی نیز همیشه از هم تباران ده نشین هزاره خویش جانبداری می کنند.^{۲۴۵} واضح است که مقامات حکومتی درگیر در این نوع اتهامات به اعتبار دولت افغانستان آسیب می زند. چنانچه یک میانجی گفت، تصور اینکه دولت بی طرف نیست ضربه دیگری به مشروعیت دولت است:

طرف های منازعه نیز نقش حکومت در حل این منازعه را رد می کردند زیرا معتقد بودند حکومت توانایی کمک به این نوع منازعات را ندارد اما در برخی موارد تلاش می کند منازعه را حتی بدتر سازد. طرف های منازعه حکومت را پر از فساد و تقلب می دانند و در نتیجه نخواهند هیچ کسی به نمایندگی از حکومت در پروسه حل منازعه شریک باشد.^{۲۴۶}

۲۴۰ مصاحبه با موسی پوپل، رییس ریاست کوچی ها، ولایت لوگر، فبروری ۲۰۱۸.

۲۴۱ دیوید استافیلد و دیگران، «اداره علفچرها در شرایط (پسا) منازعه: مطالعه موردی افغانستان»، نوآوری در شناسایی، اداره و تنظیم حقوق مربوط به زمین، ویراستار: کلاوس داینینگر و دیگران، بانک جهانی، ۲۰۱۰.

۲۴۲ مصاحبه با م. ی. ب. موسفید قبیله در ولایت فراه، جون ۲۰۱۷.

۲۴۳ مصاحبه با ملک حیدرگل منگل، ولایت خوست، میانجی، اپریل ۲۰۱۸.

۲۴۴ مصاحبه با ی. ب. موسفید کوچی، ولایت فراه، جون ۲۰۱۷؛ مصاحبه با ن. ن. موسفید مستقر، قبیله نوززی، ولایت فراه، جون ۲۰۱۷.

۲۴۵ مصاحبه با موسی پوپل، رییس ریاست کوچی ها، ولایت لوگر، فبروری ۲۰۱۸؛ مصاحبه با محمد همایون عزیزی، ریاست کوچی ها، ولایت میدان وردک، فبروری ۲۰۱۸.

۲۴۶ مصاحبه با مولوی عبدالرحمان، شورای علمای فراه، میانجی، اپریل ۲۰۱۸.

علی رغم برداشت های مربوط به بی طرف نبودن دولت، هنوز تقاضا برای سهم گیری دولت وجود دارد زیرا میانجی های محلی نیز شاید بی طرف نباشند، چنانچه یک مو سفید کوچی نیازی اشاره کرد:

به صورت عموم، فکر می کنم بهتر است حکومت میانجی گری کند زیرا اگر ما برای قبایل همسایه فرصت میانجی گری بدهیم، بسیار واضح است که آنها نسبت به طرف های این نوع منازعات بی طرف نخواهند بود^{۲۴۷}.

جدول ۵: ارزیابی نقش منابع حمایت و میانجی گری در منازعات کوچی-ده نشین، بر اساس نظرات مصاحبه شوندگان پروژه

درصد	ساکنین	کوچی ها	همه
درخواست از حکومت	۴۰	۴۰	۴۰
با نتایج مثبت	۰	۰	۰
تقاضا از سیاستمداران	۷۵	۷۰	۷۲,۵
با نتایج مثبت	۳۰	۲۵	۲۷,۵
تقاضا از بازیگران بیرونی	۰	۰	۰
با نتایج مثبت	۰	۰	۰
درخواست میانجی	۶۰	۸۰	۷۰
نتایج مثبت	۳۵	۲۰	۲۷,۵
مشارکت کمیسیون/هیات	۲۵	۲۵	۲۵
با نتایج مثبت	۱۰	۵	۷,۵
حکومت را بی طرف می دانند	۲۰	۱۵	۱۷,۵
تعداد=	۲۰	۲۰	۴۰

۲۴۷ مصاحبه با الف. ح. ن، موسفید قبیلہ کوچی نیازی در ولایت خوست، منطلقه لکنه، می ۲۰۱۸.

۶. در جستجوی راه حل

۱,۶ علامت گذاری

در کشورهای توسعه یافته، زمین زراعتی معمولاً برای محافظت از تجاوز دیگران حصارکشی شده است. بسیاری از مصاحبه شوندگان موافق بودند که اگر این کار در افغانستان نیز انجام شود، انواع خاصی از منازعه (مثلاً ورود غیر قانونی به ملکیت خصوصی) تا حد زیادی حل خواهد شد اما این موضوع را نیز یادآور شدند که این کار شدنی نیست^{۲۴۸}. یکی از مقامات موافق است که حصارکشی زمین های زراعتی می تواند شمار منازعه را کاهش دهد و ادارات حکومتی می توانند در آن نقش ایفا کنند، مانند ریاست زراعت در ترویج حصارکشی. اما حصارکشی نیازمند هزینه بالا است^{۲۴۹}.

در برخی از مناطق، زمین های زراعتی علامت گذاری شده است اما محافظت شده نیست؛ در کل، تخمین شده است که در ولایت بامیان تنها ۱۵ درصد زمین زراعتی علامت گذاری شده است و هیچ ملکیتی دارای حصار نیست. نوعاً، زمین های علامت گذاری شده در کنار سرک قرار دارد یا متعلق با دهاقین سرمایه دار است. کانال هایی که در مرز ملکیت ها قرار دارد نیز به علامت گذاری زمین ها کمک کرده است^{۲۵۰}.

بدیلی برای علامت گذاری که می تواند در برخی از حالات مفید باشد این است که به کوچی ها اجازه داده شود مواشی شان را با موترهای باری منتقل کند که در نتیجه از نزدیک شدن آنها به محصولات واقع در مسیر راه ها جلوگیری می کند. استفاده از موترهای باری برای انتقال حیوانات در میان کوچی ها ناشناخته نیست، بلکه همه کوچی ها نمی توانند برای این کار موتر باری کرایه کنند^{۲۵۱}.

۲,۶ گزمه

بعضی از مصاحبه شوندگان پیشنهاد کردند که گزینه بدیل حصارکشی می تواند گزمه باشد، البته در صورتی که توسط نیرویی اجرا شود که مورد احترام هر دو گروه کوچی و ساکنین محل است. قبل از ۱۹۷۸، خانواده های ثروتمند ساکن در هزاره جات محافظینی را از جوامع کوچی برای متوقف کردن کوچی ها از تجاوز بر زمین های شان استخدام می کردند. محافظین کوچی همه قبایلی را که از مسیر مشخص می گذشتند، می شناختند و به آسانی می توانست تخلف انجام شده را به قبیله/مجموعه مشخص نسبت دهد^{۲۵۲}. واضح است که در وضع دشوار کنونی این گزینه امکان پذیر نیست، زیرا مقامات دولتی در موقعیتی نیستند که محلات را گزمه کنند و جوامع به همدیگر آنقدر بی اعتماد اند که گزمه توسط خود آنها نیز ممکن نیست.

۳,۶ آیا می توان روند اسکان را مؤثر ساخت؟

اسکان کوچی ها از سوی پالیسی سازان اغلب به عنوان راهی برای ادغام کامل کوچی ها در جامعه افغانستان دیده می شود، تا برای آنها خدمات عرضه شود و منازعه کوچی-ده نشین ریشه کن شود. چنانچه در بخش ۴.۲.۳ بحث شد، اسکان کوچی ها تا کنون محرک اضافی برای منازعه بوده است، نه راه حلی برای منازعه.

۲۴۸ مصاحبه با بارکزی مخلصیار، رئیس ریاست کوچی ها، ولایت کندز، فبروری ۲۰۱۸؛ مصاحبه با انجینیر فضل احمد نورزی، رئیس ریاست کوچی ها، ولایت فراه، فبروری ۲۰۱۸؛ مصاحبه با زمردخان منگل، رئیس جرگه ها، بخش اقتصادی و مسکن ریاست کوچی در کابل، مارچ ۲۰۱۸؛ مصاحبه با ج. ک. موسفیدی از ولایت دایکندی، جون ۲۰۱۸؛ مصاحبه با ح. م. موسفیدی از ولسوالی مالدستان ولایت غزنی، جون ۲۰۱۸؛ مصاحبه با ج. ر. موسفیدی از ولسوالی ناهور ولایت غزنی، جون ۲۰۱۸؛ مصاحبه با مامور ریاست کوچی ها، ولایت خوست، فبروری ۲۰۱۸.

۲۴۹ مصاحبه با انجینیر فضل احمد نورزی، رئیس ریاست کوچی ها، ولایت فراه، فبروری ۲۰۱۸.

۲۵۰ مصاحبه ج. ح. الف. موسفید هزاره، ولسوالی ورس ولایت بامیان، جون ۲۰۱۸؛ مصاحبه با ج. ح. موسفیدی از ولسوالی اشترلی، ولایت دایکندی، جون ۲۰۱۸.

۲۵۱ مصاحبه با موسفید قریه، از قریه کاروانی منطقه سرچشمه، ولسوالی دایمیرداد، فبروری ۲۰۱۷.

۲۵۲ مصاحبه با ج. ح. الف. موسفید هزاره در ولسوالی ورس ولایت بامیان، جون ۲۰۱۸؛ مصاحبه با ج. ر. الف. موسفیدی از ولسوالی پنجاب ولایت بامیان، جون ۲۰۱۸؛ مصاحبه با ج. ح. موسفیدی از ولسوالی اشترلی ولایت دایکندی، جون ۲۰۱۸؛ مصاحبه با ج. ک. موسفیدی از ولایت دایکندی، جون ۲۰۱۸؛ مصاحبه با گروهی از موسفیدان هزاره بهسود، میدان وردک، ۹ می ۲۰۱۸.

۱.۳.۶ امکان پذیری اقتصادی اسکان

ایده اسکان کوچی ها در افغانستان موضوع جدیدی نیست. در زمان سلطنت عبدالرحمان و جانشین وی حبیب الله دوم، مسکن گزینی کوچی ها، در کنار سایر موضوعات، یک ابزار سیاسی برای توسعه قدرت حکومت مرکزی در مناطقی بود که کنترل دولت بر آن ضعیف بود و در نتیجه ایجاد اختلاف بود. در این دوره، به جوامع کوچی و نیمه کوچی اکثراً در میان جمعیت دشمن زمین داده می شد تا کوچی ها را به حامیان حکومت مرکزی تبدیل کند. این ساکنین جدید تا حد زیادی نیمه کوچی باقی ماندند^{۲۵۳}.

در زمان پادشاهی نادرشاه و ظاهرشاه، سیاست جدیدی درباره آبیاری مناطق صحرايي و آباد سازی آن به هدف افزایش تولیدات زراعتی روی دست گرفته شد. بسیاری از کسانی که از طریق این طرح ها، مانند طرح وادی هلمند از ۱۹۴۶-۱۹۷۹ ساکن شدند، کوچی بودند. در هر صورت، این طرح ها به دلیل مشکلات گوناگون به شمول انجینیبری، خاک، و اندازه ناکافی زمین ها، به گونه نسبی موفق بود^{۲۵۴}.

بعد از آن، کوچی ها از اصلاحات اراضی که از ۱۹۷۸ به بعد از سوی رژیم چپ که در نتیجه کودتا به قدرت رسید تطبیق شد، نیز سود بردند. برخی از آنها در جریان اصلاحات زمین دریافت کردند اما باز هم این اصلاحات تا حد زیادی ناموفق بود و به صورت گسترده به چالش کشیده شد^{۲۵۵}.

یکی از پیامدهای پروسه مدرن سازی عمومی در افغانستان این بود که پالیسی سازان کوچ نشینی را به عنوان ناپهنجاری مدرن تلقی می کردند که باید نابود یا اصلاح شود، نوعاً از طریق اسکان و تحول سبک زندگی کوچی مطابق مفاهیم مدرن سازمان اجتماعی و تقسیم کار. اسکان می تواند، از جمله، زیربناها را در دسترس کوچی ها قرار دهد و تکنیک های پرورش حیوانات را بهتر سازد، استفاده از چراگاه ها را بهبود بخشد و محصولات حیوانی را افزایش دهد^{۲۵۶}.

با این حال، اسکان کوچی ها حتی قبل از ۲۰۰۱ و به خصوص در دهه ۱۹۹۰ مستقل از دولت انجام شد. سروی کوچی های ولایت کابل توسط سامویل هال نشان داد که تنها ۰.۷ درصد کوچی ها از ۱۹۷۱-۱۹۸۰ و فقط ۲.۱ درصد آنها از ۱۹۸۱-۱۹۹۰ مسکن گزین شده بودند، دهه ۱۹۹۰ شاهد سرعت انگیز اسکان کوچی ها بود: ۱۱.۴ درصد کوچی ها در این دهه مستقر شدند^{۲۵۷}. قطعاً این نمونه نمایانگر اوسط ملی نیست اما هیچ اطلاعات دیگر در مورد الگوی مسکن گزینی قبل از ۲۰۰۱ وجود ندارد. جنگ های بعد از ۱۹۷۸ قطعاً یک عامل اجبار کوچی ها به ترک مهاجرت و مسکن گزینی است، حد اقل به صورت موقت، اکثراً در اردوگاه های پناهندگان در پاکستان. در اواخر دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، بخش هایی از کشور از دسترس کوچی ها خارج بود، که آنها را مجبور می کرد مسکن گزین شوند.

کوچی هایی که ساکن شدند باید راه های جدیدی برای امرار معاش پیدا می کردند. در مناطق شهری، کوچی های ساکن نوعاً از طریق راه اندازی دوکان، ترانسپورت یا سایر کسب و کارها (نوعاً بخش خرید و فروش موتر) یا اشتغال با معاش، پول به دست می آوردند.

فعالیت های اصلی کوچی های ساکن در مناطق روستایی کارهای زراعتی یا تجارت های کوچک است، هرچند اعضای بسیاری از خانواده ها در شهرها و در کشورهای حاشیه خلیج کار می کنند^{۲۵۸}. در برخی از موارد، کوچی های ساکن توانسته اند فعالیت های زراعتی موفق، مانند درختان مثمر در وزیر کاریز، راه اندازی کنند^{۲۵۹}. در سایر موارد، کوچی ها از مهارت های تخنیکی که به تازگی کسب کرده اند استفاده می کنند یا در نتیجه جابجایی بر اثر جنگ های طولانی مدت، فرصت های جدیدی را کشف کرده اند.

۲۵۳ لیز الدین ویلی (بحران حقوق زمین)، (کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۰۳)، ص ۴۰.

۲۵۴ ویلی، (حقوق زمین) ص ۴۱.

۲۵۵ ویلی، (حقوق زمین) ص ۴۷-۴۸.

۲۵۶ هرمان کروترمن و استیفان شوت، (مشترکات اختلافی - ناامنی های چندگانه چراگاه نشین ها در شمال شرق افغانستان)، اردکوندل، جلد ۶۵، شماره ۲، ۹۹-۱۱۹ (۲۰۱۱)، ص ۱۰۴.

۲۵۷ (مطالعه جمعیت کوچی های ساحه شهر نو کابل)، (کابل: سامویل هال، ۲۰۱۲)، جدول ۱.۳.

۲۵۸ کوچی ساکن در وزیر کاریز، لوگر، ۱ اپریل ۲۰۱۹؛ کوچی ساکن در وزیر کاریز، لوگر، ۲ اپریل ۲۰۱۹؛ کوچی ساکن در وزیر کاریز، لوگر، ۴ اپریل ۲۰۱۹.

۲۵۹ مصاحبه با کوچی ساکن در وزیر کاریز، لوگر، ۱ اپریل ۲۰۱۹؛ مصاحبه با کوچی ساکن در وزیر کاریز، لوگر، ۲ اپریل ۲۰۱۹؛ مصاحبه با کوچی ساکن در وزیر کاریز، لوگر، ۳ اپریل ۲۰۱۹؛ مصاحبه با کوچی ساکن در وزیر کاریز، لوگر، ۴ اپریل ۲۰۱۹؛ مصاحبه با کوچی ساکن در دشت خاکه، برکی برک، ۱ اپریل ۲۰۱۹؛ مصاحبه با کوچی ساکن در دشت خاکه، برکی برک، ۲ اپریل ۲۰۱۹؛ مصاحبه با کوچی ساکن در دشت خاکه، برکی برک، ۳ اپریل ۲۰۱۹؛ مصاحبه با کوچی ساکن در دشت خاکه، برکی برک، ۴ می ۲۰۱۹.

اعتقاد بر آن است که اسکان برای کوچی‌ها یک نتیجه مشکل‌زا است به خاطر اینکه آنها فاقد مهارت لازم برای استفاده مناسب در زراعت یا سایر زمینه‌ها اند^{۳۶۰}. با این حال، در مطالعات موردی این پروژه، اکثر کوچی‌های ساکن به استثنای مواردی (اکثراً فقیرترین چهار منطقه مسکونی مورد مطالعه، یعنی کوچی آباد)^{۳۶۱} در مقایسه با زندگی دشوار کوچی قبل از ۲۰۰۱، از وضعیت فعلی شان خوشحال به نظر می‌رسند. خواه به دلیل دوست داشتن زندگی جدید یا به خاطر نداشتن ابزار و امکانات ادامه زندگی قدیمی، تنها شمار اندکی از این کوچی‌های ساکن به فکر بازگشت به زندگی قدیمی شان اند^{۳۶۲}.

بر اساس گفته‌های مصاحبه‌شوندگان، به صورت کل، همه چهار منطقه مسکونی مورد مطالعه به لحاظ بهبود اقتصادی، نتایج خوبی گرفته‌اند، البته به استثنای جزئی کوچی آباد. همچنان، به دلیل دریافت کمک از خارج و حمایت از اعضای خانواده که در شهرها کار می‌کنند، همه چهار منطقه مورد مطالعه به لحاظ اقتصادی پایدار به نظر می‌رسند، حتی اگر بین آنها تفاوت جدی وجود دارد. کوچی‌های ساکنی که توانستند فعالیت‌های زراعتی سودآوری راه‌اندازی کنند (نوعاً درختان میوه دار)، کسانی است که عملکردشان بهتر از دیگران است. داشتن نوعی از حمایت دولتی در چنین مواردی سودمند است، زیرا درختان مثمر سرمایه‌گذاری‌های درازمدت است که نیازمند اعتماد نسبت به آینده درازمدت است. مناطق مسکونی کلانی مانند شهرک حاجی جنت گل برای حفظ پایداری خویش به موجودیت کارهای دارای معاش وابسته‌تر است. به دلیل حجم مناطق تحت سروی، نه سبک زندگی نیمه کوچی و نه سایر اشکال مالداری نقش مهمی در تامین پایداری اقتصادی اسکان ندارد اما در مورد مناطق کوچک‌تر، شاید موضوع متفاوت باشد.

لازم است یادآوری شود که کوچی‌های ساکن از وابستگان شان دعوت می‌کنند به آنها بپیوندند. با آسان شدن روند اسکان پس از استقرار تعداد زیادی از کوچی‌ها، بسیاری از کوچی‌ها این دعوت را پذیرفتند.^{۳۶۳}

جالب آن است که بازگشت به کوچ‌نشینی در دهه ۱۹۹۰ شایع بود اما پس از ۲۰۰۱ بسیار اندک بوده است. در دهه ۱۹۹۰، کوچی‌هایی که مجبور به فرار از جنگ و پناهندگی به پاکستان شده بودند، هنوز امیدوار بودند و تعداد زیادی از آنها در دهه ۱۹۹۰ برای پیشبرد کوچ‌نشینی، گله خریدند^{۳۶۴}. وضعیت اکنون تغییر کرده است و کم‌تر مصاحبه‌شونده کوچی احساس می‌کند بازگشت به زندگی کوچی امکان‌پذیر یا حتی مطلوب است^{۳۶۵}. یکی از کوچی‌های ساکن چنین گفت:

وقتی یک کوچی ساکن می‌شود و مزایای زندگی ثابت را می‌بیند، هیچ‌گاهی به زندگی کوچی باز نخواهد گشت زیرا همه می‌دانیم که زندگی کوچی پر از مشقت، دشواری و گرفتاری است^{۳۶۶}.

۳۶۰. Hervé Nicolle, 'Qu'elle était verte ma vallée L'avenir sans terre des populations Kuchi dans le district de Deh Sabz', REMMM ۱۱۳۳, p. ۶-۲۳۵.

۳۶۱. کوچی آباد بدون مجوز دولتی به مرور در دهه ۱۹۹۰ در نزدیکی کابل تاسیس شد.

۳۶۲. مصاحبه با کوچی ساکن در منطقه مسکونی کوچی آباد، ۱ مارچ ۲۰۱۹؛ مصاحبه با کوچی ساکن در منطقه مسکونی کوچی آباد، ۳ مارچ ۲۰۱۹؛ مصاحبه با کوچی ساکن در حاجی جنت گل، ۱ فیبروری ۲۰۱۹؛ مصاحبه با کوچی ساکن در حاجی جنت گل، ۲ فیبروری ۲۰۱۹؛ مصاحبه با کوچی ساکن در حاجی جنت گل، ۳ مارچ ۲۰۱۹؛ مصاحبه با کوچی ساکن در حاجی جنت گل، ۴ مارچ ۲۰۱۹؛ مصاحبه با کوچی ساکن در منطقه مسکونی کوچی آباد، ۳ مارچ ۲۰۱۹؛ مصاحبه با کوچی ساکن در منطقه مسکونی کوچی آباد، ۲ مارچ ۲۰۱۹؛ مصاحبه با کوچی ساکن در منطقه مسکونی کوچی آباد، ۳ مارچ ۲۰۱۹.

۳۶۳. مصاحبه با کوچی ساکن در حاجی جنت گل، ۱ فیبروری ۲۰۱۹؛ مصاحبه با کوچی ساکن در حاجی جنت گل، ۲ فیبروری ۲۰۱۹؛ مصاحبه با کوچی ساکن در حاجی جنت گل، ۳ مارچ ۲۰۱۹؛ مصاحبه با کوچی ساکن در حاجی جنت گل، ۴ مارچ ۲۰۱۹؛ مصاحبه با کوچی ساکن در کوچی آباد، ۱ مارچ ۲۰۱۹؛ مصاحبه با کوچی ساکن در کوچی آباد، ۳ مارچ ۲۰۱۹؛ مصاحبه با کوچی ساکن در وزیر کاریز، لوگر، ۱ اپریل ۲۰۱۹؛ مصاحبه با کوچی ساکن در وزیر کاریز، لوگر، ۲ اپریل ۲۰۱۹؛ مصاحبه با کوچی ساکن در دشت خاکه، برکی برک، ۱ اپریل ۲۰۱۹؛ مصاحبه با کوچی ساکن در دشت خاکه، برکی برک، ۲ اپریل ۲۰۱۹؛ مصاحبه با کوچی ساکن در دشت خاکه، برکی برک، ۳ اپریل ۲۰۱۹؛ مصاحبه با کوچی ساکن در دشت خاکه، برکی برک، ۴ می ۲۰۱۹؛ مصاحبه با موسفید کوچی قبیله بابکر خیل، ولسوالی ده سبز ولایت کابل، ۲۸ جنوری ۲۰۱۷.

۳۶۴. مصاحبه با کوچی ساکن در دشت خاکه، برکی برک، ۴ می ۲۰۱۹؛ مصاحبه با کوچی ساکن در وزیر کاریز، لوگر، ۱ اپریل ۲۰۱۹؛ مصاحبه با کوچی ساکن، وزیر کاریز، لوگر، ۲ اپریل ۲۰۱۹.

۳۶۵. مصاحبه با کوچی ساکن در دشت خاکه، برکی برک، ۲ اپریل ۲۰۱۹.

۳۶۶. مصاحبه با کوچی ساکن در حاجی جنت گل، ۱ فیبروری ۲۰۱۹.

۲.۳.۶ آیا اسکان کوچی منازعه را کاهش می دهد؟

بررسی مزایا و معایب اسکان کوچی ها از نقطه نظر کاهش منازعه پیچیده است. اسکان کوچی ها شاید از طریق انحراف کوچی ها از الگوهای مهاجرتی شان و در نتیجه پایان دادن به اختلاف بر سر محدوده ورود غیر مجاز، یک منبع منازعه را از بین ببرد. اما همزمان به دلیل کمیاب بودن زمین، به خصوص زمانی که اسکان به صورت خود انگیخته انجام می شود، منازعات جدید را به وجود می آورد (به بخش ۴.۲.۳ بالا نگاه کنید)

در موارد نسبتاً محدود زیستگاه های تحت حمایت یا دارای مجوز حکومتی، وضعیت به درستی پیش نرفت. مقامات حکومتی هیچ گاهی نتوانستند پروسه های اسکان را به صورت مؤثر مدیریت کنند، به خصوص در وزیر کاریز، جایی که ادارات مختلف حکومتی با گروه های گوناگون رقیب همسو شده اند. به عبارت دیگر، طرح های اسکان تحت حمایت دولت مناسب به نظر نمی رسد، مگر اینکه نهادهای حکومتی توانایی مدیریت مؤثرتر آنها را داشته باشند یا حداقل به تعهدات شان عمل کنند. بنابر این، اسکان کوچی ها قطعاً راه حلی برای کاهش منازعه نیست. اما در عمل، چنانچه در بخش ۳ بیان شد، اسکان کوچی هم اکنون در مقیاس بزرگ اتفاق افتاده است.

از آنجایی که تقریباً هیچ کوچی (خالص) باقی نمانده است، مساله اصلی این نیست که آیا کوچی ها مسکن گزین شوند یا خیر، بلکه سوال این است که روند مسکن گزینی مدیریت شده باشد یا مدیریت نشده. به خاطری که تقریباً هیچ منطقه مسکونی تحت حمایت دولت نیست که به صورت مؤثر از سوی ادارات حکومتی مدیریت شده باشد، سخت است قضاوت شود که در صورت اقدام مؤثرتر دولتی سطح فعلی منازعه کاهش خواهد یافت یا نه. می توان تصور کرد که تطبیق مؤثر حقوق ملکیت می تواند تاثیر مثبت تر داشته باشد. از سوی دیگر، دولت افغانستان در صورت دخیل شدن در توزیع زمین به کوچی ها، متقبل خطر خواهد شد زیرا این کار در هر صورت باعث انتقاد از جوامع دیگر خواهد شد، بدون در نظر داشت عادلانه بودن تصمیم گیری دولت. جالب این است که حتی طالبان ظاهراً انگیزه اندکی برای درگیر شدن در این مساله دارد (به بخش ۲.۵ نگاه کنید). اما دولت با دور ماندن از رقابت تقسیم چراگاه ها، مشروعیت اش را از دست خواهد داد. آنچه واضح است این است که هر نوع تلاش دولت افغانستان در آینده برای مدیریت مؤثرتر روند اسکان کوچی ها باید بر اساس استراتژی های دقیق و نیز ابزارها و ساختارهای مناسب باشد که لازم است مطالعه و تدوین شود.

۴.۶ زمانبندی

یک مقام پالیسی ساز در ریاست کوچی ها این دیدگاه را مطرح کرد که راه بدیل دیگر مدیریت منافع متضاد که کمتر به دولت وابسته است، زمانبندی رسیدن کوچی ها است، به گونه ای که به دهقان های مسیر مهاجرت کوچی ها فرصت داده شود علف و محصولات خویش را برداشت کنند، چنانچه گفته می شود قبل از زمان جنگ انجام می شد.^{۳۶۷} سایر مصاحبه شوندگان دیدگاه های متفاوتی در مورد آن بیان کردند (به چوکات ۱۰ نگاه کنید). آیا زمانبندی مؤثر خواهد بود؟ یکی از مقامات ریاست کوچی ها فکر می کند مؤثر خواهد بود:

اگر این پلان ها و زمانبندی ها در تمام کشور اجرا شود، تضمین می کنم که تقریباً ۸۰ درصد منازعات حل خواهد شد.^{۳۶۸}

حتی اگر در سطح محلی روی چنین زمانبندی توافق شود، اجرای آن نیازمند نقش دولت است. زمانبندی قبل از جنگ، زمانی که قدرت و نفوذ حکومت افغانستان بیشتر از امروز بود، به ندرت احترام می شد. بنابر این، واقع بینانه آن است که اگر قدرت دولت افغانستان تحکیم شود، زمانبندی به صورت بالقوه می تواند در شرایط پس از منازعه تطبیق شود.^{۳۶۹} در برخی از موارد، زمانبندی های محلی در گذشته به عنوان بخشی از راه حل از سوی طرف های درگیر منازعه مورد توافق قرار گرفته است.^{۳۷۰}

۳۶۷ مصاحبه با موسی پوپل، رییس ریاست کوچی ها، ولایت لوگر، فبروری ۲۰۱۸.

۳۶۸ مصاحبه با انجینیر فضل احمد نوزی، رئیس ریاست کوچی ها، ولایت فراه، فبروری ۲۰۱۸.

۳۶۹ مصاحبه با مامور ریاست کوچی ها، ولایت خوست، فبروری ۲۰۱۸.

۳۷۰ مصاحبه با مولوی عبدالرحمان، شورای علمای فراه، میانجی، اپریل ۲۰۱۸.

چوکات ۱۰: آیا از زمانبندی در گذشته استفاده شده است؟

زمانی که از یک موسفید هزاره در مالستان در مورد زمانبندی برای گله های کوچی در گذشته سوال شد، وی چنین یاد کرد:

زمانبندی برای ولسوالی ما این گونه بود که کوچی ها در پایان ماه اپریل هر سال می آمدند. در ابتدا، باید صبر می کردند تا دهاقین هزاره در هر ولسوالی علف های شان را از تپه ها و کوه ها درو و جمع آوری و برای زمستان ذخیره کنند. بعداً، کوچی ها می توانستند با حیوانات شان بیابند و آنها را در کوه ها و تپه ها بچرانند. پلان این بود که کوچی ها در ابتدا به ولسوالی بهسود بیابند و برای ۱۰ تا ۱۵ روز بمانند و علف های باقی مانده در کوه ها را مصرف کنند تا دهاقین ناهور کشت شان را تکمیل و علف های شان را برای زمستان ذخیره کنند. بعد از آن، به کوچی ها اجازه می دادند به ولسوالی ناهور وارد شوند و برای ۱۰ تا ۱۵ روز بمانند و از علف های باقی مانده در تپه ها و کوه ها استفاده کنند تا دهاقین مالستان کشت مزارع و جمع آوری علوفه را تکمیل کنند و به کوچی ها اجازه دهند حیوانات شان را بیاورند.^{۲۷۱}

این موسفید ادعا می کند که مهاجرت کوچی ها نسبت به دوران قبل از جنگ بسیار نامنظم شده است، که سبب آسیب بیشتر به محصولات و چراگاه های روستایی می شود:

زمانبندی برای ولسوالی ما این گونه بود که کوچی ها در پایان ماه اپریل هر سال می آمدند. در ابتدا، باید صبر می کردند تا دهاقین هزاره در هر ولسوالی علف های شان را از تپه ها و کوه ها درو و جمع آوری و برای زمستان ذخیره کنند. بعداً، کوچی ها می توانستند با حیوانات شان بیابند و آنها را در کوه ها و تپه ها بچرانند.^{۲۷۲}

اما همه موافق نیستند که قبل از جنگ چنین زمانبندی به صورت مؤثر عملی می شد.^{۲۷۳} یک موسفید هزاره ناهور به یاد دارد که اگر در مورد زمانبندی به کوچی ها چیزی یادآوری می شد، کوچی ها ناراحت می شدند:

تا جایی که من به یاد دارم، زمانبندی از سوی موسفیدان هزاره با مشورت حکومت محلی تعیین می شد. بعد از توافق این دو طرف، زمانبندی با کوچی ها نیز در میان گذاشته می شد. در آن زمان، کوچی ها از زمانبندی ناراضی بودند. موسفیدان کوچی در جلسات زمانبندی را قبول می کردند اما هیچ گاهی از آن پیروی نمی کردند.^{۲۷۴}

بعضی از هزاره ها می گویند در واقع نارضایتی کوچی ها اغلب به این معنی بود که زمانبندی هیچ گاهی تطبیق نمی شد.^{۲۷۵} موسفیدی از مالستان چنین توضیح داد:

قبل از انقلاب، یعقوب خان حاکم ولایت کابل، بر اساس یک تقسیم اوقات یا جدول زمانی، دسترسی به علفچرهای مناطق مرکزی افغانستان (اکثر مناطق هزاره نشین) را به کوچی ها اعطا کرد. این بدان معنی بود که تا زمانی که روستایی هایی که در مسیر کوچی ها است علوفه شان را برداشت نکرده اند، کوچی ها نباید به آن روستا بروند و از علفچر آن برای حیوانات شان استفاده کنند. معنای دیگرش این بود که حق اول از ما بود تا علوفه را برداشت و در گدام ها برای زمستان حیوانات خویش ذخیره کنیم و بعد علوفه باقی مانده در زمین در اختیار حیوانات کوچی گذاشته شود. اما متأسفانه کوچی ها زودتر می آمدند و قبل از آنکه ما علوفه خویش را درو کنیم، آن را برای حیوانات شان استفاده می کردند. وقتی ما اعتراض می کردیم که ما هنوز علوفه را درو نکرده ایم و مواشی خود را رها نکنند، کوچی ها گوش نمی دادند و در عوض اسلحه خود را به ما نشان می دادند.^{۲۷۶}

به طور قطع سطح تطبیق جدول زمانی از یک منطقه تا منطقه دیگر متفاوت بوده است. بر اساس گفته های یک موسفید کوچی، زمانبندی قبل از جنگ در برخی از مناطق صحرائی مفید بود.^{۲۷۷} یک موسفید ساکن ناهور خاطر نشان کرد که تنها بعضی از قبیله های کوچک تر، شرقی به زمانبندی احترام می گذاشتند.^{۲۷۸}

- ۲۷۱ مصاحبه با موسفید هزاره، قریه بغرا، ولسوالی مالستان، ۱۴ مارچ ۲۰۱۷.
- ۲۷۲ مصاحبه با موسفید هزاره، قریه بغرا، ولسوالی مالستان، ۱۴ مارچ ۲۰۱۷.
- ۲۷۳ مصاحبه با عضو کمیسیون کوچی، کابل، ۱ جون ۲۰۱۷؛ مصاحبه با شاه محمود میاخیل، انستیتوت صلح ایالات متحده، کابل، ۲۰ سپتامبر ۲۰۱۷.
- ۲۷۴ مصاحبه با ح. ر. موسفیدی از ولسوالی ناهور ولایت غزنی، جون ۲۰۱۸.
- ۲۷۵ مصاحبه با موسفید قریه، ولسوالی پنجاب ولایت بامیان، جولای ۲۰۱۷.
- ۲۷۶ مصاحبه با موسفید قریه، قریه بغرا، ولسوالی مالستان، مارچ ۲۰۱۷.
- ۲۷۷ مصاحبه با الف. ج. موسفید کوچی در میدان وردک/انگرهار، می ۲۰۱۸.
- ۲۷۸ مصاحبه با موسفیدی از ولسوالی ناهور، می ۲۰۱۸.

۵,۶ نقش جدید دولت

در جریان تحقیق روشن شد که مقامات حکومتی افغانستان از آنچه بین کوچی ها و دهاقین جریان دارد آگاه اند اما تصویر دقیق از آن ندارند. مقامات و سیاستمداران مختلف با یک گروه یا گروه دیگری همسو اند اما شواهد عینی اندکی از عوامل محرک منازعه وجود دارد. مثلا، هزاره ها مدعی اند که اکثر خانوارها در هزاره جات اکنون مواشی بیشتری نگهداری می کنند و نیاز دارند به چراگاه های بیشتری دسترسی داشته باشند. احتمال نمی رود که مسائلی مانند این بدون سروی دقیق و کشف جزئیات، تغییراتی که در بیش از ۴۰ سال اخیر رخ داده است، موفقانه مدیریت شود.

واضح است که نهادهای دولتی تا سال ۲۰۱۹ ظرفیت توسعه نقش شان در رسیدگی به مسائل کوچی-ده نشین را نداشت. برای نمونه، مقامات ریاست کوچی ها می پذیرند که منابع کافی برای نظارت مؤثر بر همه منازعاتی که بین کوچی ها و ساکنین محل رخ می دهد، در اختیار ندارد. بخشی از ماجرا مربوط به دسترسی است زیرا بسیاری از ساحات بیرون از منطقه تحت کنترل حکومت قرار دارد. با این وجود، ریاست کوچی ها از ترانسپورت کافی برای نظارت حتی در مناطق قابل دسترس، برخوردار نیست (به بخش ۲.۲.۳ در بالا نگاه کنید).

احتمال نمی رود که اتکای مداوم به فرمان های سلطنتی که حتی خیلی پیشتر از شروع جنگ صادر شده بودند، گزینه درستی برای تعیین چراگاه ها باشند، به خصوص این که بسیاری از چراگاه ها از بین رفته یا کم شده اند. حداقل برخی از مقامات حکومتی، به صورت آشکار یا نهان، این موضوع را می پذیرند^{۲۷۹}. اما در حال حاضر هیچ امکاناتی برای واگذاری دوباره چراگاه ها به کوچی ها وجود ندارد.

سروی دقیق کوچی ها نیز برای تدوین جدول زمانی کوچی ها ضروری است - ایده ای که از حمایت جدی در میان مقامات حکومتی برخوردار است. واضح است که جدول زمانی کوچی ها باید با حمایت دولت و از طریق مشورت با جوامع ساکن محلی تدوین شود. نیازمندی های باشندگان محل به لحاظ تغذیه حیوانات خودشان باید در سروی شامل شود. با توجه به احساسات خصمانه بین جوامع کوچی و ده نشین، احتمال نمی رود که تصامیم خودسر توسط یک طرف درگیر برای طرف دیگر پذیرفتنی باشد، و نه جدول زمانی می تواند در سطح محلی مدیریت شود. در نتیجه، نوعی از نظارت بر تطبیق جدول زمانی باید مد نظر گرفته شود^{۲۸۰}.

در حقیقت، ریاست کوچی ها هم اکنون با حمایت مشاورین خارجی روی زمانبندی کار می کند^{۲۸۱}. یکی از مشاورین ریاست کوچی ها که از اجرای زمانبندی حمایت می کند، برخی از نیازمندی ها را این گونه بیان کرد:

- نظارت و سروی جوامع کوچی توسط دولت؛
- جمع آوری معلومات مربوط به کوچ فصلی کوچی ها در سراسر افغانستان^{۲۸۲}.

در برخی از مناطق، ریاست کوچی ها هم اکنون برای کوچی ها جدول زمانی تهیه کرده که بر اساس گزارش ها به کاهش منازعه کمک کرده است:

در مورد منازعه بر سر چراگاه: ما جدول زمانی مهاجرت را برای جوامع مهاجر کوچی تهیه کردیم و از این طریق مشکلات میان کوچی های ساکن و کوچی هایی را که مهاجرت می کنند و در فصل های خاص به این ولایت بر می گردند، حل کردیم. فکر می کنم تمام مشکل در زمانبندی مهاجرت بود...^{۲۸۳}

۲۷۹ مصاحبه با مامور ریاست کوچی ها، ولایت خوست، فبروری ۲۰۱۸.

۲۸۰ مصاحبه با م. الف. الف. مو سفید قبیله الکوزی، منطقه کوه دانا، ولایت فراه، جون ۲۰۱۷؛ مصاحبه با مامور ریاست کوچی ها، ولایت خوست، فبروری ۲۰۱۸.

۲۸۱ مصاحبه با موسی پوپل، رییس ریاست کوچی ها، ولایت لوگر، فبروری ۲۰۱۸.

۲۸۲ مصاحبه با موسی پوپل، رییس ریاست کوچی ها، ولایت لوگر، فبروری ۲۰۱۸.

۲۸۳ مصاحبه با انجینیر فضل احمد نورزی، رئیس ریاست کوچی ها، ولایت فراه، فبروری ۲۰۱۸.

کارهایی مانند تدوین جدول زمانی برای کوچی ها نیازمند کمک نهادهای دولتی به خصوص وزارت زراعت، آبیاری و مالداری است که باید چراگاه را شناسایی کند^{۲۸۴}. موضوع احیای چراگاه ها که قرار است اجرا شود مستلزم همکاری وزارت احیا و انکشاف دهات است^{۲۸۵}. ریاست کوچی ها خواستار صلاحیت بیشتر در تعامل با سایر ادارات حکومتی است، تا به منازعات کوچی-ده نشین رسیدگی کنند^{۲۸۶}.

ریاست کوچی ها همچنان خواستار نیروی بیشتر به این ریاست است تا در حالات منازعه مداخله کند: افراد بیشتر و توانایی اجباری (یکی از مقامات این رقم را ۳۰ افسر مسلح برای هر دفتر خواند)^{۲۸۷}.

این ریاست نیازمند منابع و ظرفیت بیشتر است تا بتواند از قدرت اضافی به صورت مؤثر استفاده کند. این موضوع در مورد سایر ارگان های حکومتی که در موضوع دخیل است نیز صادق است، مانند اداره اراضی و وزارت شهرسازی (تا جایی که مربوط به مساله اسکان است) یا وزارت زراعت، آبیاری و مالداری (علامت گذاری) یا دیگر ادارات. ریاست کوچی ها همچنان پلان دارد اقتصاد یکپارچه ایجاد کند، یعنی جایی که ساکنین محل در کارخانه های پروسس مواد غذایی کار کنند و کوچی ها گوشت خام لازم را تهیه کنند. این پلان بلندپروازانه است و در هزاره جات، جایی که مردم حیوانات زیادی دارند و نیاز اندکی به سهم گیری کوچی ها می بینند، محبوب نیست^{۲۸۸}.

۲۸۴ مصاحبه با مامور ریاست کوچی ها، ولایت خوست، فبروری ۲۰۱۸.

۲۸۵ مصاحبه با انجینیر میرخیل، متخصص آب، وزارت احیا و انکشاف دهات، کابل، ۹ اکتوبر ۲۰۱۷.

۲۸۶ مصاحبه با موسی پوپل، رئیس ریاست کوچی ها، ولایت لوگر، فبروری ۲۰۱۸.

۲۸۷ مصاحبه با محمد همایون عزیز، ریاست کوچی ها، ولایت میدان وردک، فبروری ۲۰۱۸.

۲۸۸ مصاحبه با حاجی ح. الف. موسفید هزاره، ولسوالی ورس ولایت بامیان، می ۲۰۱۸؛ مصاحبه با حاجی ر. الف. موسفید هزاره از ولایت بامیان، می ۲۰۱۸.

۷. نتیجه‌گیری

مقامات حکومتی افغانستان می‌پذیرند که منازعه کوچی-ده نشین برای مدت طولانی ادامه داشته و باید حل شود. مراجع حکومتی در حال تدوین پلان اند و در برخی موارد، تطبیق محدود پالیسی‌های جدید را که هدف آن، اگر نه حل منازعه کوچی-ده نشین، لااقل کاهش آن است، شروع کرده‌اند. ظاهراً تطبیق برخی از این پالیسی‌ها آسان‌تر از بقیه است اما همه آن به دلیل نبود منابع مالی و معلومات کافی در مورد پیشینه‌ای مربوط، با موانع روبرو است. احتمالاً همه پالیسی‌ها با دانش و تحلیل کافی تدوین نشده است.

پروژه جاری یافته‌های تحقیقات قبلی را که روابط کوچی-دهقان در افغانستان را بررسی کرده است، تایید و آن را تقویت می‌کند. به خصوص، تیم تحقیق به این نتایج دست یافته‌اند:

- پروسه اسکان کوچی‌ها رو به تسریع شدن است؛
- اسکان کوچی‌ها به عنوان منبع منازعه، از اهمیت فزاینده برخوردار است؛
- زورمندان کوچی نقش رو به رشدی در پیشبرد منازعه و اسکان دارند؛
- به نظر می‌رسد ماهیت روابط اجتماعی میان کوچی‌ها با سرعت بیشتری در حال تغییر است؛
- منازعه کوچی-ده نشین به گونه روز افزون سیاسی سازی و قومی سازی می‌شود، که خطر نهان تقویت ظرفیت سایر منازعات را به همراه دارد؛
- دولت افغانستان همچنان تماشاچی منازعات جاری است و به ندرت نقش فعالی در حل منازعات ایفا می‌کند - غیبت دولت از سوی طرف‌های منازعه به شدت حس می‌شود، هرچند هیچ اجماعی درباره نقشی که دولت می‌تواند و باید ایفا کند، وجود ندارد؛
- اکثر منازعاتی که حل می‌شود از طریق میانجی‌گری جانب سوم است که از میان رهبری قبایل دیگر انتخاب می‌شود؛
- فشار جمعیتی همچنان بالا است، به خصوص به دلیل برگشت صدها هزار افغان از پاکستان؛
- منازعه بر سر چراگاه‌ها به دلیل انسداد مسیرهای دسترسی به ارتفاعات، متوقف شده است اما در عوض در ساحاتی که انسداد رخ می‌دهد، منازعه تشدید شده است.
- تعدد نهادی حل منازعه را دشوارتر می‌سازد، اما سوء استفاده بیشتر را برای بازیگرانی که از حمایت سیاسی در راس دولت برخوردار است مهیا می‌کند.

این سروی هرچند محدود است، نشان می‌دهد که دو نوع عمده منازعه بین کوچی‌ها و دهقان‌ها در افغانستان امروز وجود دارد: منع دسترسی به چراگاه‌ها از سوی دهقان‌ها و رقابت بین جوامع دهقان و کوچی در مورد تملک چراگاه‌ها. سایر انواع منازعه، مانند اختلاف بر سر نقش حریم‌های علامت‌گذاری نشده، نسبتاً حاشیه‌یی به نظر می‌رسد.

واضح است که عدم تحرک حکومت در مواجهه با مسئله اصلاح رویکرد در قبال زمین دولتی ناپایدار است. منازعه رو به رشد ناشی از تبدیل چراگاه‌ها به زمین شخصی علامت این است که نمی‌توان تدوین چارچوب لازم برای تبدیل بخشی از چراگاه‌ها به ساحات توسعه شهری یا زمین زراعتی یا چراگاه خصوصی را تا زمان نامعلوم به تأخیر انداخت. عدم فعالیت حکومت و پارلمان در این زمینه شرایطی را برای غصب گسترده و تملک زمین‌های دولتی فراهم کرده است. شهرهای اصلی افغانستان با در نظر داشت فشار شدید جمعیتی آن، باید به نحوی گسترش می‌یافت و شمار خانوارها از ۱۹۷۸ تا ۲۰۰۱ به صورت قابل ملاحظه‌ای رشد کرد. با ناکامی حکومت در برآوردن تقاضاها، دسته جدیدی از کارآفرینانی که به صورت غیر قانونی فعالیت می‌کنند ظهور کردند تا از وضعیت سوء استفاده کنند - غاصبان زمین.

هرچقدر منازعه به سمت کسانی چرخش پیدا کند که کنترل پروسه تبدیل چراگاه به زمین خصوصی را در اختیار دارد، به همان اندازه منازعه فرسایشی و خشونت بار می‌شود. منافع اقتصادی کلانی وجود دارد و معیشت بسیاری از خانواده‌ها در معرض خطر اند، بنا بر این، منازعه ممکن به آسانی تشدید شود.

واضح است که منازعه کوچی-دهقان با این خطر مواجه است که به موضوع کلان تری تبدیل شود یا به آن کمک کند: دلیل دیگری برای ضرورت اقدام دولت، پالیسی سازان به دلیل ماهیت پیچیده قضیه، ظرفیت محدود دولتی و اولویت های خودشان، مانند شورش جاری، تمایلی به مواجهه مستقیم با این مسئله نداشته اند. اما اقدام هر چقدر به تاخیر بیفتد، منازعه به همان اندازه عمیق تر و فرسایشی تر می شود.

گسترش و شدت یافتن منازعه کوچی-دهقان، البته بنفسه بد است، نه تنها به خاطر از دست رفتن جان ده ها نفر هر ساله، بلکه همچنان به خاطر آسیب های اقتصادی آن، تخریب خانه ها و مرگ حیوانات^{۲۸۹}.

۱,۷ سفارشات

به گونه واضح، ناتوانی و فقدان اراده در مراجع کابل برای حل منازعه کوچی-ده نشین به کاهش مشروعیت حکومت کمک می کند. لازم است فوریت رسیدگی به این مسئله حس شود. اگر حل هر مشکل بین کوچی ها و دهقان ها نیازمند زمان است، حکومت حداقل باید با مسئله چراگاه ها، تعویض فرمان های قدیمی سلطنتی که بخش های بزرگی از چراگاه ها را برای مدت نامحدود به قبایل خاص کوچی بخشید، با راه حل های تازه تر، رسیدگی کند.

علامت گذاری زمین های زراعتی، گزمه مسیر مهاجرت کوچی ها، اسکان کوچی ها، زمانبندی مهاجرت مطابق اوقات زراعت، همه به عنوان بخشی از راه حل های پیشنهاد شده است. همه این راه حل ها تا اندازه ای نیازمند مداخله دولت است و در حقیقت بسیاری از مصاحبه شوندگان، به خصوص کوچی ها، خواستار مداخله بیشتر دولت در این منازعات شد.

با این حال، احساس شایعی در میان مقامات دولتی این است که دولت افغانستان در حال حاضر ظرفیت کمک به حل این منازعات را ندارد. حکومت افغانستان و منابع کمک کننده باید راه های جدیدی را برای حل منازعه جستجو کنند که مساله ظرفیت ضعیف دولت را نادیده بگیرد یا حل کند. راه حل دوگانه، یعنی جایی که دولت نقش محدود اما واقع بینانه و پایدار دارد، می تواند راه حل آینده باشد.

از یک نگاه، اسکان کوچی ها، به شیوه ای که بعد از ۲۰۰۱ رخ داد تا حد زیادی مستقل از دولت اتفاق افتاده است. شواهد جزئی که در این مقاله گردآوری شده است نشان می دهد که این کار به لحاظ اقتصادی شدنی است. اکثر کوچی هایی که مسکن گزین شده اند به نظر می رسد تصمیم گرفته اند که زندگی ثابت بهتر از زندگی کوچی است، حداقل به خاطری که از ابتدای زمان جنگ تا کنون عملی شده است. نکته مهم دیگر این است که کوچی هایی که مسکن گزیدند بدون هیچ مشورت یا کمک یا با مشورت و کمک اندک دست به این کار زدند، و نسبتاً موفقانه مهارت های جدیدی را آموختند.

می توان تصور کرد که اگر پروسه اسکان حمایت می شد و چندین گزینه برای اسکان کوچی ها در اختیار آنان گذاشته می شد، چه اتفاق می افتاد. از آنجایی که اکثریت کلان کوچی ها در هر صورت مسکن گزین می شوند، مراجع دولتی افغانستان باید تلاش کنند هدایت پروسه را به عهده بگیرند، مشوق هایی مانند خدمات و امکانات ارائه کنند، در عوض کوچی ها بپذیرند در زمین هایی که توسط دولت تعیین شده ساکن شوند. وگرنه، زمین غصب خواهد شد و منازعات جدید به وجود خواهد آمد.

در هر صورت، دولت باید با مساله تدارک زمین برای توسعه شهری مواجه شود، امری که برخی از محرک های اصلی تصرف غیرقانونی زمین را (خواه توسط کوچی ها یا دیگران) تضعیف می کند.

جوامع کوچی می تواند مشوق هایی دریافت کند تا شیوه زندگی شان را حداقل در حد ترک مهاجرت های طولانی مدت، ترک کنند. مسایل تخنیکی بسیاری در رابطه به چنین رویکردها وجود دارد که باید به تفصیل مطالعه شود.

۲۸۹ مصاحبه با موسفید کوچی، قبیله تره خیل، ولسوالی ده سبز، ولایت کابل، جنوری ۲۰۱۷؛ مصاحبه با موسفید کوچی بلوچ، ولایت فراه، جون ۲۰۱۷.

منابع

- “A study of the Kuchi population in the Kabul New City area.” (Kabul: Samuel Hall, 2012).
- Barfield, T.J. *The Central Asian Arabs of Afghanistan: Pastoral Nomadism in Transition* (Austin: University of Texas Press, 1981).
- Central Statistics Organisation, *Afghanistan Living Conditions Survey 2016-17*, Kabul, 2017.
- de Weijer, Frauke. “Afghanistan’s Nomad Pastoralists: Change and Adaptation.” *Nomadic People*, Volume 11, Issue 1, p. 9–37, (2007).
- de Weijer, Frauke. “National Multi Sectoral Assessment on Nomads.” (Kabul, 2005).
- Farasoo, Abbas. “The Dynamics of Nomad-Sedentary Conflict in Afghanistan: The Kuchi-Hazara Confrontation in Hazarajat.” *Annals of Japan Association for Middle East Studies*, Volume 33, Issue 1, p. 1-37, (2017).
- Ferdinand, Klaus. “Nomad expansion and commerce in central Afghanistan.” *Folk* 4, (1962).
- Ferdinand, Klaus. *Afghan Nomads: Caravans, Conflicts and Trade in Afghanistan and British India 1800-1980*. (Copenhagen: Rhodos, 2006).
- Foley, Conor. *A Guide to property law in Afghanistan*. (NRC/UNHCR, 2005).
- Foschini, Fabrizio. “The Social Wandering of the Afghan Nomads.” (Berlin: AAN, 2013).
- Frederiksen, Birthe. *Caravans and Trade in Afghanistan: The Changing Life of the Nomadic Hazarabuz* (Copenhagen: Rhodos, 1995).
- Giustozzi, Antonio. “Mapping nomad-farmer conflict in Afghanistan.” (Kabul: AREU, 2017).
- Graham-Harrison, Emma. “Hidden casualties of Afghan war: Nomadic farmers adopt more settled life.” <https://www.theguardian.com/world/2013/jan/08/afghanistan-war-nomadic-farmers>. *The Guardian*, 9 January 2013.
- Kakar, Hassan. *A Political and Diplomatic History of Afghanistan 1863-1901*. (Leiden: Brill, 2012).
- Hermann Kreutzmann and Stefan Schütte, “Contested Commons - Multiple Insecurities of Pastoralists in North-Eastern Afghanistan,” *Erdkunde*, Volume 65, Issue 2, p. 99-119, (2011).
- Mousavi, S.A. *The Hazaras Of Afghanistan*. (London: Curzon, 1998).
- Nawabi, Kanishka. “Fractured relationships: Understanding Conflict between Nomadic and Settled Communities in Wardak’s Pasturelands.” (Kabul: CPAU, 2010).
- Nicolle, Hervé. “Qu’elle était verte ma vallée L’avenir sans terre des populations Kuchi dans le district de Deh Sabz’ (*Revue de Mondes Musulmans et de la Méditerranée*, 133, 2013), p. 235-236.

Patterson, Mervyn. "The Shiwa Pastures, 1978-2003: Land Tenure Changes and Conflict in Northeastern Badakhshan" (Kabul: AREU, 2004).

Pedersen, Gorm. *Afghan Nomads In Transition: A Century of Change Among the Zala Khân Khêl* (Copenhagen: Rhodos, 1994).

Sharif, M. and M.Y. Safar. "Land Administration and Management in Afghanistan." (Blue Mounds: Terra Institute), (2008)

Stanfield, David et al. "Rangeland Administration in (Post) Conflict Conditions: The Case of Afghanistan." *Innovations in Land Rights Recognition, Administration, and Governance*, ed

پیشنهادات شما

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان میخواهد تا از پیشنهادات شما به عنوان استفاده کنندگان منابع تحقیقاتی این نهاد مستفید شود. شما چه خواننده دایمی انتشارات ما باشید، چه در یکی از ورکشاپ ها یا سخنرانی های این واحد شرکت کرده باشید، چه از کتابخانه استفاده کرده باشید و یا جدیداً با این سازمان آشنا شده باشید. نظریات و پیشنهادات شما برای ما ارزشمند است. نظریات شما برای ما کمک میکند تا هدف خود را به بهترین وجه تعقیب نموده و یافته های کاری خود را به شکل بهتر با خوانندگان نشریات ما به اشتراک بگذاریم. سهل ترین راه برای ارائه پیشنهادات شما استفاده از این ایمیل آدرس میباشد. areu@areu.org.af

شما نیز میتوانید هر نظری که دارید از طریق شماره ۷۹۹۶۰۸۵۴۸ (+۹۳) در میان بگذارید. اما بعضی اطلاعات که عمدتاً برای ما سودمند خواهند بود عبارتند از:

- چطور از نشریات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان استفاده می کنید. (مطالعه انتشارات، شرکت در جلسات و غیره)؟
- به چه منظور از تحقیقات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان استفاده می کنید؟
- به چه شکل انتشارات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان را بدست می آورید؟
- از نسخه الکترونیکی استفاده میکنید یا نسخه چاپی؟
- چگونه انتشارات میتوانند اطلاعات را به شکل بهتری ارائه دهند؟
- نظر شما در مورد روند تحقیقاتی و نتایج ما چیست؟
- انتشارات یا رویداد های مورد علاقه شما در واحد تحقیق ارزیابی افغانستان کدام است؟
- به نظر شما ما چه کار های را بهتر میتوانیم انجام دهیم؟
- علاقه، ساحه و موقعیت کاری یا مطالعه شما کدام است؟
- عرصه علاقمندی، اشتغال، مطالعه و موقعیت تان؟

لیست نشریات اخیر واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

تمام نشریات در وب سایت www.areu.org.af قابل دسترسی اند و اکثر آنها به صورت نسخه چاپی رایگان در دفتر واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان موجود میباشند.

تاریخ	نام نشریه	نویسنده	موجود به زبان دری	موجود به زبان پشتو	موضوع تحقیق	نوع نشریه
سپتامبر ۲۰۱۹	روند اسکان کوچی ها در افغانستان و تاثیر آن بر منازعه	داکتر انتونیو جیستوزی	✓	✓	مدیریت منابع طبیعی	مقاله تحلیلی
می ۲۰۱۹	آفتاب با دو انگشت پنهان نمیشود: مواد مخدر غیر قانونی و بحث ها روی توافق سیاسی در افغانستان	دیوید منسفیلد	✓	✓	مدیریت منابع طبیعی	مقاله معلوماتی
می ۲۰۱۹	پارلمان افغانستان: وظایف و صلاحیت های مندرج قانون اساسی و عملکرد آن بعد از سال ۲۰۰۱	داکتر شمشاد پسری، زلی مالیار	✓	✓	قانون اساسی	مقاله تحقیقی
مارچ ۲۰۱۹	زندگی با قرضه: محدودیت های قرضه غیر رسمی مصونیت معیشتی در ولایت هرات	تام شاه، احسان الله غفوری	✓	✓	مصونیت اجتماعی	مقاله مقدماتی
جنوری ۲۰۱۹	نقش دولت در مدیریت کوچ نشینی و نزاع بین کوچی ها-ده نشین ها	انتونیو جیستوزی	✓	✓	مدیریت منابع طبیعی	مقاله تحلیلی
دسامبر ۲۰۱۸	سازمان و تشکیلات اداره عامه در پرتو قانون اساسی قانون اساسی ۲۰۰۴ افغانستان	میرویس ایوبی، داکتر هارون رحیمی	✓	✓	قانون اساسی	مقاله تحلیلی
نوامبر ۲۰۱۸	خشک و دور از آب: کشت خشکاش و آینده ی ساکنان مناطق دشتهای جنوب غربی افغانستان	دیوید منسفیلد	✓	✓	مدیریت منابع طبیعی	مقاله تحلیلی
می ۲۰۱۸	بررسی تاثیر پولیس اتحادیه اروپا بر اصلاحات پولیس افغانستان (۲۰۰۷-۲۰۱۶)	قیوم سروش	✓	✓	حکومتداری و اقتصاد سیاسی	مقاله مقدماتی
نوامبر ۲۰۱۸	خشک و دور از آب: کشت خشکاش و آینده ی ساکنان مناطق دشتهای جنوب غربی افغانستان	دیوید منسفیلد	✓	✓	مدیریت منابع طبیعی	مقاله تحلیلی
اکتوبر ۲۰۱۸	نوسان بین امید و ناامیدی: رفتار رای دهی شهروندان کابل در انتخابات ولسی جرگه ۲۰۱۸	محمد مهدی ذکی، صدیقه بختیاری و حسن وفایی			حکومتداری و اقتصاد سیاسی	مختصرنامه
اکتوبر ۲۰۱۸	دست بردن به خانه زنبور: مردم روستایی هلمند مبارزات ضد شورشگری را چطور میبینند	دیوید منسفیلد	✓	✓	مدیریت منابع طبیعی	مقاله تحلیلی
سپتامبر ۲۰۱۸	اهداف توسعه پایدار مربوط به صحت و نقش مراکز تحقیق پالیسی: ایجاد تحرک در جنوب آسیا	سید احمد میثم نجفی زاده			حمایت اجتماعی	گزارش
سپتامبر ۲۰۱۸	خشونت مبتنی بر جنسیت در میان کودکان بی جا شده داخلی در کابل: اقداماتی که باید انجام شود	لیه ویلفریدا و چونا چاوز			حمایت اجتماعی	پالیسی نامه

مقاله تحلیلی	حمایت اجتماعی	✓		اشلی جسکن و اورخلا نعمت	سیاست ها در ماورای شواهد: مورد سوال قرار دادن ارتباط میان ارائه خدمات و مشروعیت دولت در افغانستان	آگست ۲۰۱۸
پالیسی نامه	حمایت اجتماعی			ویدا مهران	افراطگرا و فعال: افراطگرایی در بین محصلان پوهنتون در کابل هرات	جولای ۲۰۱۸
مقاله مقدماتی	حمایت اجتماعی			قیوم سروش	بررسی تاثیر پولیس اتحادیه اروپا بر (اصلاحات پولیس افغانستان (۲۰۰۷-۲۰۱۶)	می ۲۰۱۸
مقاله تحلیلی	مدیریت منابع طبیعی	✓	✓	دیوید منسفیلد	آب هرچه عمیق تر، آرام تر: کوکنار نا مشروع و تحول دشت های جنوب غرب افغانستان	می ۲۰۱۸
پالیسی نامه	حمایت اجتماعی	✓	✓	یما تریا	مصنویت شهری: برنامه بازیبنی بنای صلح شهری در افغانستان	حوت ۱۳۹۶
پالیسی نامه	حمایت اجتماعی			ولی محمد کندیوال	مطالعه بازنمایی: میکانیزم های نهادی برای مهار کردن قاچاق انسان در افغانستان	جنوری ۲۰۱۸
نشریه تحلیلی	حمایت اجتماعی			سوپروا نراسیمهیا	مطالعه بازنمایی: میکانیزمهای نهادی برای مهار کردن قاچاق انسان در افغانستان	مارچ ۲۰۱۸
نشریه تحلیلی	مدیریت منابع طبیعی	✓	✓	داکتر انتونیو جیستوزی	نوع شناسی منازعهء کوچی-ده نشین در افغانستان	جنوری ۲۰۱۸
چکیده	حمایت اجتماعی و معیشت	✓	✓	داکتر انتونیو جیستوزی	خلاصه ای در مورد منازعه کوچی و باشندگان محل در افغانستان	عقرب ۱۳۹۶
پالیسی نامه	قانون اساسی	✓	✓	غزال حارس	باز نگری قضایی در افغانستان	اسد ۱۳۹۶
پالیسی نامه	قانون اساسی	✓	✓	کاوون کاکر، توماس کریمر، همایون رتوفی	تکامل قوهٔ اجرائیه در افغانستان: نگاهی به گذشته و پیشنهادهایی در مورد راه پیشرو	اسد ۱۳۹۶
پالیسی نامه	حکومتمداری و اقتصاد سیاسی	✓	✓	دتلیف کامیر، ذبیح الله عیسی	حکومتمداری شهری: ارزیابی برنامهٔ انکشاف شهری در افغانستان	جوزا ۱۳۹۶
پالیسی نامه	حکومتمداری و اقتصاد سیاسی	✓	✓	جاوید نورانی	حکومتمداری معادن: سیستم مؤثر جمع آوری عواید صنایع استخراجی در افغانستان	جوزا ۱۳۹۶
پالیسی نامه	حکومتمداری و اقتصاد سیاسی	✓	✓	ولی محمد کندیوال، هلن سی سی	حکومتمداری مهاجرت: تکامل مفاهیم و چارچوب نهادی در افغانستان	جوزا ۱۳۹۶
مقاله مسأله محور	حکومتمداری و اقتصاد سیاسی	✓	✓	سید حشمت الله هاشمی، گیرهارد لاوت	اصلاحات خدمات ملکی در افغانستان: نقش و وظایف سکتور خدمات ملکی	حمل ۱۳۹۶

ISBN 978-9936-641-41-9



9 789936 641419

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

ناحیه ۱۰، سرک ۱، فیز A، شهر نو
کابل، افغانستان

شماره تماس: ۵۴۸ ۶۰۸ ۷۹۹ (۰) ۹۳+

ایمیل: publications@areu.org.af

وبسایت: www.areu.org.af

تمام نشریات واحد تحقیق و ارزیابی
افغانستان را میتوانید از صفحه اینترنتی
این اداره www.areu.org.af
دریافت نمایید.

همچنان نسخه های چاپی بعضی از
نشریات این اداره را میتوانید از دفتر
واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان
بدست آورید.

